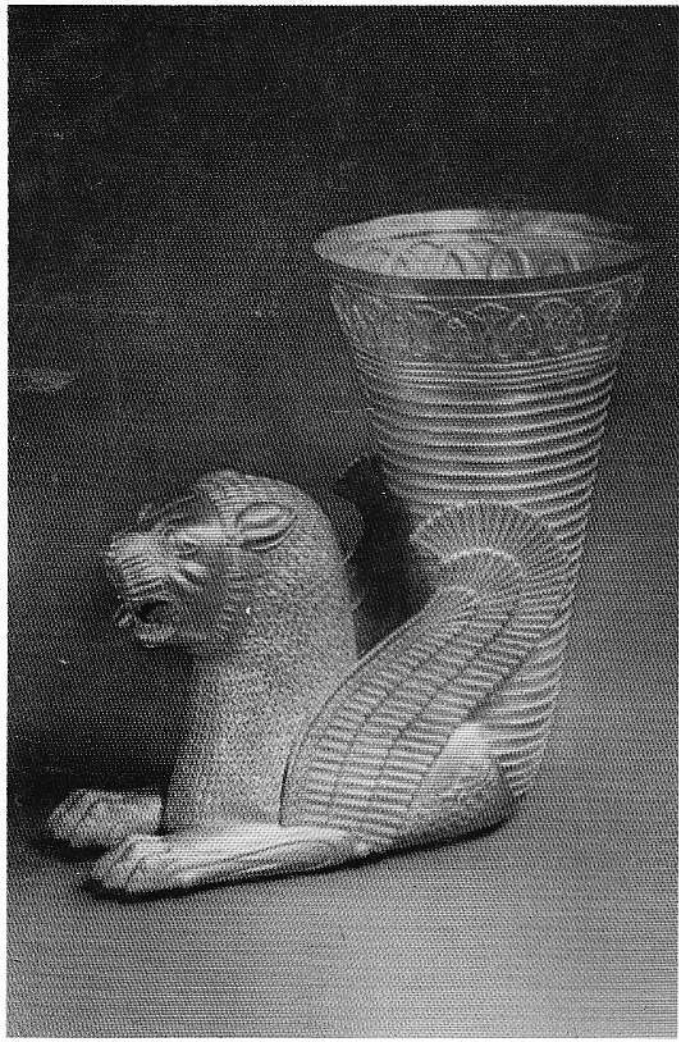
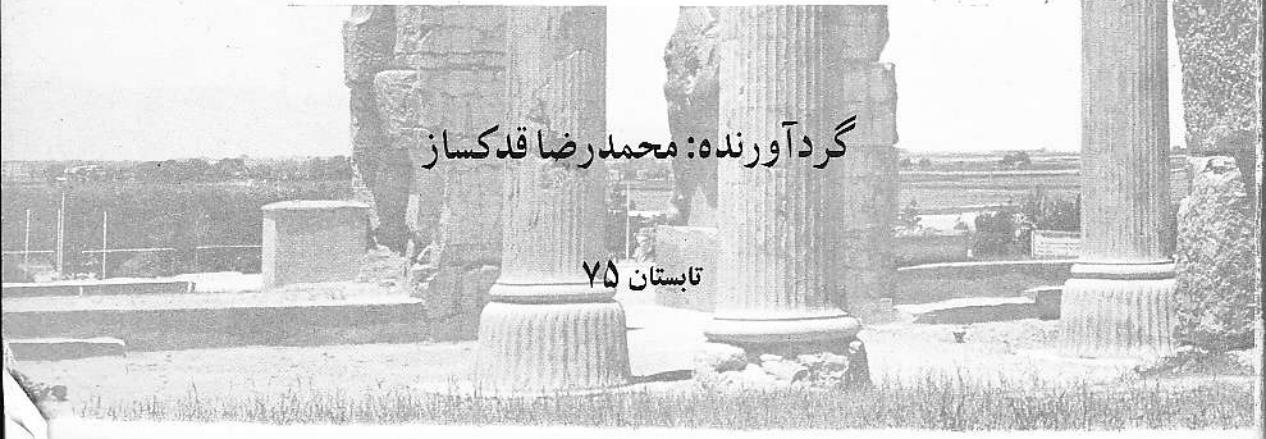


وجه تسمیه شهرهای ایران



گردآورنده: محمدرضا قدکساز

تابستان ۷۵



وجه تسمیه شهرهای ایران

گردآورنده: محمدرضا قدکساز

تاریخ و روش تحقیق

مؤلف: دکتر محمد رضا قدکساز

گرد آورنده: محمد رضا قدکساز

ناشر: انتشارات گل گشت

چاپ: اول، تابستان ۷۵

حروف چینی: مهناز مقامی علمی

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

لیتوگرافی: پارت

براستی پیدایش شهر چگونه بوده؟ و یا اصولاً پس از پیدایش نام خود را از کجا و چگونه بدست آورده است.

پس از عقب‌نشینی دریاها، جلگه و دشت بوجود آمد و با ورود انسانها و هجوم حیوانات به جلگه و دشت شهر موجودیت یافت با ایجاد تحولات اقتصادی زندگی ابتدایی شروع شد و با تولید محصولات کشاورزی و دامداری وارد مرحله نوینی شده. " هزاره نهم تا هفتم ق. م " در این مرحله انسان یکجانشینی را اختیار نمود و دوره استقرار یا سکونت در دهکده‌ها را پیش‌گرفت در همین زمان انسان ایجاد سرپناه را آغاز نمود و گذشت زمان و بکاربردن مصالح ساختمانی، و ازدیاد محصولات و تولیدات مازاد بر مصرف مبادله محصولات بین مردم آغاز شد و باتوسعه بازارها و تجارت و ایجاد حکومت‌ها روستاها گسترش یافته و تبدیل به شهر شدند.

اهمیت نام در نامگذاری، ریشه، در اعتقادات فرهنگی و مذهبی هر قوم و طایفه دارد. امروز انسانها علاقمند به کشف علل نام‌گذاریهای رایج می‌باشند و مایلند بدانند که نام انسانها یا روستاها و شهرها بر چه اساس و رابطه‌ای نهاده شده است. از دیرباز محققین و مورخین سهمی در کشف ارتباط میان نام و مکان بوده‌اند، لذا در اکثر کتب تاریخی در مباحث مختلف نحوه نامگذاری اماکن مشاهده می‌گردد. کشف واقعیات این نامگذاری با توجه به گذشت سالیهای مدید و سیر تحولات تاریخی بسیار مشکل و در بعضی اوقات غیرممکن می‌گردد و چه تسمیه غالباً ذکر علت نامگذاری و یا تعریف نام برخی از شهرها و روستاهای کشور عزیزمان می‌باشد. لذا لازم است قبل از هرگونه توضیح و تعریف اسامی نکاتی چند را یادآور گردیم.

در کتب بوجود آمدن شهرهای مختلف را دلایلی چند ذکر کرده‌اند که از جمله میتوان به دلایل زیر اشاره نمود.

الف - شهرها اکثراً بر اثر گسترش روستاها پدید آمده‌اند که از جمله این شهرها می‌توان به شهر مهران اشاره نمود.

ب - امنیت نیز یکی از عوامل ایجاد شهرها می‌باشد، لذا شهرهایی که در پناه کوهها، دره‌ها و یا در مناطق جزیره‌ای احداث می‌گردد حکایت از توجه سازندگان و یا گسترش دهندگان آن شهر به امنیت شهر می‌باشد از این نمونه شهرها نیز می‌توان به شهر سنندج اشاره نمود.

پ - وجود راههای ارتباطی در گذشته و حال باعث توجه تجار و سوداگران به روستاهای حاشیه راهها می‌شده، لذا اکثریت شهرها در کنار جادهای اصلی ایجاد شده و گسترش می‌یافتند از شهرهایی که بدین صورت رشد یافته می‌توان به شهر دلیجان و یا آبادیه اشاره نمود.

ت - عامل مذهب و وجود بقاع متبرکه یکی دیگر از علل توجه مردم به اماکن بوده است شهرهایی بمانند مشهد مقدس و قم نیز از اینگونه بوده‌اند.

ث - وجود آب و یا رودخانه در هر نقطه از دیگر عوامل تجمع انسانها و گسترش شهر و شهرنشینی بوده، شهرهایی بمانند شوشتر و یا میاندوآب از این نمونه می‌باشند.

ج - عوامل اقتصادی چه تولید محصولات کشاورزی و یا وجود معادن - بازارها و یا کارخانجات نیز از زمینه‌های تجمع انسانها و گسترش روستا و تبدیل شدن آن به شهرها می‌باشد. از مهمترین شهرهایی که بنا به دلیل اقتصادی رشد یافته است می‌توان به شهر گرگان اشاره داشت.

ج - مسائل نظامی و ایجاد پادگانهای ارتش از دیرباز باعث جلب توجه مردم بخصوص سوداگران به آن مناطق می شده است. برای مثال استقرار ارتش اسلام در منطقه بصره امروز باعث مهاجرت گروهی از مردم ابله به بصره و تشکیل شهر بصره گردیده است.

خ - عوامل سیاسی و اداری نیز از دیگر علل ایجاد شهرها و گسترش آنها بوده است. شهرهایی بمانند تهران از اینگونه شهرها می باشد.

تغییر اسامی در کتب مختلف و به صورت مختلف مشاهده میگردد. با ورود اعراب به ایران و تحریف و معرب گشتن اسامی تغییراتی در نام مکانها و شهرها دیده میشود. همچنین گذشت زمان باعث مجهول ماندن علت بعضی از نامها شده است. وجود اعتقادات مذهبی و همچنین داستانها، اسطورهها و یا افسانهها و همچنین مسائل خاص سیاسی و تغییر حکومتها نیز باعث تغییر نامها و اسامی شهرها و اماکن گردیده است.

در پایان از کلیه صاحب نظران و محققین عزیز درخواست میگردد پیشنهادات و انتقادات خود را درخصوص این رساله و جهت رفع نواقص و اشتباهات اعلام تا به اصلاح معایب و تکمیل آن اقدام گردد. جهت آشنایی با اطلاعات جغرافیائی ذکر شده در متن توضیحاتی بشرح زیر جهت اطلاع خوانندگان ارائه می گردد.

۱ - طول جغرافیائی

طول جغرافیائی هر نقطه از سطح زمین عبارت از قطعه فوسی است از دایره نیمگان یا استواء که بین نیمروز مبداء که همان نصف النهار گرینویچ و نیمروز مار بر نقطه سرور قرار گرفته باشد طول جغرافیائی هر نقطه برحسب واقع شدن آن در خاور یا باختر نصف النهار گرینویچ به طول شرقی و یا غربی تقسیم میگردد که اندازه هر کدام صفر تا ۱۸۰ درجه میباشد. ایران در طول شرقی قرار دارد.

۲ - عرض جغرافیائی

فاصله نقاط مختلف سطح زمین نسبت به دایره نیمگان یا استواء زمین، عرض جغرافیائی نام دارد عرض جغرافیائی برحسب قرار گرفتن نقطه در شمال یا جنوب خط استواء به عرض شمالی و یا عرض جنوبی تقسیم میگردد. ایران در عرض شمالی قرار دارد.

۳ - ارتفاع از سطح دریا

منظور ارتفاع هر نقطه از زمین از سطح دریای آزاد که همان اقیانوس آرام و هند میباشد.

۴ - فاصله تا نزدیکترین نقطه

در این مبحث سعی گردیده در محدوده هر شهرستان فاصله محل مورد نظر تا مرکز شهرستان و در هر استان فاصله شهرستان مورد نظر تا مرکز استان و آنگاه فاصله مراکز استان با تهران محاسبه گردد.

۵ - وسعت

وسعت هر شهرستان برحسب کیلومتر مربع اعلام میگردد از ذکر وسعت شهرها، بخشها و روستاهایی که خود تابع شهرستان خاصی می باشند خودداری میگردد.

آبادان

نام استان:	خوزستان	نام قدیم:	عبادان
طول جغرافیائی:	۴۸ درجه و ۱۷ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۰ درجه و ۲۰ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۳ متر	وسعت:	۲۷۹۶ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه: اهواز ۱۱۵ کیلومتر			
وجه تسمیه:			

۱- بنای این شهر را به شخصی بنام عباد بن الحصین حبلی نسبت می‌دهند می‌گویند که زمین آبادان در دست حمران بن ابان غلام عثمان بوده است که در زمان حجاج ثقفی و سلطنت عبدالملک اموی نیز می‌زیسته است حمران این زمین را به عباد بن الحصین بخشید و وی و خانواده‌اش در این مکان اسکان یافتند. لذا نام شهر از نام وی اخذ شده و عبادان نام گرفت. در دوره رضاخان به آبادان تغییر یافت.

آبادانا

وجه تسمیه:

- ۱- به معنی جای مقدس است - پرستشگاه و عموماً در کاخهای هخامنشی و ابنیه باستانی به محلی که شاه در آن می‌زیسته اطلاق می‌شده است.
- ۲- در زبان سانسکریت به معنی جای استوار است و عموماً به بناهای محکم و سنگی و قلعه‌ها و کاخهای محکم آبادانا گفته‌اند.
- ۳- آبادانا کاخهای داریوش است در تخت جمشید، شوش و همدان.

آدران

نام استان:	تهران	نام قدیم:	آدریان
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	کرج ۱۸ کیلومتر		
این روستا در مسیر چالوس واقع است			
وجه تسمیه:			

- ۱- آدران تخفیف یافته آدریان است و به مکانی گفته می‌شده است که زردشتیان در آن مکان آتشگاه ایجاد کرده و یا در آن آتشگاه وجود داشته است.
- ۲- آدریان روستائی نیز در نزدیکی خمینی شهر اصفهان می‌باشد.

آذربایجان

وجه تسمیه:

- ۱- این نام از کلمه آتورپات فرماده ایرانی ماد کوچک که بر علیه اسکندر قیام نموده گرفته شده است.
- ۲- آذربایجان مأخوذ از کلمه آذریا اثر به معنی آتش است و این نام گذاری را بمناسبت وجود آتشکده معروف شیز در این منطقه می دانسته اند.

آذرشهر

نام استان: آذربایجان شرقی
 نام قدیم: دهخوارقان
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۳۴۰ متر
 فاصله تانزدیکترین نقطه: تبریز ۵۴ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- بعلت وجود مهاجمین و راهزنان نقل قول است که مردم آبادی و مهاجمین بایکدیگر در حال نزاع بوده و بر اثر این نزاع تلفات سنگینی وارد می گردد تا آنجا که تمام دیوارها خونین می شود و از این جهت به آن دیوارخونین گفته اند. کلمه دیوار خونین در اثر تحریف تبدیل به دهخوارقان گردیده است.
- ۲- نخجیرجان را اسم خزانه دار کسری پادشاه ساسانی می دانند و می گویند وی از اهالی این منطقه بوده است. لذا این روستا به نام وی معروف و بمرور زمان نخجیرجان به ده خرقان و ده خوقان و دهخوارقان تبدیل شده است.
- ۳- علت نامگذاری این بخش به آذر شهر وجود آتشکده نزدیک این شهر می باشد. امروز بقایای کمی از آن آتشکده باقی مانده است.
- ۴- در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی دهخوارقان به آذرشهر تغییر نام یافته است.

آران

نام استان: اصفهان
 فاصله تانزدیکترین نقطه: کاشان ۹ کیلومتر
 این بخش منطقه کویری شهرستان کاشان محسوب می گردد.
 وجه تسمیه:

- ۱- نام شهر از اسم آران بن قاسان فرزند بانی شهر کاشان گرفته شده است زیرا می گویند به دستور وی این مکان احداث گردیده شده است.

آرادان

نام استان: سمنان
فاصله تا نزدیکترین نقطه: گرمسار ۱۴ کیلومتر
این روستا از بناهای اردوان پنجم یا اردشیر ساسانی است.
وجه تسمیه:

- ۱- آرادان را تحریف شده کلمه اردوان پادشاه اشکانی می‌دانند و می‌گویند که این روستا احتمالاً محل مرگ و یا مکانی است که روزگاری اردوگاه وی بوده است و یا اینکه بنا به دستور وی شهری در این محل برپا گردیده شده است.
- ۲- آرادان تغییر یافته کلمه رادان است و آرادان به معنی جایگاه مردان می‌باشد و چون مردم این منطقه بسیار جنگاور و شجاع بوده‌اند به این نام خوانده شده است.

آستانه شازند

نام استان: مرکزی
فاصله تا نزدیکترین نقطه: اراک ۳۸ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- این منطقه آرامگاه ۴ تن از امامزادگان به نامهای سهل بن علی، طالب بن علی جعفر بن علی و فضل بن علی است و به علت وجود آستان مقدس و مرقد مطهر اینان به نام آستانه معروف و علت نزدیکی به شازند به این نام خوانده می‌شود.

آشتیان

نام استان:	مرکزی	نام قدیم:	ابرتجان
طول جغرافیایی:	۵۰ درجه	عرض جغرافیایی:	۳۴ درجه و ۳۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۷۹۱ متر	وسعت:	۱۱۹۲ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اراک ۸۵ کیلومتر		

وجه تسمیه:

- ۱- نام این منطقه سابقاً ابرشتجان بوده که بعدها بصورت آشتیان و بعثت اینکه اهالی حرف ج را به صورت خفیف بکار می‌بردند به صورت آشتیان در آمده است.
- ۲- در این منطقه آتشکده معروفی بوده است لذا به آن آشتیان گفته‌اند که در زبان پهلوی به معنی پرستشگاه و جایگاه قربانی می‌باشد.
- ۳- در اصل نام این شهر آشتیان می‌باشد که مراد پیروان آتش و آتشکده می‌باشد و بر اثر کثرت استعمال و تحریف کلمات آشتیان به آشتیان مبدل گشته است.

آستارا

نام استان: گیلان
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: رشت ۱۸۴ کیلومتر
 طول جغرافیائی: ۴۸ درجه و ۵۱ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۸ درجه و ۲۶ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۲۲- متر وسعت: ۳۳۴ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

- ۱- بنای شهر را به آستارا همسر کیخسرو نسبت می دهند لذا به نام وی آن را آستارا نامیدند.
- ۲- به علت وجود مرداب و لجن زارهای این منطقه مردم در حین عبور به این منطقه آهسته رو می گفته اند که به مرور زمان به آستارا تغییر نام داده است.
- ۳- پس از عقب نشینی دریا از منطقه و ورود اقوام تالش به آن، به علت وجود تپه های شنی، برکه ها و مردابها و نیزارهایی که وجود داشته است در حرکت احتیاط لازم بود. لذا به یکدیگر سفارش آهسته رفتن یا آهسته رویی می کرده اند که در زبان محلی آسته رو گفته می شده است که به تحریف آستارا گفته شده است.

آستانه اشرفیه

نام استان: گیلان
 نام قدیم: کوچان
 طول جغرافیائی: ۴۹ درجه و ۵۷ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۷ درجه و ۱۶ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۵- متر وسعت: ۳۸۴ کیلومتر مربع
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: رشت ۳۰ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- نام کوچان به علت این گفته می شده است که مردم از دیگر نقاط به این منطقه کوچ کرده اند.
- ۲- به علت وجود آستان و مرقد مبارک و مطهر سید جلال الدین اشرف کوچان قدیم به آستانه اشرفیه تغییر یافته است.

آستانه شازند

نام استان: مرکزی
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: اراک ۳۸ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- این منطقه آرامگاه ۴ تن از امامزادگان به نامهای سهل بن علی، طالب بن علی جعفر بن علی و فضل بن علی است و به علت وجود آستان مقدس و مرقد مطهر اینان به نام آستانه معروف و علت نزدیکی به شازند به این نام خوانده می شود.

آشتیان

نام استان:	مرکزی	نام قدیم:	ابرتجان
طول جغرافیائی:	۵۰ درجه	عرض جغرافیائی:	۳۴ درجه و ۳۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۷۹۱ متر	وسعت:	۱۱۹۲ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اراک ۸۵ کیلومتر		

وجه تسمیه:

- ۱- نام این منطقه سابقاً ابرشتجان بوده که بعدها بصورت آشتیان و بعلت اینکه اهالی حرف ج را به صورت خفیف بکار می بردند به صورت آشتیان در آمده است.
- ۲- در این منطقه آتشکده معروفی بوده است لذا به آن آشتیان گفته اند که در زبان پهلوی به معنی پرستشگاه و جایگاه قربانی می باشد.
- ۳- در اصل نام این شهر آشتیان می باشد که مراد پیروان آتش و آتشکده می باشد و بر اثر کثرت استعمال و تحریف کلمات آشتیان به آشتیان مبدل گشته است.

آشوراده

نام استان:	مازنداران	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	بندر ترکمن ۵ کیلومتر
------------	-----------	--------------------------	----------------------

وجه تسمیه:

- ۱- آشوراده را تحریف شده کلمه گامیش آده است که به معنی جزیره گاو میش است.
- ۲- از دو کلمه آشور و آده تشکیل می گردد آده به معنی جزیره و لذا کلمه آشوراده به معنی جزیره آشور است.
- ۳- آشوراده به معنی جزیره آشور است و آشور نام اولین شخص است که در این جزیره ساکن شده و به نام وی آنرا نام گذاری کرده اند.

آغاچاری

نام استان: خوزستان
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۲۹ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: بهبهان ۶۶ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- به علت اسکان قبیله معروف به آغ چهره که جهت قشلاق به این منطقه می آمدند نام آغ چهره یا آغاچاری یعنی محل رفت و آمد و اسکان آغ را بر این منطقه گذاشته اند.

آق قلعه

نام استان: مازندران
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: گرگان ۱۵ کیلومتر
 نام قدیم: مبارک آباد
 وجه تسمیه:

۱- در این منطقه قلعه ای مستحکم وجود داشته و ترکمنها از آن استفاده می کرده اند لذا به آق قلعه به معنای قلعه سفید معروف شده است بعد از حمله قوای دولتی به عشایر و اسکان اجباری آنها در زمان رضاخان و تسخیر این قلعه نام این مکان به پهلویدر تغییر داده شد و پس از تغییر رژیم و استقرار نظام جمهوری اسلامی مجدداً به آق قلعه تغییر یافت.

آمل

نام استان: مازندران
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: ساری ۶۹ کیلومتر
 طول جغرافیائی: ۵۲ درجه و ۲۱ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۳۶ درجه و ۲۸ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۷۶ متر
 وسعت: ۲۸۰۳ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

۱- بنای این شهر را به آمله زن فیروزشاه نسبت می دهند. می گویند پس از احداث اولیه شهر به نام وی این مکان را آمله و سپس آمل خواندند.

۲- نام شهر را به زبان طبری آهوش گفته اند و هس و هل مرگ را گویند و کنایه از این نکته است که ترا هرگز مرگ مباد.

۳- آمل را تحریف شده آمارد می دانند. قوم آمارد ساکن در مازندران بوده است و می گویند مرکز زندگی آنان را آمارد و سپس آمالد و آملد و آمل خوانده اند.

آوه

نام استان: مرکزی

این شهر در حد فاصل ساوه و همدان قرار داشته است. این شهر امروزه وجود ندارد.
وجه تسمیه:

- ۱- اصل نام بصورت آبه بوده است و می‌گویند به مکانی که در نزدیکی دریای مرکزی ایران بوده گفته‌اند. این دریا بدستور کیخسرو و توسط بیژن خشک گردیده است.
- ۲- آبه به محلی گفته می‌شود که پس از خشک شدن دریاچه ساوه ساخته شده است لذا به آن آبه گفته‌اند که بعدها به آوه تغییر کرده است.

آهار

نام استان: تهران

فاصله تا نزدیکترین نقطه: تهران ۳۱ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- نام اصلی منطقه اوهر بوده است که به معنی آبادی است که آب فراوان برای احداث آسیا دارد. او به معنی آب و هر نیز به معنی آسیاست.
- ۲- آهار به معنی آسیاب آبی است در گذشته بدلیل وجود آسیابهای این منطقه به آن اطلاق می‌شده است.

ابرقو

نام استان: یزد

فاصله تا نزدیکترین نقطه: یزد ۱۴۰ کیلومتر

طول جغرافیائی: ۵۳ درجه و ۱۷ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۱ درجه و ۷ دقیقه

وجه تسمیه:

- ۱- بدین جهت که بنای این شهر بر زمینی است که انتهای آن کوه قرار دارد به آن ابرکوه گفته‌اند.
- ۲- در زمان ساسانیان به مناسبت قرار داشتن این مکان بر بالای صخره‌های کوتاه آنرا ابرکوه نام نهادند و به مرور زمان و با ورود اعراب حرف ک به ق تبدیل شده و به ابرقو مبدل گشت.

ابوموسی

نام استان:	هرمزگان	وسعت:	۶۸/۸ کیلومتر مربع
طول جغرافیائی:	۵۵ درجه و ۲ درجه	عرض جغرافیائی:	۲۵ درجه و ۵۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۴۶ متر	وجه تسمیه:	

۱ - بابا اسم فارسی و به معنی نیا و پدر بزرگ و ریش سفید است و بابو اسم فارسی و به معنی پدر بزرگ قلندران و پیشوای ایشان است، اهالی معتقدند که نام اصلی جزیره ابوموسی باموسی بوده است و بابا به مرور زمان به بابو و بوشده است عرب زبان بر سر بابو همزه آورده لفظ فارسی بابو و بورا تبدیل به ابوی عربی به معنی پدر شدن، پدری کردن و غذا داده کرده و جزیره را ابوموسی خوانده اند.

ابهر

نام استان:	زنجان	نام قدیم:	اوهر
طول جغرافیائی:	۴۹ درجه و ۱۳ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۶ درجه و ۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۵۴۰ متر	وسعت:	۳۲۰۰ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	زنجان ۹۴ کیلومتر	وجه تسمیه:	

۱ - ابهر از دو جزء آب و هر که به معنی آسیابست تشکیل یافته و بنظر می رسد که منظور آب و آسیابست.

۲ - در ابتدا اوهر بوده است که به معنی آبادنی است که دارای آب فراوان بوده و سپس بر اثر کثرت استعمال به ابهر تغییر شکل داده است.

ایبانه

نام استان: اصفهان
 ارتفاع از سطح دریا: ۲۵۰۰ متر
 وجه تسمیه:

- ۱- نام ایبانه را تغییر یافته کلمه بیدانه به معنی جنگل بید می دانند.
- ۲- آیبانه را در ابتدا آب میانه می گفته اند یعنی مکانی که آب در میان آن جاری است که بمرور به ایبانه تغییر شکل داده است.
- ۳- ایبانه از دو کلمه آب یانه تشکیل شده است و اینرا به آن علت گویند که مهاجرین وقتی که به این نقطه رسیدند سراغ آب را از یکدیگر می گرفتند لذا به آب یانه و سپس آیبانه و ایبانه تبدیل شده است.

اراک

نام استان:	مرکزی	نام قدیم:	سلطان آباد
طول جغرافیائی:	۴۹ درجه و ۴۲ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۴ درجه و ۵ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۷۵۵ متر	وسعت:	۶۱۴۷ کیلومتر مربع
فاصله تانزدیکترین نقطه:	تهران ۲۸۸ کیلومتر		

وجه تسمیه:

- ۱- شهر سلطان آباد در سال ۱۲۳۱ هجری قمری بدستور فتحعلیشاه قاجار و توسط فردی بنام یوسف خان گرجی بنا گردیده است هدف بانی موسس شهر احداث یک پایگاه نظامی بوده تا بتواند از این شهر کل مسائل نظامی و قشونی منطقه را تحت نظارت دائمی قرار دهد و در حقیقت قلعه سلطان آباد به منظور یک دژ جنگی و بنابر مصلحت سوق العیشی ساخته شده است. با ورود راه آهن سراسری در سال ۱۳۱۴ نام قلعه از سلطان آباد به اراک که نام ایستگاه راه آهن بود تغییر یافت.
- ۲- اراک کلمه فارسی عراق است و چون به این منطقه عراق عجم می گفتند بصورت فارسی اراک گفته اند.

اردبیل

نام استان:	اردبیل	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۵۸۸ کیلومتر
طول جغرافیائی:	۴۸ درجه و ۱۷ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۸ درجه و ۱۵ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۲۶۳ متر	وسعت:	۴۸۶۱ کیلومتر مربع

وجه تسمیه:

۱- بنای شهر را به دو پهلوان باستانی و افسانه‌ای نسبت می‌دهند که نام یک‌تن ارده و دیگری بیل بوده است نام این دو تن مجموعاً به شهر داده شده و اردبیل را ترکیب نام آن دو می‌دانند.

۲- بنای شهر را به اردبیل بن آرمین بن لئطی بن یونان نسبت می‌دهند لذا به نام بانی آن اردبیل نام گرفته است.

۳- نام شهر آرتاوایل بوده است که بمرور زمان به اردبیل تغییر یافته است. آرتا به معنی مقدس و ویل یا بیل به معنی شهر و مکان بوده که ترکیب آن معنی شهر مقدس می‌باشد. و علت را توسعه و تکوین آئین زرتشت در این شهر می‌دانند.

۴- از دو کلمه ارد + ویل تشکیل شده که اردنام روزیست و پنجم از هرماه و نیز نام یکی از فرشتگان زرتشتی است و به معنی قانونی و مقدس و متشرع است و ویل که ریشه بسیار کهنه آریایی دارد هنوز هم در زبانهای اروپایی استعمال می‌شود به معنی شهر است. لذا اردبیل تحریف شده اردویل یعنی شهر مقدس خواهد بود.

۵- گروهی می‌گویند آرتا به مرور زمان به ارد تغییر یافته است. لذا اردبیل همان آرتاوایل است.

اردکان

نام استان:	یزد	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	یزد ۶۰ کیلومتر
طول جغرافیائی:	۵۴ درجه	عرض جغرافیائی:	۳۲ درجه و ۱۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۰۳۵ متر	وسعت:	۲۲۲۵۸ کیلومتر مربع

وجه تسمیه:

۱- اردکان را از دو بخش ارد به معنی و مخفف ارده و کان معدن تشکیل می‌دانند لذا بعلت و فور تولیدات ارده این منطقه به این نام خوانده شده است.

۲- این منطقه را محل آسیابها دانسته‌اند زیرا محصولات مناطق مختلف را در این شهر آرد می‌کرده‌اند.

اردستان

نام استان: اصفهان
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: اصفهان ۱۸۰ کیلومتر
 طول جغرافیائی: ۵۲ درجه و ۲۲ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۳۳ درجه و ۲۳ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۲۰۵ متر
 وسعت: ۱۱۲۹۴ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

- ۱ - بعلت اینکه زمین آن سفید همچون آرد است به آن اردستان یا آردستان نام داده‌اند.
- ۲ - بنای آنرا به اردا موبد دوره اردشیر بابکان نسبت می‌دهند و می‌گویند محل زندگی اردا بوده است. همچنین می‌گویند که این موبد موکل آتشکدهٔ این محل بوده لذا به آن ارداستان یعنی مکان و محل اردا گفته‌اند.
- ۳ - از دو کلمهٔ اردیا ارت به معنای آتش و استان به معنای محل است و احتمالاً منسوب به آتشکده‌ای است که در این مکان وجود داشته‌است.
- ۴ - اردستان را تعبیر دیگری از ارزستان به معنی سرزمین انار و یا نارستان می‌دانند.
- ۵ - می‌گویند که مرکب است از دو کلمهٔ اردشیر و استان، معروف است که اردستان از بناهای اردشیر درازدست است و معنای آن استان و محل اردشیر بوده و بر اثر کثرت استعمال تبدیل به اردستان گردیده است.
- ۶ - اردستان را به معنی سرزمین مردم شجاع و غیور ذکر کرده‌اند.
- ۷ - اردستان از دو کلمهٔ مجزارد به معنی زیج نجومی و ستان بمعنی اسم مکان تشکیل یافته است می‌گویند در این شهر و در منزلهای قدیمی این شهر زیرزمینهایی مانند زیج وجود دارد.
- ۸ - آرد به معنی آسیا می‌باشد و به علت وجود آسیابهای فراوان به این محل اردستان گفته‌اند.
- ۹ - چون زمین اردستان از لحاظ نرمی مانند آرد بوده آنرا آردستان خوانده‌اند.
- ۱۰ - آرد را به معنی سپاه و نظام گفته‌اند و می‌گویند کنایه از مردم سپاهی و لشگری است یعنی محل و جای سپاه است.
- ۱۱ - مرکب از ارد و ستان یا استان است که ارد به معنای فرشتهٔ موکل بردین و مذهب و ستان به معنی محل است و چون اردشیر درازدست بانی اردستان از مروجین کیش زرتشت بوده آنجا را محل فرشتهٔ موکل بردین و مذهب تعیین نموده است.
- ۱۲ - بنای شهر را به دستان سام پدر رستم پهلوان افسانه‌ای نسبت می‌دهند و اردستان را تحریف شدهٔ کلمهٔ ارگ دستان است.
- ۱۳ - اردستان به ساختمان سنگی نیز گفته می‌شود همچنان که در تسمیهٔ پنجره‌های سنگی کاخ داریوش در تخت جمشید نیز بکار برده شده است.

اردشیرآباد

نام استان: بوشهر

وجه تسمیه:

۱ - از بناهای اردشیرخان شبانکاره می‌باشد لذا به نام وی اردشیرآباد نامگذاری شده است.

ارونق - انزاب

نام استان: آذربایجان شرقی

فاصله تا نزدیکترین نقطه: تبریز ۶۷ کیلومتر

مرکز بخش: شبستر

وجه تسمیه:

۱ - ارونق - در لغت به معنی آفتاب‌گیر کوچک است و علت را وجود ارتفاعات می‌دانند که باعث می‌گردد آفتاب کمتری به آن برسد.

۲ - انزاب: در نزدیکی تبریز است و چون در کنار آب خوبی بوده آنرا بدین نام خوانده‌اند. معنی لغوی کلمه سرزمین کنار آب خوشایند است.

۳ - ارونق را گونی نیز می‌گویند که به معنی سرزمین آفتاب‌گیر است.

اقلید

نام استان:

فارس

نام قدیم:

کلیل

طول جغرافیائی:

۵۲ درجه و ۴۰ درجه

عرض جغرافیائی:

۳۰ درجه و ۵۴ دقیقه

ارتفاع از سطح دریای آزاد:

۲۲۳۰ متر

وسعت:

۷۱۷۲ کیلومتر مربع

فاصله تا نزدیکترین نقطه:

شیراز ۲۶۳ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - اقلید در زبان فارسی به معنی کلید است و می‌گویند که کلید بصورت معرب اقلید آمده است. اقلید را

کلید شهرهای فارس می‌دانند.

۲ - اعراب کلید را کلیل نامیده‌اند.

ازنا

نام استان: لرستان
فاصله تا نزدیکترین نقطه: الیگودرز ۲۱ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱- در اصطلاح محلی به دره تنگ پرییچ و خم می گویند. علت نامگذاری این منطقه نیز بخاطر کوهستانی بودن آن و پرییچ و خم بودن جاده ها و رودها و دره ها می باشد.

استوناوند

نام استان: تهران
وجه تسمیه:

۱- استو به معنی کانون و دودمان آتشدان است و استوناوند به معنی محل آتش مقدس که مکانی است در نزدیکی دماوند و نزدیک برکوه دماوند قرار دارد.

استهبان

نام استان: فارس
فاصله تا نزدیکترین نقطه: شیراز ۱۸۶ کیلومتر
طول جغرافیائی: ۵۴ درجه و ۴ دقیقه عرض جغرافیائی: ۲۹ درجه و ۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۷۴۷ متر وسعت: ۲۷۳۰ کیلومتر مربع
وجه تسمیه:

۱- نام این شهر از لغت سته به معنی انگور گرفته شده است و استهبان به معنای نگهبانان انگور و یا محل پرورش انگور است.

اسدآباد

نام استان: همدان
فاصله تا نزدیکترین نقطه: همدان ۵۲ کیلومتر
طول جغرافیائی: ۴۸ درجه و ۷ دقیقه عرض جغرافیائی: ۲۴ درجه و ۴۷ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۵۹۳ متر وسعت: ۴۸/۱ کیلومتر مربع
وجه تسمیه:

۱- محل استقرار طایفه و قوم اسدبن ذی السرو الحمیری است که بدان سبب به نام بانی وی اسدآباد نامیده شده است.

اسفراین

نام استان:	خراسان	نام قدیم:	میان آباد - مهرجان
طول جغرافیائی:	۵۷ درجه و ۱۶ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۷ درجه و ۷ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۲۲۰ متر	وسعت:	۵۳۴۵ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	مشهد ۳۱۱ کیلومتر		

وجه تسمیه:

- ۱- چون مردم این شهر همواره با خود سپر حمل می کردند به آن اسپر آئین گفته اند که بمرور زمان به اسفرائین و سپس اسفراین تبدیل شده است.
- ۲- این شهر را از بناهای اسفندیار پسر گشتاسب می نامند و نام اسفراین را از بانی آن اسفندیار گرفته اند.
- ۳- اسفراین را اسپر آئین دانسته اند که به معنی روش و عادت سپر و یا مکان و محل جنگاوران و آموزش نظام است که بمرور زمان به اسفراین تبدیل شده است.
- ۴- مهرجان معرب مهرگان است که از ماههای پائیز و از جشنهای ایران باستان بشمار می رود. بعلت هوای خوب و زمین مطلوب به این منطقه مهرگان گفته اند.
- ۵- بعلت قرار گرفتن این شهر در میانه راه نیشابور و گرگان به آن میان آباد لقب داده بودند.

اسفریز

نام استان:	اصفهان	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	خمینی شهر ۱۲ کیلومتر
این روستا از توابع خمینی شهر است.			

وجه تسمیه:

- ۱- مرکب از دو کلمه اسپه + ریز است که به معنی جایگاه سپاه یا جایی که سپاه خیز باشد می باشد و اسپه معرب گشته و به اسفر تبدیل شده است.

اسکو

نام استان: آذربایجان شرقی

فاصله تانزدیکترین نقطه: تبریز ۸ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - نام اصلی این منطقه اسکوئید بوده که بصورت اسکو تغییر یافته. این منطقه منسوب به سلوکیه می باشد.

اسلام آباد

نام استان:

کرمانشاه

نام قدیم:

هارون آباد - شاه آباد

طول جغرافیائی:

۴۶ درجه و ۳۲ دقیقه

عرض جغرافیائی:

۳۴ درجه و ۷ دقیقه

ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۳۳۵ متر

وسعت:

۵۰۱۹ کیلومتر مربع

فاصله تانزدیکترین نقطه: کرمانشاه ۵۹ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - بنای این شهر را به هارون از سرداران عرب می دهند و وی باعث عمران و آبادانی این شهر گردید لذا

به نام وی به هارون آباد معروف شده است.

۲ - در سال ۱۳۱۴ به شاه آباد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به اسلام آباد تغییر نام داده است.

اشکذر

نام استان: یزد

فاصله تانزدیکترین نقطه: یزد ۲۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - این شهر را از بناهای اشک بن زال نسبت می دهند و بنام وی این جا را اشکذر یعنی ساخته اشک

گفته اند.

۲ - از بناهای دوره اشکانیان می باشد لذا به آن اشک + ذر یعنی بنا شده اشک گفته اند.

اشکنون

نام استان: بوشهر

وجه تسمیه:

۱ - از بناهای اشکانی است لذا منسوب به آنان اشکنون نامیده شده است.

اشنویه

نام استان: آذربایجان غربی

فاصله تا نزدیکترین نقطه: اورمیه ۷۲ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- اشنویه به معنی گیاه خوشبو است که در فارسی به آن دواله می‌گویند. بعلت و فور این گیاه در منطقه به

این نام خوانده می‌شود.

اصفهان

نام استان:

اصفهان

نام قدیم:

جی - یهودیه

طول جغرافیائی:

۵۱ درجه و ۳۹ دقیقه

عرض جغرافیائی:

۳۲ درجه و ۳۸ درجه

ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۵۷۵ متر

وسعت:

۲۰۵۸۷ کیلومتر مربع

فاصله تا نزدیکترین نقطه: تهران ۴۱۴ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- جی به معنی پاک است و معرب کلمه گمی می‌باشد.

۲- گمی مخفف کلمه کی و کیان است که بصورت معرب تبدیل به جی شده است. گمی را محل پادشاهان

کیان می‌دانند.

۳- بنای شهر جی را به جی بن زاده داده‌اند لذا به نام وی شهرت یافته است.

۴- بنای این شهر را به سپاه گودرز بن کشواد می‌دهند. سپاه گودرز را می‌گویند که در این منطقه استقرار

یافته بود.

۵- بنای شهر را به اصفهان بن فلوج بن سام بن نوح نسبت می‌دهند.

۶- بنای شهر را به اصفهان بن فلوج بن لطنی بن یونان بن یافث بن نوح می‌دهند.

۷- این منطقه را قرارگاه سپاهیان می‌دانند لذا به آن اسپهان یعنی جمع سپاهان نام داده‌اند.

۸- نام منطقه از نام خانواده‌های فریدان که اسم آسیان داشته‌اند گرفته شده و به مرور زمان آسیان به

اسپاهان تغییر یافته است.

۹- اصفهان را معرب کلمه اسپاهان می‌دانند.

۱۰- اسپاهان به معنی مردم سپاهی است و چون مردم این منطقه جنگاور و آماده رزم بوده‌اند به این نام

خوانده شده است.

۱۱- می‌گویند که در زمان نمرود به اهالی منطقه جهت سوزاندن ابراهیم دستور دادند که هیزم جمع کنند

ولی اهالی امتناع کرده لذا به آنان اسپاه آن یعنی سواران خدا لقب دادند.

الموت

نام استان: تهران
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۹۵۰ متر
 وجه تسمیه:

۱- الموت ترکیبی از دو کلمه ال + موت به معنی آشیانه عقاب است و علت را احداث این قلعه بر بلندی و کوه می باشد.

الیگودرز

نام استان: لرستان
 طول جغرافیائی: ۴۹ درجه و ۴۳ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۳ درجه و ۲۲ درجه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۹۸۱
 وسعت: ۸۰۷۷ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

۱- این شهر را از بناهای گودرز پهلوان افسانه‌ای می‌دانند و می‌گویند که وی آل خود را در آنجا ساکن کرده و به نام وی آن محل را آل گودرز و سپس الیگودرز نام گذاشته‌اند.

املش

نام استان: گیلان
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: لنگرود ۱۲ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- کلمه املش دارای ریشه ترکی بوده و از آبلش و صولش که به معنی آبگیر است گرفته شده و بمرور زمان به املش تغییر نام پیدا کرده است.

اندیمشک

نام استان:	خوزستان	نام قدیم:	صالح آباد
ارتفاع از سطح دریا:	۱۵۰ متر	وسعت:	۳۲۰۶ کیلومتر مربع
طول جغرافیائی:	۴۸ درجه و ۲۱ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۳ درجه و ۲۷ دقیقه
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اهواز ۱۵۵ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- گویند طایفه‌ای از اعراب ایرانی به سرپرستی شیخ صالح به این نقطه آمده. و خانه‌هایی احداث کردند لذا به آن صالح آباد گفتند.

۲- در سال ۱۲۲۰ هجری قمری حاج صالح خان مکرری از طرف محمدعلی میرزای دولتشاه حکومت دزفول را بعهده داشت وی در نزدیکی‌های شهر لورکهن دهکده‌ای احداث کرد که به صالح آباد معروف گشت.

۳- پس از ایجاد راه آهن صالح آباد به اندیمشک تغییر یافت. علت نامگذاری به اندیمشک این بوده است که در گذشته‌های دور روبروی دزفول یعنی در مکانی که امروز پایگاه نیروی هوایی است شهری وجود داشته که به آن اندامشک می‌گفته‌اند لذا منسوب به آن، صالح آباد به اندیمشک تغییر نام داده است.

انوش آباد

نام استان:	اصفهان	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	کاشان ۱۳ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- در زمان عبور یکی از بزرگان به نام انوش از این منطقه بعلت کویری بودن آن در کنار چشمه آب استراحت کرده و پس از استفاده از آن چشمه تصمیم به آبادانی چشمه و اطراف آن نمود لذا دستور داد که در آبادانی محل بکوشند. نام منطقه را به نام شخص فوق انوش آباد نام گذاشته‌اند.

اورامانات

نام استان:	کرمانشاه
وجه تسمیه:	

۱- اورامان یکی از سروده‌های دینی زرتشی است و بعلت گرایش افراد این منطقه در گذشته‌های دور به دین زرتشت به این نام خوانده شده است.

اورمیه

نام استان:	آذربایجان غربی	نام قدیم:	رضائیه
طول جغرافیائی:	۴۵ درجه و ۲ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۷ درجه و ۳۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۲۶۷ متر	وسعت:	۵۸۹۸ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۹۴۶ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

- ۱- در زبان کلدانی اور به معنی محل و میه به معنای آب است لذا به علت وفور آب به این منطقه محل آب لقب داده‌اند.
- ۲- می‌گویند بعلت اینکه آبادانی محل از آب است به این مکان آب آباد گفته‌اند زیرا اور به معنی آباد و میه به معنای آب است.
- ۳- اور به معنای مقدس است و میه به معنای آب است لذا آب مقدس لقب گرفته است.
- ۴- اورمیه نامی است آرامی و به مناطقی اطلاق می‌شده است که دارای میوه و نهر فراوان باشند.
- ۵- در حمله رومیان به این منطقه پس از تصرف این نقاط رومیها همه جارا به آتش کشیده و پس از این عمل از کرده خود پشیمان شده و به آنجا رومیه به معنای سوخته من لقب داده‌اند.

اوشان

نام استان: تهران
فاصله تا نزدیکترین نقطه: تهران ۳۰ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- نام آن آب افشان بوده است و علت را بخاطر وجود آب زیاد ذکر کرده‌اند این نام بعدها بر اثر تحریف اوشان شده است.

اهر

نام استان:	آذربایجان شرقی	نام قدیم:	ارسباران
طول جغرافیائی:	۴۷ درجه و ۶ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۸ درجه و ۲۸ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۳۴۱ متر	وسعت:	۱۲۱۹۵ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تبریز ۱۱۹ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- ارسباران به معنای کنار ارس و یا در ساحل ارس می باشد و علت آن است که رود ارس به این شهر نزدیک است.

۲- ارسباران به معنای این است که رود ارس این منطقه را مشروب می سازد به مانند زاینده رود و علت را این می نامند که رود ارس تمامی زمینهای این شهرستان را آبیاری می نماید.

۳- اهر در فرهنگ نامه ها نام درختی است از زبان گنجشک و گفته اند که به مناسبت فراوانی این درخت در این ناحیه به این نام خوانده شده است.

۴- واژه اهر را با هر و هور یکی می دانند و از آب زیاد و آسیاب گرفته شده است.

الشر

نام استان:	لرستان	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	نورآباد ۴۰ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- افراد ساکن در منطقه به پرورش شتر مشغول بوده اند لذا به این منطقه نام شتر با پیشوند عربی ال داده اند و به الشتر نامیده اند.

۲- به نام اشتر به معنی چشم پاره معروف است زیرا در این منطقه چشمه های فراوان وجود دارد و از آن آب جاری است و لذا به مانند چشم پاره مرتب تراوش می کند.

۳- تغییر یافته نام ایشتر یکی از خدایان آشور است می گویند که این منطقه معبد مهمی برای خدایان آشور بوده است.

۴- در گذشته های دور بعلت وجود رصدخانه به آن محل اشتر گفته می شده است که بمرور تغییر به اشتر و با ورود اعراب به الشتر تغییر نام داده است.

اهواز

نام استان:	خوزستان	نام قدیم:	ناصری
طول جغرافیائی:	۴۸ درجه و ۴۱ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۱ درجه و ۱۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۲۰ متر	وسعت:	۱۰۵۵۶ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۸۸۱ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

- ۱- کلمه اهواز را تغییر یافته هرمز شهر و یا هرمزدار شیر می دانند که از بناهای اردشیر بوده است.
- ۲- اهواز جمع کلمه هوز است و هوز قوم ساکن در منطقه است لذا اهواز محل اقامت هوزیان است.
- ۳- هوز به معنی نیشکر و اهواز به معنی مکان نیشکر است بعلت وجود مزارع نیشکر در این منطقه به این نام خوانده شده است.
- ۴- اهواز به معنی خوب و خوش است.
- ۵- اهواز به معنی سرزمین ناهید است و معبد ناهید شمرده شده است.
- ۶- مرکب است از دو نام هرمز شیر و هرمشیر که دو شهر نزدیک این منطقه بوده است.
- ۷- در زمان ناصرالدین شاه قاجار و به دستور وی تأسیسات تجارتخانه و بندر در این شهر ساخته شد و لذا به نام ناصرالدین شاه آنجا را ناصری گفتند.
- ۸- بعضی از محققین ذکر کرده اند که اهواز به معنی ازبین رفته که از نوسرگیرد است و علت را این می دانند که این شهر در گذشته دارای اعتبار بوده و پس از ویرانی مجدداً آباد شده است.
- ۹- اهواز تغییر یافته نام اوزاهخامنشی است که به معنی شکرستان است.

ایذه

نام استان:	خوزستان	نام قدیم:	مالمیر
طول جغرافیائی:	۴۹ درجه و ۵۴ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۱ درجه و ۴۸ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۸۳۵ متر	وسعت:	۶۲۰۱ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اهواز ۲۰۱ کیلومتر		

وجه تسمیه:

- ۱- اعراب ایذه را ایذج نامیده‌اند که به معنی بر لب رود نهاده می‌باشد و بعلت نزدیکی به رودخانه ایذه به این نام خوانده شده است.
- ۲- ایذه تغییر شکل داده شده ایجه و ایگه فارسی باستان است که به معنی مسکن و محل زندگی یا شهر و آبادی است.
- ۳- اریگ و ایج به معنی زیج است و بعلت وجود زیجهای نجومی فراوان در این منطقه بدین نام خوانده شده است.
- ۴- ایذه را تغییر یافته آنزان عیلامی می‌دانند و می‌گویند در دوره هخامنشی اینزان و سپس به اینزه و اینج و اینزه تغییر شکل داده است.

ایرانشهر

نام استان:	سیستان و بلوچستان	نام قدیم:	پوره - فهرج
طول جغرافیائی:	۶۰ درجه و ۴۲ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۲۷ درجه و ۱۲ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۵۶۶ متر	وسعت:	۵۵۲۲۱ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	زاهدان ۳۶۵ کیلومتر		

وجه تسمیه:

- ۱- پوره به معنی شهر در دوره ساسانی است و سپس با ورود اعراب به پوره و سپس فورج و فهرج شده است.
- ۲- در دوره رضاخان فهرج را به معنای فارسی آن شهر نامیده و سپس به ایران شهر تغییر اسم داده است.

ایلام

نام استان:	ایلام	نام قدیم:	حسین آباد والی
طول جغرافیائی:	۴۶ درجه و ۲۶ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۳ درجه و ۳۷ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۱۷۴ متر	وسعت:	۲۲۶۷ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۷۲۳ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- این شهر محل اردوگاه و عمارت پارک «حرمسرا و محل زندگی» حسینقلی خان یکی از والیان پشتکوه بوده لذا به نام وی معروف شده است.

۲- در سال ۱۳۱۵ حسین آباد والی به ایلام که به معنی سرزمین بلند یا کوهستانی و به یاد سلسله کهن عیلامیان نامگذاری شده است.

بابل

نام استان:	مازندران	نام قدیم:	مامطیر - بارفروش
طول جغرافیائی:	۵۲ درجه و ۴۴ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۲ - متر	وسعت:	۱۹۸۷ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	ساری ۴۰ کیلومتر		

وجه تسمیه:

- ۱ - علت نامگذاری بارفروش آن بوده است که بارهای بابلسر به این منطقه حمل و فروخته می شد و از این جهت به بارفروش معروف گشته بود.
- ۲ - در سال ۱۳۰۶ هجری شمسی بعلت همجواری با رودخانه بابل که از کنار آن می گذرد به بابل تغییر نام داده است.
- ۳ - رودخانه منطقه بابل رود بوده که شهر را به نام وی گذاشته و بر اثر کثرت استحمال به بابل رود تغییر نام داده است.
- ۴ - مامطیر را تغییر یافته مدمیترا و مامیتر می دانند که حکایت از مهر و میتراپرستی در منطقه است. گروهی اعتقاد دارند این منطقه از مراکز تجمع میترائیستها بوده است.

بابلسر

نام استان:	مازندران	نام قدیم:	مشهدسر
طول جغرافیائی:	۵۲ درجه و ۳۸ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۶ درجه و ۴۲ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۲۲ - متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	ساری ۶۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱ - مشهدسر به معنی مزار شهید و یا محل شهادت بالا می باشد. مربوط به مدفن امامزاده ابراهیم ابوجواب ملقب به اطهر برادر امام رضا (ع) است که در همان محل به شهادت رسیده و دفن گردیده اند.
- ۲ - بعلت نزدیکی به بابل و این نکته که این بخش بندرگاه بابل بوده به نام بابلسر نامیده شده است.

بادرود

نام استان: اصفهان
فاصله تانزدیکترین نقطه: نطنز ۳۰ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- بعلت مقدس بودن منطقه و اهمیت داشتن این منطقه از نظر ایرانیان باستان نام منطقه راباد که یکی از چهارعنصر اصلی نزد ایرانیان بوده و مقدس و محترم شمرده شده است گذاشته‌اند.
- ۲- بعلت سرسبز بودن این منطقه در مقطع تاریخی نامشخصی پسوند رود به نام باد اضافه شده و نام شهر بادرود گشته‌است.

باغ ملک

نام استان: خوزستان
نام قدیم: جانکی
طول جغرافیائی: ۴۹ درجه و ۵۳ دقیقه
عرض جغرافیائی: ۳۱ درجه و ۳۱ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۷۱۹
فاصله تانزدیکترین نقطه: ایذه ۴۶ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- نام جانکی مخفف جوانکی است که نام طایفه ساکن در منطقه بوده است.
- ۲- باغ ملک حکایت از سرسبزی و شادمانی زمین است که متعلق به بزرگ و یاخان سی‌باشد.

بوازجان

نام استان: بوشهر
وسعت: ۵۳۴۶ کیلومتر مربع
طول جغرافیائی: ۵۱ درجه و ۱۲ دقیقه
عرض جغرافیائی: ۲۹ درجه و ۱۶ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۷۲ متر
فاصله تانزدیکترین نقطه: بوشهر ۷۰ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- چون در اطراف این محل گراز فراوان بوده از این رو آنجا را گرازدان گفته‌اند و بر اثر گذشت زمان بتدریج گرازان و بعد برازجان شده است.

بانه

نام استان:	کردستان	نام قدیم:	به روزه
طول جغرافیائی:	۴۵ درجه و ۵۵ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۵ درجه و ۵۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۵۵۰ متر	وسعت:	۱۲۹۳ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	سنندج ۲۳۹ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- بانه را به معنی خانه گفته‌اند که منظور از اقامتگاه و آبادی و مسکن است.

۲- نام بانه از کلمه کردی بان بمعنی پشت‌بام گرفته شده است و علت را وجود ارتفاعات اطراف شهر بانه می‌دانند.

۳- بانه را بمعنی ارد و نیز ذکر کرده‌اند و می‌گویند که اردوگاه سربازان بوده است.

۴- بانه بمعنی پادگان نیز ذکر شده است و چون شهر دارای ۲ قلعه بزرگ بوده به این نام خوانده می‌شده

است

۵- در قدیم به روزه بوده است و به به‌روژه کون معروف است یعنی بهترین مکانها می‌باشد.

بجنورد

نام استان:	خراسان	نام قدیم:	بیژن‌گرد
طول جغرافیائی:	۵۷ درجه و ۲۰ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۷ درجه و ۲۸ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۰۷۰ متر	وسعت:	۱۷۲۴۵ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	مشهد ۳۴۸ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- بیژن‌گرد به معنی شهر بیژن بوده که بمرور زمان به بوزن‌گرد و سپس معرب شده بجنورد نامیده شده

است.

بروجرد

نام استان:	لرستان	وسعت:	۲۶۴۱ کیلومتر مربع
طول جغرافیائی:	۴۸ درجه و ۴۰ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۳ درجه و ۵۴ دقیقه
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	خرم آباد ۱۰۶ کیلومتر	ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۵۸۰ متر

وجه تسمیه:

۱- هنگامیکه یزدگرد سوم در جنگ نهایند از اعراب شکست خورد و سپاهیان پراکنده شدند در محل بروجرد دوباره لشکریان بر او گرد آمدند بدین مناسبت آنجا را بروگرد نامیدند و پس از معرب شدن بروجرد شد.

۲- برخی بروجرد را در اصل بروگرد میدانند زیرا در اطراف آن میوه و باغات فراوانی وجود دارد و این کلمه بعداً تبدیل به بروجرد شده است.

۳- درابتدا پیروزه گرد بوده که از بناهای خسرو پرویز می باشد و کم کم بر اثر گذشت زمان به بروجرد مبدل گشته است.

۴- این کلمه تغییر یافته و یروگرد است و یرو یکی از حکام اشکانی بوده که این محل را ساخته است.

۵- بروجرد از بناهای است که به دست فیروز ساسانی ساخته شده و به فیروزگرد موسوم بوده است که این کلمه بواسطه کثرت استعمال به بروجرد تبدیل شده است.

۶- به این شهر اروگرد گفته اند زیرا بنای آنرا به ارداشکانی نسبت می دهند. بعدها بر اثر کثرت استعمال به آن بروگرد و بروجرد گفته اند.

بستان آباد

نام استان:	آذربایجان شرقی	نام قدیم:	اوجان
طول جغرافیائی:	۴۶ درجه و ۵۰ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۷ درجه و ۵۱ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۶۷۹ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تبریز ۵۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- بعلت وجود باغات و جنگلهای فراوان و سرسبزی منطقه همراه با اقامتگاههای مختلف به بستان آباد یعنی مکان سرسبز و خرم معروف شده است.

بسطام

نام استان: سمنان
فاصله تانزدیکترین نقطه: شاهرود ۵ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- این شهر از بناهای بسطام دایی خسرو بن هرمز بن نوشیروان می باشد.
- ۲- این شهر از بناهای بسطام سردار معروف خسرو پرویز فرمانروای خراسان و گرگان و طبرستان و قومس بوده است.
- ۳- کلمه بسطام را مشتق از کلمه ویستاخما می دانند که کلمه ای فارسی پهلوی و از اجزاء اوستا می باشد.
- ۴- بسطام را تغییر یافته و سطام می گویند که نام یکی از بزرگان ساسانی در خراسان است.

بشاور

نام استان: فارس
فاصله تانزدیکترین نقطه: کازرون ۳۵ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- کلمه بشاور را تغییر یافته به شاپور می دانند و می گویند که شاپور بن اردشیر بابکان آنرا عمارت کرده و آنرا به نام خود بشاپور خواند که اصل آن بناء شاپور است به شاپور به معنای شاپور نیک است.

بشرویه

نام استان: خراسان
فاصله تانزدیکترین نقطه: فردوس ۱۰۳ کیلومتر
طول جغرافیائی: ۵۷ درجه و ۲۵ دقیقه
عرض جغرافیائی: ۳۳ درجه و ۵۲ دقیقه
وجه تسمیه:

- ۱- بش گیاهی است که در این محل میروید و نام بشرویه از این گیاه گرفته شده است. بشرویه یعنی بش روینده.

بم

نام استان: کرمان
 طول جغرافیائی: ۵۸ درجه و ۲۱ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۲۹ درجه و ۵ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۰۶۲ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: کرمان ۱۸۵ کیلومتر
 وسعت: ۱۹۴۸۰ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

- ۱- می‌گویند که کرم هفتواد در این شهر با صدای بم ترکیب لذا بهمین سبب آنرا بم نامیدند.
- ۲- کلمه بم بمعنای بلندی و رفیعی است و چون این منطقه را ارگ بم می‌خوانند می‌گویند که بعلت اینکه بلندترین منطقه به نسبت اطراف بوده آنرا ارگ بلند و رفیع یا ارگ بم گفته‌اند.
- ۳- بنای این شهر را به بهمین بن اسفندیار لقب داده‌اند لذا بم را مخفف بهمین دانسته‌اند.

بمپور

نام استان: سیستان و بلوچستان
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: ایرانشهر ۲۱ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- بعلت قرارگرفتن قلعه نزدیک شهر که از قلعه بم کوچکتر است به نام قلعه بمپور و بعدها شهر به نام بمپور معروف شده است.

بناب

نام استان: آذربایجان شرقی
 طول جغرافیائی: ۴۶ درجه و ۳ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۳۷ درجه و ۲۰ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۳۰۰ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: مراغه ۱۹ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- علت اینکه این جلگه را بناب نامیده‌اند این است که آب در این ناحیه خیلی نزدیک به سطح زمین قرار گرفته است آنرا بناب یعنی شهری که بنای آن آب می‌باشد نامیده شده است.

بندرآباد

نام استان: یزد فاصله تانزدیکترین نقطه: یزد ۳۶ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - در تلفظ محلی آنرا بندروا گویند بنای آن در تاریخ افسانه‌ای یزد به بندار از امرای پادشاهان عجم نسبت داده شده است.

بندرانزلی

نام استان: گیلان وسعت: ۳۷۵ کیلومتر مربع

طول جغرافیائی: ۴۹ درجه و ۲۸ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۷ درجه و ۲۸ دقیقه

ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۲۴ - متر فاصله تانزدیکترین نقطه: رشت ۳۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱ - انزل نام شخصی است که در این منطقه ساکن شده و لذا به نام وی منطقه را منسوب به آن دانسته‌اند.
- ۲ - انزل را گرفته شده از نزول می‌دانند زیرا می‌گویند که بیشترین میزان بارندگی را این منطقه داراست.
- ۳ - انزل را مشتق از نزول می‌دانند زیرا در زمان طوفان همراه با آب بسیاری از وسایل در این منطقه نزول کرده و باقی می‌ماند.

بندر ترکمن

نام استان: مازندران نام قدیم: بندرشاه

طول جغرافیائی: ۵۴ درجه و ۴ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۶ درجه و ۵۳ دقیقه

ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۲۰ - متر وسعت: ۱۷۳۸ کیلومتر مربع

فاصله تانزدیکترین نقطه: ساری ۱۱۸ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱ - بعلت قرار گرفتن این بندر در منطقه ترکمن نشین ترکمن صحرا به آن بندر ترکمن گفته‌اند.

بندرکیاشهر

نام استان: گیلان
 فاصله تانزدیکترین نقطه: آستانه اشرفیه ۱۸ کیلومتر
 طول جغرافیائی: ۴۹ درجه و ۵۵ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۳۷ درجه و ۲۴ دقیقه
 نام قدیم: بندرحسن کیاده - فرح ناز
 وجه تسمیه:

۱- این شهر را منسوب به حسن کیا از سادات علوی و پادشاهان آل کیا می دانند. حسن کیا در گیلان حکومت می کرده است.

بندر دیلم

نام استان: بوشهر
 نام قدیم: دیله
 فاصله تانزدیکترین نقطه: بوشهر ۲۱۷ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- دیلم به معنی چشمه آب و محل آب است و بعلت نزدیکی به دریا آنرا دیلم گفته اند.
 ۲- از کلمات دیل و دیله مشتق شده است بمعنی آبرفت و زمین رسوبی است.
 ۳- این بندر نام خود را از دیلمون که نام قدیمی جزیره بحرین گرفته است و احتمال می دهند مرکزی جهت حرکت بسوی بحرین بوده است.

بندر سلیمانان

نام استان: خوزستان
 فاصله تانزدیکترین نقطه: آبادان ۳ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- این بندر توسط شخصی موسوم به سلیمان بن جابر ملقب به زاهد احداث گردیده است لذا به نام وی محل را سلیمانان نام گذاشته اند.

بندر ظاهری

نام استان: بوشهر
 نام قدیم: سیراف
 فاصله تانزدیکترین نقطه: بوشهر ۲۳۵ کیلومتر
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۹ متر
 وجه تسمیه:

- ۱- می‌گویند که سیراف از واژه سیر و آب تشکیل شده که به معنای آب زیاد است.
- ۲- می‌گویند که از شیل و آو به معنای ماهی و آب مأخوذ شده است.
- ۳- می‌گویند که از سیل آب تشکیل شده که سیل در فارسی حرکت کردن و آب هم که دنبال آن است و معنی حرکت کردن آب را می‌رساند.
- ۴- می‌گویند کیکاووس خواست به آسمان صعود کند و چون با تخت بریال مرغان بسته‌اش صعود نمود و از چشم مردمان پنهان شد خداوند باد را فرمود که او را فرود اندازد پس فرو افتاد و گفت به من شیر و آب دهید و او را نوشتانیدند از آن جهت است که نام شهری که کیکاووس در آن فرو افتاد شیر آب شد و بصورت سیراف درآمد.

بندر عباس

نام استان: هرمزگان
 نام قدیم: گمبرون
 طول جغرافیایی: ۵۶ درجه و ۱۸ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۲۷ درجه و ۱۱ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۰ متر
 فاصله تانزدیکترین نقطه: تهران ۱۵۰۱ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- گمبرون قبل از صفویه در تصرف پرتغالیها بود و در سال ۱۶۲۳ میلادی که شاه‌عباس پرتغالیها را از این بندر اخراج و محل مزبور را تصرف نمود و سپس به نام وی به بندرعباس تبدیل شد.
- ۲- گامبری نام خرچنگهای دریایی کوچکی است که در این محل به فراوانی یافت می‌شده است.

بندر گناوه

نام استان:	بوشهر	نام قدیم:	جنابه - مهروبان
طول جغرافیائی:	۵۰ درجه و ۳۱ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۲۹ درجه و ۳۴ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۵ متر	وسعت:	۵۲۳۹ کیلومتر مربع
فاصله تازدیکترین نقطه:	بوشهر ۱۶۵ کیلومتر		

وجه تسمیه:

- ۱- این شهر را از بناهای جنابه بن طهمورث می دانند.
- ۲- آنرا گفته یا آبگنده نیز گفته اند می گویند بعلت امتزاج آب و نفت آب آنجا خوشگوار نبوده است.
- ۳- کلمه گناوه که معرب آن جنابه است از کلمه گنداب آمده است.
- ۴- نام مهروبان از ماه رویان به معنی شهر رویان یا شهر میگو گرفته شده است.
- ۵- مهروبان را تغییر یافته ماهی رویان می دانند.
- ۶- بعلت چرکین بودن ساحل و آب آن به آب گنده و گفته معروف و بر اثر کثرت استعمال گناوه شده است.

بندر لنگه

نام استان:	هرمزگان	وسعت:	۲۱۴۳۶ کیلومتر مربع
طول جغرافیائی:	۵۴ درجه و ۵۴ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۲۶ درجه و ۳۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۳ متر	فاصله تازدیکترین نقطه:	بندر عباس ۲۴۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- گروهی معتقدند که شهر لنگه بعلت آبادانی، بزرگی و جمعیت زیادی که در گذشته داشته به لنگه یا لنگه دنیا معروف بوده و ظاهراً با این تعبیر خواسته اند بگویند بندر لنگه، لنگه و همانند دنیا می باشد.
- ۲- بعضی دیگر نظر بر این دارند که لنگه همتای بندر بمبئی از نظر جمعیت و فعالیت تجارتي بوده و خواسته اند بگویند این بندر همتا و لنگه بمبئی است و از این رو اسم لنگه روی این بندر باقیمانده است.
- ۳- لنگه به زبان عربی یعنی بیلاق و بادیه نشینی است و چون آب و هوای بندر لنگه نسبت به مابقی نقاط خلیج فارس مطلوب بوده است و شیوخ خلیج فارس فصل گرما را در این نقطه می گذرانند به آن لنگه و سپس لنگه گفته اند.

بندر نابند

نام استان: هرمزگان

وجه تسمیه:

۱- نابند را از کلمه ناوید و آن نقطه را محل توقف و پناهگاه کشتیها گفته و از آن جهت آنرا ناویه یا نابند را برای آن بندر دانسته‌اند.

بوشهر

نام استان:

بوشهر

نام قدیم:

لیان - ریشهر

طول جغرافیائی:

۵۰ درجه و ۵۱ دقیقه

عرض جغرافیائی:

۲۸ درجه و ۵۹ دقیقه

ارتفاع از سطح دریای آزاد:

۵ متر

وسعت:

۹۹۴/۵ کیلومتر مربع

فاصله تا نزدیکترین نقطه:

تهران ۱۲۱۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- بنا بدستور نادرشاه یک نیروی دریائی قوی در نزدیکی این شهر تأسیس و به این شهر نام ابوشهر بمعنی پدر شهرها داد.

۲- عده‌ای نیز معتقدند که نام قبلی بوشهر نادریه بوده و در سال ۱۱۴۶ هجری قمری نادرشاه آنجا را نادریه نامید.

۳- گروهی بنای این شهر را به اردشیر ساسانی نسبت می‌دهند و گویند که نام اصلیش تخت اردشیر بود. و بوشهر تحریف شده ریشهر که یک شهر قدیمی است می‌باشد.

۴- ریشهر مخفف ریواردشیر است زیرا این شهر در زمان اردشیراول ساخته شده لذا به آن ریواردشیر یا شهر اردشیر گفته‌اند.

۵- بنای شهر را به سهراب کیانی داده‌اند لذا به نام لیان معروف شده است.

بهار

نام استان: همدان
 نام قدیم: چمن
 فاصله تانزدیکترین نقطه: همدان ۲۵ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- بعلت اسکان ایل بهارلو در منطقه به این نام خوانده شده است.
- ۲- بعلت وجود آب و هوای مطلوب و خوب به بهار معروف شده است.
- ۳- بعلت سرسبزی و خرمی منطقه به بهار معروف شده است.

بردسیر

نام استان: کرمان
 وسعت: ۶۰۶۹ کیلومتر مربع
 طول جغرافیائی: ۵۶ درجه و ۳۴ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۲۹ درجه و ۵۶ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۲۰۴۰ متر
 فاصله تانزدیکترین نقطه: کرمان ۶۱ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- قبلاً این شهر را به اردشیر و یاوه اردشیر گفته اند که پس از ورود اعراب تبدیل به بردسیر شده است به اردشیر به معنی اردشیر خوب و یا شهر خوب اردشیر است.

بهبهان

نام استان:	خوزستان	نام قدیم:	ارجان
طول جغرافیائی:	۵۰ درجه و ۱۶ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۰ درجه و ۳۵ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۳۰۰ متر	وسعت:	۳۸۱۵ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اهواز ۲۱۲ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

- ۱- می گویند قباد شهری بساخت و آنرا به از آمد قباد نامید و آن شهر ارجان است و ولایتی را تابع آن قرار داد و معنی کلمه بهتر از آمد قباد است.
- ۲- ارجان معرب ارگان است که مشتق از کلمه آریاگان است که به معنی مکان آریائیان است البته آریاگان به معنی محل استوار آریائیان است.
- ۳- پس از شکست رومیان توسط قباد و تصرف شهر آمد رومیان فوق به ایران منتقل و در منطقه ای اقامت کردند که بعلت خوبی آب و هوای این شهر از آمد به آن به از آمد قباد گفته و سپس به صورت تخفیف بهبهان شده است.
- ۴- نام شهر را رام قباد به معنی شهر قباد ذکر کرده اند.
- ۵- ارگان نام قدیم بهبهان را به معنی ارزش و احترام گفته اند که حکایت از اهمیت شهر باستانی ارجان دارد.
- ۶- کلمه بهبهان از ریشه بغبغان به معنی مؤبد موبدان و یا شهر خداوند خداوندان است. علت نامگذاری را اهمیت مذهبی این شهر می دانند.
- ۷- بهبهان را تغییر یافته کلمه بهبهون می دانند. بهبهون نام باغستانی چسبیده به ارجان بوده است که در زبان لری به معنی خانه و محل سکونت اعم از خانه چادری و یا خشتی باشد.
- ۸- مردم این منطقه در ایام پیشین سیاه چادر نشین بوده اند و به سیاه چادرها بهان می گفته اند چون خانه های سنگ و گچی ساختند و آن را در زمستان و تابستان بهتر از سیاه چادر یافتند گفتند به بهان یعنی بهتر از سیاه چادر است از این جهت آنجا بنام بهبهان معروف شد.

بهشهر

نام استان:	مازندران	نام قدیم:	اشرف
طول جغرافیائی:	۵۳ درجه و ۳۳ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۶ درجه و ۴۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۵ متر	وسعت:	۳۱۰۶ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	ساری ۴۶ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- چون سال بنای این شهر مطابق با سال ۱۰۲۱ هجری قمری است لذا چنانچه حروف دولت اشرف را با ارقام حروف ابجد محاسبه نمائیم عدد ۱۰۲۱ بدست می آید. لذا باید گفت ماده تاریخ این شهر علت نامگذاری این شهر بوده است.

۲- شاه عباس این شهر را اشرف البلاد یا نجیب ترین شهرهای ایران لقب داد.

۳- شاه عباس شهر اشرف را به نام اشرف الملوک ساخته و آنرا اشرف البلاد نام نهاد.

۴- سال ۱۳۱۵ شمسی نام اشرف به بهشهر که آنهم بمعنی بهترین شهرها است تبدیل یافت.

۵- نام شهر را به شهر گذاشته که به معنی بهترین شهرها است.

بیجار

نام استان:	کردستان	نام قدیم:	گروس
طول جغرافیائی:	۴۷ درجه و ۳۶ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۵ درجه و ۵۲ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۸۷۰ متر	وسعت:	۵۹۱۰ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	سنندج ۱۴۰ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- به علت فراوانی درخت بید در منطقه که در زبان کردی به آن بی می گویند به آن بی جار که به معنی همسایه و یا مکان بید می باشد گفته اند.

۲- ناصرالدین شاه قاجار با امیر نظام گروسی شبی را در گردش بسر میرد مطلبی را ناصرالدین شاه در آن شب به امیر نظام گروسی اشاره مینماید که فردا صبح این مطلب به وسیله جارچی پخش شود و تا صبح همه مردم از این مطلب آگاه می شوند از اینرو آنرا شهر بی جار می نامند.

۳- در این شهر درخت بید فراوان بوده از اینرو به کردی به آن بی می گفتند و به لهجه کردها بی جار به معنای جایگاه بید می باشد.

بیدخت

نام استان: خراسان
فاصله تا نزدیکترین نقطه: گناباد ۱۱ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱ - بیدخت نام ستاره زهره است و بعلت وجود نفوذ ادیان شرقی هندی در مناطق شرق ایران احتمال می دهند این مکان از مراکز پرستش ناهید بوده است.
- ۲ - نام دختریکی از پادشاهان ایرانی بوده که در زمان رستم به این محل آمده و ساکن گشته است و نام خود را بر این مکان نهاده است.

بیدگل

نام استان: اصفهان
فاصله تا نزدیکترین نقطه: کاشان ۱۰ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱ - به علت وجود درختان بید و گل‌های مخصوص گلابگیری به آن بیدگل می گویند.
- ۲ - می گویند در منطقه گل بیدمشک وجود داشته است لذا نام منطقه را بیدگل گذاشته اند.
- ۳ - بنای این محل را به بی بی گل از دختران اوکتای قآن سبت می دهند لذا به نام وی بی بی گل و سپس بصورت تحریف شده بیدگل درآمده است.

بیده

نام استان: یزد
فاصله تا نزدیکترین نقطه: یزد ۵۰ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱ - در زمان حرکت یزدگرد به فارس یکی از سرهنگان وی به نام بیدار اقدام به آبادنی نقطه ای پرداخت که نام آنرا مشتق از نام بیدار بیده نامیدند.

بیستون

نام استان: کرمانشاه
فاصله تانزدیکترین نقطه: کرمانشاه ۵۹ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- کلمه بیستون تغییر یافته نام بهستون و بغستون «جایگاه خدایان» می باشد و نشانه از مقدس بودن این کوهستان و این مکان است.
- ۲- کلمه بیستون ماخوذ از کلمه بغ است یعنی جایگاهی است برای پرستش خدایان مختلف

بیشاپور

نام استان: فارس
فاصله تانزدیکترین نقطه: کازرون ۳۰ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- بیشاپور مشتق شده از دو کلمه به و شاپور که به معنی شهری که خوب است یا مورد توجه شاهپور می باشد.
- ۲- بیشاپور از دو کلمه بی و شاهپور تشکیل می گردد که در لغت پهلوی به یابی به معنای خانه و سرا می باشد در نتیجه بیشاپور به معنی خانه و سرای شاهپور می باشد.

بیله سوار

نام استان: اردبیل
فاصله تانزدیکترین نقطه: اردبیل ۱۶۳ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- در زمان حکومت نادرشاه هنگامی که وی به سلطنت ایران انتخاب گردید برای رفتن به اصلاندوز جهت تاجگذاری در منطقه ای اقامت کرده است بعلت اینکه این محل اطراق گاه فیلهای همراه نادرشاه بوده است به آن پیل سوار یعنی جایی که مردم سوار پیل ها شده بودند نام گذاشته که بعدها به صورت بیل سوار و سپس بیله سوار گشته است.

بشاگرد

نام استان: هرمزگان فاصله تازدیگترین نقطه: میناب ۱۲۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- کلمه بشاگرد ترکیب شده از کلمات به + شاهپور و گرد است که به معنی بهترین شهر شاهپور است. زیرا بنای آنرا به شاهپور ساسانی می دهند. بشاگرد از نقاط محروم استان هرمزگان محسوب می گردد.

بهمن شیر

نام استان: خوزستان

وجه تسمیه:

۱- مخفف بهمین اردشیر است. این نهر از ساخته های اردشیر اول می باشد وی دستور داد شهری نیز در کنار آن احداث نمایند از شهر اثری باقی نیست ولی رودخانه امروز به نام بانی وی بهمین شیر خوانده می شود.

پاپی

نام استان: لرستان

فاصله تا نزدیکترین نقطه: منطقه‌ای است وسیع در لرستان

وجه تسمیه:

۱- نام منطقه مشتق از زیارتگاهی است در این بخش که به نام شاه چراغ و یا شاهزاده احمد معروف است. خدام این امامزاده همگی عمامه قرمز بر سردارند و ملقب به پاپی یعنی پروانه هستند. علت اطلاق نام پروانه به خدام را بدین صورت ذکر کرده‌اند که خدام به دور این امامزاده می‌چرخند و چون همه مردم این بخش از نظر احترام خود را جزء خدام امامزاده می‌دانند نام پاپی را به محل و ساکنان آن اطلاق کرده‌اند.

پاتاوه

نام استان: کهگیلویه و بویراحمد

فاصله تا نزدیکترین نقطه: یاسوج ۶۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- توه یا تاوه بمعنی سنگ صاف و صخره صیقلی و سخت است و پا تاوه یعنی منطقه‌ای که در بای کوه‌های سخت با سنگ‌های صاف قرار دارد.

پاسارگاد

نام استان: فارس

فاصله تا نزدیکترین نقطه: مرودشت ۹۲ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- کلمه پاسارگاد تغییر یافته نام پارسه گرد به معنی شهر پارسها می‌باشد.

پاوه

نام استان:	کرمانشاه	نام قدیم:	اورامان
طول جغرافیائی:	۴۶ درجه و ۲۳ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۵ درجه و ۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۵۴۰ متر	وسعت:	۴۱۱۹ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	کرمانشاه ۱۴۸ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- نام پاوه از سردار معروف یزدگرد سوم یعنی پاوه گرفته شده است می‌گویند وی جهت جلوگیری از ورود سپاهیان عرب در منطقه اقدام به ایجاد دژ و پاسگاه نموده است و بناهای برج و بارو باقی مانده را نیز به آن نسبت می‌دهند.

پس قلعه

نام استان: تهران
وجه تسمیه:

۱- این محل در شمال شهر تهران و در درهٔ دربند قرار دارد. و چون پشت دروازه‌های تهران و ری بوده و در گذشته دروازه‌ها حکم قلعه داشته است به آن پس قلعه یعنی پشت قلعه نام داده‌اند.

پیرانشهر

نام استان:	آذربایجان غربی	نام قدیم:	خانه
طول جغرافیائی:	۴۵ درجه و ۸ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۶ درجه و ۴۲ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۴۶۰ متر	وسعت:	۲۴۰۲ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اورمیه ۱۲۰ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

- ۱- بلعت وجود مقابر پیران «بزرگان مذهبی» در این شهر به آن شهر پیران و یا پیران شهر نام داده‌اند.
- ۲- بلعت سکونت قوم پیران و طایفهٔ پیران در این شهر به آن پیران شهر نام داده‌اند.

پلدختر

نام استان: لرستان

فاصله تانزدیکترین نقطه: خرم آباد ۱۱۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱ - می گویند بعلت احداث پل توسط یک دختر به نام پل دختر معروف شده است.
- ۲ - روایت است که در دو طرف رودخانه کشکان پسر و دختری بیکدیگر دل داده بودند لذا جهت رسیدن به هم اقدام به احداث پل نموده و نام پل را کرو دختر و سپس پل دختر گذاشته اند.

پیرهداف

نام استان: خوزستان

وجه تسمیه:

- ۱ - این مکان بجا مانده و از بازماندگان و جزء اعتقادات مردم محلی است که می گویند در حمله اعراب یکی از امراء اعراب به نام پیرهداف در جنگ با مردم کشته شده و مسلمانان بر گور وی گنبد ساخته و بصورت زیارتگاهی درآمده است.

تاکستان

سیاه‌دهن	نام قدیم:	زنجان	نام استان:
۳۶ درجه و ۴ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۴۹ درجه و ۴۲ دقیقه	طول جغرافیائی:
۳۶۴۷ کیلومتر مربع	وسعت:	۱۲۶۵ متر	ارتفاع از سطح دریای آزاد:
		زنجان ۱۵۰ کیلومتر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:
			وجه تسمیه:

۱- بعلت داشتن درختان انگور و باغ انگور بسیار به این نام شهرت یافته است.

۲- بعلت وجود درختان فراوان به آن سیاه‌دهن گفته می‌شد زیرا دشت و منطقه از فاصله دور سیاه بنظر می‌رسیده است.

تایباد

۵۰۸۴ کیلومتر مربع	وسعت:	خراسان	نام استان:
۳۴ درجه و ۴۵ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۶۰ درجه و ۴۵ دقیقه	طول جغرافیائی:
۲۲۹ کیلومتر	فاصله تا نزدیکترین نقطه: مشهد	۸۱۰ متر	ارتفاع از سطح دریای آزاد:
			وجه تسمیه:

۱- تایباد از دو قسمت تای + باد که در اصل تای‌بار بوده است که تای به معنی طاقه و جامه و بار نیز به معنی فراوانی است لذا منسوب به تولیدات نساجی منطقه می‌باشد.

۲- تایباد در اصل پای‌باد بوده که به معنی منطقه بادخیز است و بمرور زمان به تای‌باد تبدیل شده است.

تبریز

نام استان:	آذربایجان شرقی	وسعت:	۹۳۷۱ کیلومتر
طول جغرافیائی:	۴۶ درجه و ۱۷ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۸ درجه و ۵ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۳۶۶ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۶۲۴ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- نوشته‌اند که در ایالت اتور پاتن یعنی آذربایجان کنونی متصل به ارمنستان شهری به نام داورژ بنا گذاشته شده بود این کلمه به مرور زمان به تاورژ و تاوریز تغییر یافته و سپس با اختلاط زبان عربی و فارسی ژبهز تبدیل و تاوریز به تاوریز و توریز و تبریز تغییر یافته است.

۲- کلمه تبریز به معنی ریزنده تف و تاب می‌دانند و این نام را با آتشفشان دیرین یعنی کوه سهند مربوط دانسته‌اند.

۳- چون در دامنه کوه سهند چشمه‌های آب گرم ریزان و جوشان وجود داشته لذا ممکنست به این سبب اینجا را تف‌ریز تبریز یعنی گرم‌ریز، گرم‌ایز نام داده باشند.

۴- تاورژ ارمنی به معنی این برای انتقام یا جای انتقام است و داستان بدین مضمون است که تبریز را خسرو اشکانی حکمران ارمنی برای انتقام گرفتن از اردشیر نخستین پادشاه دودمان ساسانی قاتل اردوان آخرین پادشاه پارت بنا کرده است.

۵- می‌گویند زبیده خاتون همسر هارون الرشید خلیفه عباسی به تب‌نوبه مبتلا شد چون هنگام اقامت در این شهر بوسیله پزشکان و در اثر لطافت هوا شفا یافت این شهر را تبریز نام گذاشتند.

۶- اعتقاد دارند در زمانهای کهن در جای این شهر آتشکده‌ای وجود داشته که نام آن تاب‌ریز بوده است و لذا پس از مدت‌ها نام منطقه از تاب‌ریز به تبریز تغییر یافته است.

۷- در زمان مردم بومی قدیم نام منطقه توری بوده است که در نوشته‌ها به شکل توریز آمده تو به معنی گرم و تب است در زبان آذری و ری نیز به معنی چشمه است که در مجموع به نام رود گرم و یا گرم آب خواهد بود. علت این نامگذاری را وجود آبهای گرم و معدنی اطراف کوه سهند و جلگه مابین سهند و سبلان می‌دانند.

۸- توریز به معنی جاری شدن و یا جاری بودن در زبان پهلوی است لذا مشتق از چشمه‌های آب معدنی می‌دانند.

تربت جام

نام استان:	خراسان	نام قدیم:	زام - بوزجان
طول جغرافیائی:	۶۰ درجه و ۳۷ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۵ درجه و ۱۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۹۱۰ متر	وسعت:	۸۳۶۲ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	مشهد ۱۶۵ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- این شهر مدفن شیخ احمد جام عارف ملقب به زنده پیل می‌باشد و به همین علت بنام تربت جام نامیده می‌شود.

تربت حیدریه

نام استان:	خراسان	نام قدیم:	زاوه
طول جغرافیائی:	۵۹ درجه و ۱۲ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۵ درجه و ۱۷ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۳۵۰ متر	وسعت:	۱۴۸۸۸ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	مشهد ۱۶۲ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- محل زندگی و مدفن پیر روشندل قطب‌الدین حیدر است که به‌همین نام محل دفن وی را تربت حیدریه می‌نامند.

تفرش

نام استان:	مرکزی	وسعت:	۳۱۲۳ کیلومتر مربع
طول جغرافیائی:	۵۰ درجه و ۱ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۴ درجه و ۴۱ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۹۰۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اراک ۹۵ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- کلمه تفرش به معنی چشمه یا آبگرم است و علت نامگذاری را وجود چشمه‌های آبگرم اطراف این شهر می‌دانند.

تکاب

نام استان: آذربایجان شرقی
عرض جغرافیائی: ۳۶ درجه و ۲۴ دقیقه
طول جغرافیائی: ۴۷ درجه و ۶ دقیقه
فاصله تا نزدیکترین نقطه: میان دو آب ۱۴۳ کیلومتر
ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۷۹۰ متر
وجه تسمیه:

۱- به معنی تنک آب یا آب باریک و یازمینی که آب کم و باریکی در آن جاری باشد می باشد. علت را کم بودن آب در این منطقه ذکر کرده اند.

تنب

نام استان: هرمزگان

وجه تسمیه:

۱- تغییر یافته کلمه تمب به معنی تپه و زمین برآمده کم ارتفاع است. این مکان بصورت جزیره ای که از آب سر بیرون زده شده دیده می شود لذا به آن تنب یعنی زمین برآمده کم ارتفاع گفته اند.

تنکابن

نام استان: مازندران
نام قدیم: شهنسوار
طول جغرافیائی: ۵۰ درجه و ۵۳ دقیقه
عرض جغرافیائی: ۳۶ درجه و ۴۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۲۰- متر
وسعت: ۲۱۴۰ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه: ساری ۲۲۵ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱- روزی آغامحمدخان قاجار از سفر گیلان باز می گشت، کاروان شاه در قریه ای که در کنار ساحل قرار داشت سکونت گزیدند پس از یکشب استراحت قریه را ترک کردند ولی ناگهان متوجه شدند شیئی قابل توجه را در قریه ای که اسمش بخاطر آنها نماند، جا گذاشته اند وقتی از اطرافیان تحقیق کردند آنها نیز نام محل را نمی دانستند و می گویند در همانجائی که شاه سوار شد و بدین ترتیب نام محل مزبور شهنسوار گردید.

۲- تنکابن یعنی پائین تر از تنکا و تنکا نام قلعه ای بوده است که در سال ۷۸۹ هجری از بین رفته شهر امروز در گذشته در کنار این قلعه که معروف به دژ تنکا بوده قرار داشته است.

توسیرکان

نام استان:	همدان	نام قدیم:	رودآور
طول جغرافیائی:	۴۸ درجه و ۲۷ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۴ درجه و ۳۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۸۵۰ متر	وسعت:	۱۴۶۳ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	همدان ۹۳ کیلومتر		

وجه تسمیه:

- ۱- این شهر از دو کلمه توی و سرکان ترکیب شده است که نام دو محل بزرگ در کنار هم بوده است که از ترکیب دو محل به این نام حادث گردیده است.
- ۲- می گویند توی و سرکان نام دو تن از بزرگان قدیمی منطقه بوده اند که هریک با اطرافیان خود در محلی زندگی می کرده اند لذا به محل زندگی آن دو نام خودشان را اطلاق کردند از ترکیب این دو مکان توسیرکان بوجود آمده است.

تهران

نام استان:	تهران	وسعت:	۸۶۵ کیلومتر مربع
طول جغرافیائی:	۵۱ درجه و ۲۴ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۵ درجه و ۴۱ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۱۱۰ متر		
وجه تسمیه:			

- ۱- تهران به معنی گرمستان است یا گرمگاه و این معنی در مقابل شمیران است به معنی سردستان
- ۲- تهران را در اول طاهران می گفته اند علت که تیره ای از سلسله طاهریان در این جا سکونت داشته اند.
- ۳- عده ای نیز می گویند که بعلت ترس از راهزنان و دشمنان خانه های مردم این قصبه در زیر زمین ساخته شده بود و چون کوچه های عبوری از دیوارها پائین تر بوده و از سطح زمین نیز قدری پایین تر بوده به آن تهران که از دو جزء ته بمعنی زیر و کف و ران به معنی جا و مکان و در کل به معنی ته زمین یا زیر زمین تعبیر شده است.
- ۴- عده ای نیز اعتقاد دارند در گذشته به خاطر وجود درختان ته «تاغ» این مکان بنام تهران معنی جا و مکان

درختان ته یا تاغستان نامگذاری شده است.

تفت

نام استان:	یزد	طول جغرافیائی:	۵۴ درجه و ۱۳ دقیقه
عرض جغرافیائی:	۳۱ درجه و ۴۴ دقیقه	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	یزد ۲۶ کیلومتر
ارتفاع از سطح دریا:	۱۵۷ متر	وسعت:	۶۸۹۵ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱ - تفت در لغت به معنی گرما خورده می‌باشد. علت را نزدیکی به کویر و همچنین گرمای منطقه نام برده‌اند.

۲ - تفت به معنی سبد و طبق میوه است و چون پر از باغات میوه می‌باشد بدین نام معروف گشته است.

تخت جمشید

نام استان:	فارس	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	مرو دشت ۱۰ کیلومتر
نام اصلی:	پارسه	ارتفاع از سطح دریا:	۱۷۷۰ متر
وجه تسمیه:			

۱ - پارسه به معنی شهر پارسیها می‌باشد.

۲ - در نزد ایرانیان عوام حکومت هخامنشی پادشاهان افسانه‌ای پیشدادی و نیمه تاریخی کیانی توأم گشته و بنای شکوهمند پارسه را به جمشید پادشاه افسانه‌ای نسبت داده و به آن قصر جمشید گفته که بعدها به صورت تخت جمشید تغییر نام داده است.

جاجرم

نام استان: خراسان
فاصله تا نزدیکترین نقطه: بجنورد ۱۳۹ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱- اصل کلمه جاکرم بوده است که بصورت معرب جاجرم شده است. علت ذکر این معنی وجود آب و هوای گرم در منطقه است.

جاجرود

نام استان: تهران
فاصله تا نزدیکترین نقطه: تهران ۱۷ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱- مخفف کلمه جایج رود می باشد. معنی لغوی آن جای کنار رود است که بر اثر کثرت استعمال به جاجرود تغییر داده شده است.

جلفا

نام استان: آذربایجان شرقی
فاصله تا نزدیکترین نقطه: تبریز - ۱۳۵ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱- در لغت به معنی بافنده است و چون شغل اهالی عموماً بافندگی است به این منطقه جلفا گفته شد.
۲- در زمان شاه عباس جهت رونق بافت پارچه های ابریشمی عده ای از ارامنه جلفای آذربایجان به اصفهان کوچانیده شدند و در نتیجه محل اسکان آنان را جلفا نامیدند.

جم

نام استان: بوشهر
فاصله تا نزدیکترین نقطه: بوشهر ۲۶۰ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱- بنای آنرا به جم فرزند طهمورث نسبت می دهند لذا به نام بانی آنرا جم می نامند.

جندق

نام استان: اصفهان فاصله تا نزدیکترین نقطه: نائین ۲۶۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- کلمه جندق معرب گندک است و به معنی شهرک است یعنی شهر کوچک

جنگاه

نام استان: کرمانشاه فاصله تا نزدیکترین نقطه: پاوه ۱۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- محل نبرد مابین اهالی پاوه و نیروهای سعدوقاص است که در نزدیکی شهر پاوه قرار دارد و لذا به محل

نبرد جنگاه گفته‌اند.

جوانرود

نام استان: کرمانشاه فاصله تا نزدیکترین نقطه: کرمانشاه ۱۰۵ کیلومتر

طول جغرافیائی: ۴۶ درجه و ۲۸ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۴ درجه و ۴۸ دقیقه

ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۲۸۰ متر

وجه تسمیه:

۱- نام خود را از رودخانه‌ای به نام جوان گرفته است.

۲- روایت است که این رودخانه در مابین رودخانه‌های منطقه جوانترین رودخانه محسوب می‌گردد.

۳- روایت می‌باشد که جوانی جهت انتقال آب به زمین کشاورزی خویش به احداث این رودخانه همت

گماشته است لذا به یاد وی جوانرود نامیده شده است.

جوپار

نام استان: کرمان
فاصله تا نزدیکترین نقطه: کرمان ۲۶ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱ - جوپار مخفف جوپار است که بعلت داشتن دو قنات که یکی موسوم به گوهر ریز و دیگری کوثر ریز می باشد بهمین علت نام آنرا جوپار نهاده اند که به تخفیف جوپار شده است.
- ۲ - جوپار در قبلاً جوپای بوده است که از دو قسمت جو به معنی نهر و پای به معنی دامنه است و بعلت جاری شدن قنات ما در این منطقه به جوپای و سپس جوپار شهرت یافته است.

جویمند

نام استان: خراسان
وجه تسمیه:

- ۱ - مند افاده معنی خداوندی و صاحبی نماید همچون خردمند و دانشمند، جویمند هم بمعنی دارای جوی می باشد زیرا عمیق ترین قنات خراسان در این شهرستان واقع است.

جهرم

نام استان:	فارس	نام قدیم:	گهرم
طول جغرافیائی:	۵۳ درجه و ۳۴ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۲۸ درجه و ۳۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۹۸۵ متر	وسعت:	۵۶۱۶ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	شیراز ۱۹۳ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

- ۱ - جهرم به معنای جای گرم است. جهرم معرب گهرم می باشد، علت این نامگذاری را آب و هوای گرم آن ذکر کرده اند.

چالوس

نام استان: مازندران
فاصله تا نزدیکترین نقطه: ساری ۱۶۸ کیلومتر
طول جغرافیایی: ۵۱ درجه و ۲۵ دقیقه عرض جغرافیایی: ۳۶ درجه و ۳۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۲۱ - متر
وجه تسمیه:

۱ - چالوس نام دختری بوده بسیار زیبا و مشهور و محبوب که دارای دل‌بستگی فراوان بوده که در شهرهای دور و نزدیک زندگی می‌کردند تکرار نام این دختر سبب شده که به تدریج نام چالوس به این منطقه داده است.

۲ - چالوس را بومیان چالس مگویند که احتمالاً از چاله گرفته شده است زیرا شهر چالوس در دشت و در کم‌ارتفاعترین نقطه منطقه قرار دارد.

چاه‌بهار

نام استان: سیستان و بلوچستان
وسعت: ۲۹۶۵۵ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی: ۶۰ درجه و ۳۷ دقیقه عرض جغرافیایی: ۲۵ درجه و ۱۷ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۷ متر
فاصله تا نزدیکترین نقطه: زاهدان ۷۶۱ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱ - نام اصلی آن چهار بهار بوده که بعدها به چاه بهار تغییر داده شده است. علت را این صورت عنوان کرده‌اند که در این محل هر چهار فصل سال مانند بهار است لذا به آن چهار بهار گفته‌اند.

۲ - عده‌ای نیز می‌گویند به علت اینکه آب و هوای این منطقه نسبت به سایر بنادر جنوبی سالمتر و معتدلتر است به آن چهار بهار و سپس چاه‌بهار گفته‌اند.

۳ - به علت نزدیکی چاه بهار به مدار رأس السرطان تغییرات آب و هوا چندان در آن محسوس نمی‌باشد لذا به آن چهار بهار و سپس بصورت خلاصه چاه‌بهار گفته‌اند.

چرام

نام استان: کهگیلویه و بویر احمد
وجه تسمیه:

۱ - از ریشه چرا و چرانیدن است و بخاطر وجود منطقه مرتفع و مراتع پر آب و علف به این نام خوانده شده است.

چغالوندی

نام استان: لرستان
فاصله تا نزدیکترین نقطه: خرم آباد ۴۳ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱ - چغال همان شغال است در زبان محلی منطقه و بعلت تعداد زیاد شغال در منطقه به این نام خوانده شده است.

چگنی

نام استان: لرستان «ایل و منطقه‌ای است در لرستان»
وجه تسمیه:

۱ - از ایلات و مناطق مهم لرستان محسوب می‌گردد. وجود طایفه چگن در این منطقه که نام خود را از شخصی به همین نام گرفته‌اند در منطقه باعث گردید تا برکل منطقه اطلاق نمایند.

چم

وجه تسمیه:

۱ - چم در زبان لری به معنی پل است و در مناطق مرکزی و غرب کشور مناطق بیشماری به نام چم معروف می‌باشد. می‌توان گفت کلیه محله‌های عبور از رودخانه را چم می‌نامیدند.

چهارآسیاب

نام استان: خوزستان
فاصله تا نزدیکترین نقطه: بهبهان ۱۱ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱ - بعلت وجود چهارآسیاب در نزدیکی این روستا به نام چهارآسیاب معروف شده است.

خارک

نام استان: بوشهر
 وسعت: $۸/۵ \times ۳/۵$ کیلومتر مربع
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۸۷ متر
 فاصله تازدیدترین نقطه: بوشهر ۶۵ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- همان خارک است که نوعی خرما می باشد - به خرما از زمانی که بر سر نخل قابل خوردن باشد خارک می گویند.
- ۲- خارک تغییر یافته خار به معنی سنگ است که در مقابل صخره عربی بکار می رود و به علت وجود زمین سفت و صخره ای این جزیره به آن اطلاق می شد.
- ۳- ابتدا نام این جزیره خارج بوده که به معنی بیرون است و علت هم این بوده که از فارس بیرون بوده و تابع استان فارس نیز بوده و سپس خارج به فارسی خارک گشته است.

خدابنده

نام استان: زنجان
 نام قدیم: قیدار
 طول جغرافیایی: ۴۸ درجه و ۳۵ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۶ دقیقه و ۷ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۲۰۰۰ متر
 وسعت: ۴۸۰۰ کیلومتر مربع
 فاصله تازدیدترین نقطه: زنجان ۷۵ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- قیدار نام آرامگاه پیامبری است در این شهر که به احترام وجود این آرامگاه نام فوق را به منطقه داده اند.
- ۲- خدابنده لقب سلطان محمد الحایتی حاکم مغل بوده که با دستور وی به همت کارگزاران او این منطقه آباد گشته است لذا به نام وی منطقه را خدابنده نام گذاشته اند.

خراسان

نام استان: خراسان

وجه تسمیه:

- ۱ - خراسان همان خورآیان زبان پهلوی است که به معنی مشرق است و چون این منطقه در شرق ایران بوده به آن خورآیان و سپس خورآسان نام داده‌اند.
- ۲ - به معنی جایی است که خورشید از آنجا سرزند و چون ایرانیان نماز نیایش خود را بسوی نور و آفتاب انجام می‌دادند به آن خورآسان یا خراسان گفته‌اند.

خرگرد

نام استان: خراسان

وجه تسمیه:

- ۱ - از دو کلمه خربه معنای بزرگ و گرد به معنای شهر و آبادی است که جمعاً بمعنای شهر بزرگ است.

خرم آباد

نام استان:	لرستان	نام قدیم قدیم:	شاهپور خواست
طول جغرافیائی:	۴۸ درجه و ۲۱ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۳ درجه و ۳۲ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۲۰۰ متر	وسعت:	۱۸۰۸۵ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۴۹۱ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

- ۱ - از دو کلمه خرم و آباد تشکیل می‌گردد. هدف رساندن این نکته است که شهری است معمور و آباد و زنده زیرا ضمن اینکه دارای باغ و بستان است مسکون و معمور نیز می‌باشد.

خرمشهر

نام استان:	خوزستان	نام قدیم:	بیان - محمره
طول جغرافیائی:	۴۸ درجه و ۱۱ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۰ درجه و ۲۶ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۳ متر	وسعت:	۱۸۵۴ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اهواز ۱۲۹ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

- ۱- نام بیان از رودخانه‌ای به همین نام که به آن نهر بیان گفته می‌شده است اخذ شده بود.
- ۲- محمره به معنی سرخ و علت نام‌گذاری این شهر به محمره وجود آب رودخانه کارون است که به همراه خود رسوبات رسی آورده لذا به نظر می‌رسد که آب آن سرخ می‌باشد.
- ۳- خرمشهر از دو جزء خرم + شهر تشکیل می‌گردد که حکایت از آبادی شهر و سرسبزی آن است. علت نامگذاری این شهر به خرمشهر ضمن زیبایی آن بخاطر نخلستانهای اطراف آن که چهره شهر را سبز نگه داشته است باعث گردید در سال ۱۳۱۶ نام شهر از محمره به خرمشهر تغییر یابد.
- ۴- می‌گویند کلمه محمره تغییر و تحریف شده کلمه مهمان راه بوده است.
- ۵- نام محمره را تحریف شده ماء حمرة یعنی آب سرخ می‌دانند.
- ۶- می‌گویند در گذشته‌های دور در این شهر برنج کاشت شده است و برنج حاصله سرخ رنگ بوده است.

خسروآباد

نام استان:	خوزستان	نام قدیم:	خرزل آباد
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	آبادان ۲۴ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

- ۱- این شهرک در سال ۱۳۰۶ هجری قمری ایجاد شده و چون کاخ شیخ خزل حاکم وقت خوزستان در آن محل بوده به خزل آباد معروف شده است. شیخ خزل در توسعه و آبادانی این محل نقش بسزایی داشته است.
- ۲- در سال ۱۳۱۴ نام خزل آباد به خسرو آباد تغییر داده شده است.

خشت

نام استان: خراسان
فاصله تا نزدیکترین نقطه: مشهد ۱۲۷ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- در خراسان آجر را اعم از پخته و خام خشت می‌گویند و چون تمام بناهای این روستا از خشت ساخته شده است به آن خشت می‌گویند.
- ۲- می‌گویند بعلت اینکه اولین بار خشت در این روستا تولید شده است به این محل نام خشت داده‌اند.

خضرآباد

نام استان: یزد
فاصله تا نزدیکترین نقطه: یزد ۴۸ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- این آبادی را از بناهای خاندان خضر شاهی یزد در قرون هشتم و نهم هجری می‌دانند لذا به نام این خاندان خضرآباد نامیده‌اند.

خلخال

نام استان: اردبیل
نام قدیم: هروآباد
طول جغرافیائی: ۴۸ درجه و ۳۱ دقیقه
عرض جغرافیائی: ۳۷ درجه و ۳۸ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۷۵۰ متر
فاصله تا نزدیکترین نقطه: اردبیل ۱۱۶ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- در لغت به معنی زیورآلات زنانه که پهای می‌بندند و چون زنان در گذشته در این منطقه به پای خود زیورآلات می‌بستند به این نام معروف شده است.
- ۲- بعلت وجود مناظر زیبا و تصاویر گوناگون و تنوع رنگ خال‌خال و بمرور زمان خلخال گفتند.

خمین

نام استان:	مرکزی	نام قدیم:	کمره
طول جغرافیائی:	۵۰ درجه و ۳ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۳ درجه و ۳۸ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۸۱۵ متر	وسعت:	۲۰۲۵ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اراک ۶۵ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- بانی شهر را شهریانو نامی دختر موبد موبدان گفته‌اند که آنرا خمی هن نام داده است.

۲- خمین واژه‌ای است مرکب و اوستای پهلوی که در ابتدا بصورت هومین بوده که بتدریج بشکل امروزی درآمده است هوبه معنی خوب و درست و مناسب و میهن به معنی جایگاه و مکان است لذا معنی لغوی آن سرزمین و جایگاه خوب است.

خمینی شهر

نام استان:	اصفهان	نام قدیم:	همایونشهر - سده
طول جغرافیائی:	۵۱ درجه و ۳۲ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۲ درجه و ۴۱ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۵۹۵ متر	وسعت:	۲۹۲ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اصفهان ۱۶ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- علت نامگذاری سده بر این شهر را می‌گویند که محل برگزاری جشنهای سده و آتش قبل از اسلام است.

۲- همایون شهر به معنی شهر مبارک و شهر خجسته که الهام گرفته از همان کلمه سده است.

۳- پس از انقلاب اسلامی نام شهر به خمینی شهر تغییر یافت.

خوانسار

نام استان: اصفهان
 طول جغرافیائی: ۵۰ درجه و ۱۹ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۳۳ درجه و ۱۳ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۲۲۵۰ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: اصفهان ۱۶۱ کیلومتر
 وسعت: ۹۲۲ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

۱- از کلمه خوان به معنی چشمه گرفته شده است و به معنی سرچشمه می باشد.

خور و بیابانک

نام استان: اصفهان
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: نائین ۲۷۹ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- خور به معنی پیشرفتگی آب دریا در خشکی است در زمانهای قدیم که دریاچه ساوه فلات مرکزی ایران را گرفته بوده است در این منطقه خور ایجاد شده بوده و بعلت اینکه در اطراف این خور صحرای بی آب و علف و دشت لم یزرع کوچکی وجود داشته به خور و بیابانک نامیده شده است.

خور موسی

نام استان: خوزستان
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: ماهشهر ۱۵ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- پیشرفتگی آب دریا در خشکی را خور می نامند و می گویند که بعلت زندگی کردن ناخدایی به نام موسی در کنار این خور به نام وی معروف شده است.

خور موج

نام استان:	بوشهر	وسعت:	۵۳۴۶ کیلومتر مربع
طول جغرافیائی:	۵۱ درجه و ۲۲ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۲۸ درجه و ۳۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۶۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	بوشهر ۸۰ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- پیشرفتگی آب دریا در خشکی را خور می‌نامند و نام خورموج به سبب وجود خور در منطقه که دارای موج و امواج دائمی است به این محل داده شده است.

خوزان

نام استان:	اصفهان	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	خمینی شهر ۱۵ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- بنای این محل را به خوزان پهلوان ایرانی و از گماشتگان کیخسرو نسبت می‌دهند لذا به نام وی خوزان لقب داده‌اند.

خوزستان

نام استان: خوزستان

وجه تسمیه:

۱- خوزان پهلوان افسانه‌ای ایران دربار کیخسرو را از این منطقه می‌دانند لذا به نام وی این محل را خوزستان نامیده‌اند.

۲- خوز به معنی شکر است و خوزستان به معنی محل کشت یا تولید شکر است علت را وجود کشتزارهای نیشکر در این منطقه می‌دانند.

۳- این منطقه را محل زندگی خوزیان می‌دانند.

۴- محل زندگی هوزیان می‌باشد که به هوجستان و اجار در زبان پهلوی نامیده می‌شده است که بعدها به صورت خوزستان بازار درآمده است.

خوسف

نام استان: خراسان

فاصله تا نزدیکترین نقطه: بیرجند ۴۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- خوسف به معنی گودی و پستی است چون این شهر در گودی و پستی قرار دارد به آن خوسف

می گویند.

خوی

نام استان:

آذربایجان غربی

وسعت:

۵۲۵۰ کیلومتر مربع

طول جغرافیائی:

۴۴ درجه و ۵۸ دقیقه

عرض جغرافیائی:

۳۸ درجه و ۳۳ دقیقه

ارتفاع از سطح دریا:

۱۱۸۰ متر

فاصله تا نزدیکترین نقطه:

اورمیه ۱۳۴ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- خوی کلمه‌ای است کردی به معنی نمک که بدلیل قرارگرفتن برکناره‌های دریاچه اورمیه به این شهر

اطلاق شده است.

۲- نام قدیم آن خویه بوده است و اصطلاحی است ارمنی که به مناطق نزدیک باتلاق و دریاچه گفته

می شود.

۳- می گویند در گذشته این شهر دارای معادن فراوان نمک بوده لذا به آن خوی گفته می شده است.

خزرآباد

نام استان:

مازندران

نام قدیم: فرح آباد

فاصله تا نزدیکترین نقطه: ساری ۳۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- بعلت وجود باغهای دلگشا و قصرهای عالی و منظره‌های زیبا که در این مکان وجود دارد آنرا فرح آباد

یا سرای شادمانی نامیده‌اند.

۲- پس از انقلاب به خزرآباد تغییر نام داده‌است زیرا باعث آبادانی این منطقه دریای خزر بوده است.

خورمیز

نام استان: یزد

وجه تسمیه:

۱- اصل آن هرمیز بوده که از بناهای هرمز ساسانی است لذا منسوب به وی هرمیز نامیده شده است.

خداآفرین

نام استان: آذربایجان شرقی

فاصله تانزدیکترین نقطه: اهر ۱۴۶ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- درگذشته بعلت وجود رودخانه ارس ارتباط دوطرف رودخانه مشکل بوده است و هر زمان که پل می‌زدند بر اثر شدت آب پل احداث نمی‌گردید. بر اثر باران و سیلاب شدید سنگهایی از کوه جدا شده و در وسط رودخانه جای گرفت و لذا از این سنگها بعنوان پایه پل استفاده کرده و پل احداث گردید، بهمین لحاظ به آن خداآفرید گفته‌اند و بمرور زمان به خداآفرین تغییر نام داده است.

خزر

نام قدیم: طبرستان - مازندران

وسعت: ۴۲۴۲۰۰ کیلومتر مربع

وجه تسمیه:

۱- دریاچه خزر نام خود را از اقوامی که در شمال این دریاچه ساکن بوده‌اند گرفته است شهر خزران نیز مؤید این مطلب است.

۲- مازندران بعلت همجوار بودن اقوام مزن با این دریاچه و منطقه بدین نام خوانده شده است.

۳- طبرستان بعلت اسکان یافتن قوم تپورها به آن تپورستان و سپس طبرستان گفته‌اند.

۴- طبرستان را بعلت وجود مردمان هیزم‌شکن در جنگلها که از طبر استفاده می‌کردند به این منطقه نام

داده‌اند.

داراب

نام استان:	فارس	نام قدیم:	دارابگرد
طول جغرافیائی:	۵۴ درجه و ۳۴ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۲۸ درجه و ۴۶ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۱۵۰ متر	وسعت:	۱۲۶۱۰ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	شیراز ۲۸۳ کیلومتر		

وجه تسمیه:

- ۱- بنای شهر را به دارابن بهمن نسبت می دهند لذا شهر را به نام وی داراگرد گفته اند.
- ۲- کلمه دار در فارسی بمعنی پرورنده است پس داراب یعنی پرورنده آب علت نامگذاری این شهر بدین نام بعلت فراوانی چشمه های آب گوارا و رودخانه های بسیار می باشد.
- ۳- از بناهای داریوش هخامنشی است و لذا آنرا ملقب به داریوش دارا نام نهادند.

دامغان

نام استان:	سمنان	نام قدیم:	صد دروازه
طول جغرافیائی:	۵۴ درجه و ۲۰ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۶ درجه و ۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۱۷۰ متر	وسعت:	۱۱۴۲۹ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	سمنان ۱۱۱ کیلومتر		

وجه تسمیه:

- ۱- در اصل ده مغان بوده و بعلت کثرت استعمال ه از میان رفته و کم کم الف بجای آن آورده شده است. ده مغان به مکانی گفته می شود که مغان در آن زندگی می کرده اند.
- ۲- ده مغان مکانی است که روحانیون زرتشتی باعث عمران و آبادی آن شده اند.

درگز

نام استان:	خراسان	نام قدیم:	ایبورد - خاوران
طول جغرافیائی:	۵۹ درجه و ۹ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۷ درجه و ۲۸ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۴۸۰ متر	وسعت:	۳۹۲۴ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	مشهد ۲۷۰ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

- ۱- خاوران از واژه خاور گرفته شده است و خاور به مشرق گفته می‌شده است.
- ۲- چون درخت گز در این ناحیه فراوان بوده لذا آنرا بدین نام نامیده‌اند. درگز مخفف درخت گز است.
- ۳- ایبورد تغییر یافته نام باورد است و باورد نیز خود از کلمه پاورت که کلمه‌ای است پهلوی و از قوم پارت یعنی قوم ساکن این منطقه گرفته شده است.
- ۴- پاورد را نام بنیان‌گذار این شهر می‌دانند این شخص را پاوردین گودرز گفته‌اند.

دره شهر

نام استان:	ایلام	نام قدیم:	سیمره
طول جغرافیائی:	۴۷ درجه و ۲۴ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۳ درجه و ۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۷۰۰ متر	وسعت:	۳۸۸۵ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	ایلام ۱۴۵ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

- ۱- سیمره نام زنی عرب بوده و دندانی داشت برآمده تر از سایر دندانها، لشگریان اسلام هنگام عبور از کوهی که در کرمانشاه واقع است به علت قلل مرتفع و برآمده آنرا به نام سن سیمره نامیدند و بعداً سیمره نیز به همین نام موسوم شده است.
- ۲- نام این محل دارا شهر بوده است یعنی شهری که دارا ساخته است به مرور زمان دارا شهر به دره شهر تغییر یافته است.
- ۳- علت نامگذاری شهر را به خاطر احداث شهر در درون دره‌های کوهستانهای مرتفع می‌دانند و بدین لحاظ به آن دره شهر گفته‌اند.

دزفول

نام استان:	خوزستان	نام قدیم:	دژپل
طول جغرافیائی:	۴۸ درجه و ۲۴ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۲ درجه و ۲۴ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۴۳ متر	وسعت:	۸۰۴۰ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اهواز ۱۶۱ کیلومتر		

وجه تسمیه:

- ۱- نام شهر از رودخانه دز مشتق شده و رودخانه نام خود را از قلعه‌ای طبیعی که در سی کیلومتری شمال شهر فعلی قرار دارد گرفته است و دزفول معرب دزپول یا همان دژپل است که به معنی پل کنار دز می‌باشد.
- ۲- دزفول تغییر یافته کلمه دژپل می‌باشد که به معنی قلعه کنار پل بوده است و نام خود را از قلعه حفاظتی کنار پل ارتباطی بین اندامش و روناش گرفته است. محله قلعه امروز نیز در کنار پل قرار دارد و مؤید همین نکته است.

دستگرد

نام استان:	چهارمحال بختیاری	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	شهرکرد ۳۱ کیلومتر
------------	------------------	--------------------------	-------------------

وجه تسمیه:

- ۱- دستگرد تغییر یافته دشت گرد یعنی شهری که در دشت ساخته شده می‌باشد.
- ۲- به معنی آتشدان قریه و یا محل مرکزی قراء اطراف که به لغت آنرا دستگرد نیز می‌باشد.

دشت ارژن

نام استان:	فارس	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	شیراز ۶۶ کیلومتر
------------	------	--------------------------	------------------

وجه تسمیه:

- ۱- این اصطلاح به علت وفور درختان ارژن که همان بادام کوهی است به این منطقه اطلاق می‌شود.
- ۲- ارژن به معنی نقاش است و به علت سرسبزی و خرمی منطقه و زیبایی آن به ارژن یا نقاش تعبیر شده است زیرا کتاب نقاشی مانی را به نام ارژنگ گفته‌اند.

دشت مرغاب

نام استان: فارس

وجه تسمیه:

۱- به علت اینکه در این دشت اردکهای وحشی و سایر مرغهای آبی زیاد وجود دارند آنرا به این نام خوانده‌اند.

دلفان

نام استان: لرستان

ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۸۰۰ متر

طول جغرافیائی: ۴۷ درجه و ۵۸ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۴ درجه و ۵ دقیقه

فاصله تا نزدیکترین نقطه: خرم آباد ۹۲ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- دلفان نام مردی نپاوندی الاصل می‌باشد که در جنگی اسیر گشته و پس از فرار از زندان به لرستان پناهنده شده و این ناحیه را خریداری نموده است و به نام بانی این منطقه و معمر آن دلفان نام داده‌اند.

دلیجان

نام استان: مرکزی

فاصله تا نزدیکترین نقطه: اراک ۱۴۲ کیلومتر

طول جغرافیائی: ۵۰ درجه و ۴۱ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۳ درجه و ۵۹ دقیقه

ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۵۳۰ متر وسعت: ۱۵۸۱ کیلومتر مربع

وجه تسمیه:

۱- به علت قرار گرفتن این محل بر مسیر گاریها و اراهه و درشکه‌ها که در قدیم به آنها دلیجان می‌گفتند که در آن محل وسایل خود را تعمیر می‌کردند نام آنرا دلیجان گذاشته‌اند. همین امر نیز سبب آبادانی آن شده است.

دماوند

نام استان: تهران
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: تهران ۹۵ کیلومتر
 طول جغرافیائی: ۵۲ درجه و ۴ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۵ درجه و ۴۳ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۹۶۰ متر وسعت: ۴۰۷۹ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

۱ - دماوند مرکب از دو جزء می باشد جزء اول دما به ضم اول به معنی پشت و جزء دوم که وند باشد پسوند مکان بوده و به معنی نهادن و واقع شدن و ایستادن است پس دماوند شهر یا آبادی یا قلعه ایستاده در دنبال و پشت را معنی می دهد و می توان گفت که در نامگذاری اینجا را نسبت به شهر ری میزان گرفته اند و بدین علت آنرا دماوند نامیده اند.

۲ - دماوند به معنی همان پشت و یا قلعه ایستاده در دنبال و به این علت که آنرا ناحیه آخر ماد دانسته اند نام داده اند.

۳ - دماوند از دو جزء دما به معنی گرما و وند به معنی مکان یا محل است که به معنی مکان و محل گرم است که به علت وجود چشمه های آبگرم منطقه به این نام خوانده شده است.

دورود

نام استان: لرستان
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: خرم آباد ۸۶ کیلومتر
 طول جغرافیائی: ۴۹ درجه و ۴ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۳ درجه و ۲۸ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۴۵۰ متر
 وجه تسمیه:

۱ - به علت وجود دو رودخانه در منطقه که در نزدیکی شهر قرار دارند به آن دورود گفته شده است.

دهلران

نام استان: ایلام
 طول جغرافیائی: ۴۷ درجه و ۱۰ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۲ درجه و ۴۱ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۲۱۵ متر
 فاصله تازدیگترین نقطه: ایلام ۲۲۸ کیلومتر
 وسعت: ۶۶۷۴ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

- ۱- از دو کلمه ده و لران تشکیل می‌گردد و به معنی مکانی است که لرها در آن اقامت کرده‌اند.
- ۲- قبل از ایجاد شهر این منطقه مرکز اقامت عشایر آبدانان بوده است و با توجه به اقامت طوایف و کوچندگان لر در این منطقه بمناسبت حاصلخیزی زمین به ده لران و سپس دهلران معروف گردیده است.

دیلمان

نام استان: گیلان
 وجه تسمیه:

- ۱- دیلمان منسوب به طوایف دیلم است که در این منطقه ساکن می‌باشند.

دهدشت

نام استان: کهگیلویه و بویراحمد
 نام قدیم: بلاد شاهپور
 وجه تسمیه:

- ۱- ده دشت به معنی ده بزرگ در میان دشت است و بخاطر مرکزیت این منطقه در میان دهات اطراف است.
- ۲- نام قدیم آن بلاد شاهپور است که به معنی شهر شاهپور و از بناهای شاهپور اول می‌باشد.

رامسر

نام استان: مازندران
 نام قدیم: سخت سر
 طول جغرافیائی: ۵۰ درجه و ۴۰ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۳۶ درجه و ۵۴ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۲۱ - متر
 وسعت: ۶۸۸ کیلومتر مربع
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: ساری ۲۵۰ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱ - بعلت وجود سنگ در منطقه و صخره‌های داخل آب به آن سخت سر می‌گفته‌اند.
- ۲ - در سال‌های ۱۳۱۴ الی ۱۳۱۶ نام این شهر از سخت سر به رامسر تغییر یافته است.

رامشیر

نام استان: خوزستان
 نام قدیم: خلف آباد
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: ماهشهر ۴۰ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱ - رامشیر مخفف کلمه رام اردشیر است که از دو بخش رام + اردشیر یعنی شهر اردشیر تشکیل می‌گردد.
- ۲ - رامشیر مخفف کلمه رام + اردشیر است که از دو بخش رام + اردشیر یعنی مکان خوب و خوش اردشیر تشکیل می‌گردد.
- ۳ - مولاخلف از بزرگان مشعشعیان هویزه بر اثر اختلاف با برادر خود با خانواده به این محل آمده و سکنی می‌گزیند لذا به خلف آباد معروف می‌گردد.

رامهرمز

نام استان: خوزستان
 وسعت: ۴۳۱۳ کیلومتر مربع
 طول جغرافیائی: ۴۹ درجه و ۳۷ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۳۱ درجه و ۱۶ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۶۰ متر
 فاصله تانزدیکترین نقطه: اهواز ۱۲۷ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- بنای این شهر را به هرمز بن شاهپور بن اردشیر نسبت می‌دهند لذا به آن رام‌هرمز به معنی شهر هرمز لقب داده‌اند.

۲- از دو جزء رام و هرمز بمعنی رامش و نام هرمز مرکب است.

۳- رامهرمز از دو جزء رام و هرمز مشتق می‌گردد که جزء اول رام به معنی خوش، خدا، فرمانبردار، محل و منزل دانسته‌اند.

۴- از سه قسمت رام - اور مزدا تشکیل می‌گردد که به معنی شهر خدایان است زیرا پیوسته از دو شهر اور مزدا می‌باشد.

رباطات

نام استان: خراسان

وجه تسمیه:

۱- چون در این راه رباطهای زیادی برای اطراق و سکنای افراد کاروانها ساخته بوده‌اند به این ملاحظه مجموعه آبادیهای این منطقه را رباطات عنوان کرده‌اند.

رشت

نام استان: گیلان
 وسعت: ۱۴۸۹ کیلومتر مربع
 طول جغرافیائی: ۴۹ درجه و ۳۶ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۳۷ درجه و ۱۶ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۰ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: تهران ۳۳۹ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- رشت در لغت به معنی دانشمند و فرزانه است و بعلت وجود افراد دانشمند و فکور که از این منطقه برخاسته‌اند به آن لقب رشت داده‌اند.
- ۲- رشت به معنی خاک و گردوغبار ولجن است و علت نامگذاری را آن می‌دانند که در زمان طفیان مرداب انزلی لجن و خاکرودهٔ مرداب تا نزدیکی این شهر منتقل می‌شده است.
- ۳- کلمهٔ رشت در حروف ابجد مجموع ۹۰۰ خواهد داشت که می‌گویند بامرکزیت یافتن رشت در حکومت بیه پس گیلان است.
- ۴- در حروف ابجد کلمهٔ رشت برابر با ۹۰۰ می‌باشد که مربوط به قیام و مراجعهٔ شاه اسماعیل به شهر رشت و زندگی وی برای مدتی در شهر رشت می‌باشد.

رفسنجان

نام استان: کرمان
 وسعت: ۱۱۲۵۴ کیلومتر مربع
 طول جغرافیائی: ۵۶ درجه و ۱ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۳۰ درجه و ۲۵ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۵۱۰ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: کرمان ۱۰۹ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- اصل کلمهٔ رفسنجان، بصورت رفسنگان و یا رفسنگ ذکر شده که معنی لغوی آن مس است و سپس بصورت معرب رفسنجان آمده است. علت این نامگذاری را وجود معادن مس در منطقه ذکر کرده‌اند.

روته

نام استان: تهران
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: تهران ۲۰ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- روته به معنی رود است و رود به زبان فارسی قدیم که زبان رایج روزگار هخامنشیان است روته گفته می‌شده است.

رودان

نام استان: هرمزگان
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۷۹ متر
 طول جغرافیائی: ۵۷ درجه و ۱۲ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۲۷ درجه و ۲۵ دقیقه
 فاصله تازدیکترین نقطه: بندرعباس ۱۱۰ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- بعلت جاری بودن رودهای فراوان در منطقه و مشروب ساختن زمینهای آن بدین نام خوانده می شود.

رودبار

نام استان: گیلان
 وسعت: ۲۷۵۱ کیلومتر مربع
 طول جغرافیائی: ۴۹ درجه و ۲۵ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۳۶ درجه و ۵۱ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۲۵۰ متر
 فاصله تازدیکترین نقطه: رشت ۶۶ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- به سبب وجود رودهای فراوان در این پهنه از سرزمین ایران نام آنرا رودبار نهاده اند که به معنی سرزمین

رودها است.

۲- رود در اوستا به صورت اورود و پارسی باستان روته ذکر شده و بار نیز در زبان پهلوی به کنار رود و

ساحل رودبار می گفته اند لذا معنی لغوی آن به معنی کنار رود و یا ساحل رود است.

۳- در مناطق مختلف کشور شهر و دیه هایی به نام رودبار داریم.

۴- بعلت خرمی و سرسبزی و حیات منطقه که به رودخانه سفید رود وابسته است به رودبار معروف شده

است.

رودسر

نام استان:	گیلان	نام قدیم:	هوسم
طول جغرافیائی:	۵۰ درجه و ۱۸ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۷ درجه و ۸ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۹ - متر	وسعت:	۱۹۸۹ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	رشت ۷۲ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

- ۱ - بعلت اینکه این شهر در پائین رودخانه قرار دارد به آن رودسر یعنی بالا رود گفته‌اند.
- ۲ - گروهی اعتقاد دارند چون در کنار شمالی رودخانه‌ای واقع است به آن رودسر گفته‌اند.

رومشکان

نام استان: لرستان
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: خرم‌آباد ۱۵ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱ - علت نامگذاری این منطقه به رومشکان است این است که در جنگی که بین قوم ایران و لشگریان روم اتفاق افتاده است جنگجویان ایرانی در این محل سربازان روم را شکست داده‌اند و از آن جهت به رومشکان یا روم شکنان مشهور شده است.

ری

نام استان:	تهران	نام قدیم:	رغه
طول جغرافیائی:	۵۱ درجه و ۲۶ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۵ درجه و ۳۶ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۰۶۰ متر	وسعت:	۲۶۹۶ کیلومتر مربع

وجه تسمیه:

- ۱ - بانی شهر را رازین فارسی بن لواسان می دانند.
- ۲ - ری را بنام روی که از فرزندان پیلان اصفهان بن فلوج بن سام بن نوح می باشد خوانده اند.
- ۳ - ری و راز دو برادر بودند که به موافقت یکدیگر اینجا را بنا نمودند شهر را بنام ری و اهالی را راز نام گذاشتند.
- ۴ - ری از ریوند به معنی دارنده، جلال و شکوه گرفته شده است.
- ۵ - ری تغییر یافته نام رگا می باشد و رگا به مناطق مهم در ارتباط با تعلیم و تربیت دینی اطلاق می شده است.
- ۶ - کلمه ری بصورت ری به معنی جلال و شکوه است و حکایت از اهمیت شهر دارد.
- ۷ - ری در لغت به معنی چشمه و آب است و به علت وجود چشمه آب به این نام خوانده شده است.

روانسر

نام استان:	کرمانشاه	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	کرمانشاه ۷۰ کیلومتر
------------	----------	--------------------------	---------------------

وجه تسمیه:

- ۱ - بعثت جاری بودن سرچشمه ای در بالای این بخش بدین نام معروف شده است.

زابل

نام استان:	سیستان و بلوچستان	نام قدیم:	نیمروز - نصرت آباد
طول جغرافیائی:	۶۱ درجه و ۲۹ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۱ درجه و ۱ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۴۸۷ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	زاهدان ۲۶۵ کیلومتر
وسعت:	۸۱۱۷ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- نیمروز به معنی سرزمین جنوبی است و چون این سرزمین در جنوب خراسان واقع است به این اسم نامیده شده است.

۲- زابل از دو قسمت زا + بل به معنی محل زایش بل می باشد بل یکی از خدایان محسوب می گردید.

۳- زابل نام قوم و طایفه ساکن منطقه است که به نام آنان این منطقه را ذکر کرده اند.

۴- نام قدیمی شهر نصرت آباد بوده است و با اتصال نصرت آباد به حسین آباد در سال ۱۳۱۴ نام منطقه به زابل تغییر داده شده است.

زاهدان

نام استان:	سیستان و بلوچستان	نام قدیم:	دزداب
طول جغرافیائی:	۶۰ درجه و ۵۱ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۲۹ درجه و ۳۰ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۳۷۳ متر	وسعت:	۳۸۹۷۵ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۱۶۰۵ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- بعلت وجود اقوام سبک در منطقه و بعلت اینکه آنها بر سر خود دستار می بندند به آن محل زاهدان گفته اند.

۲- در زمان فتحعلی شاه قاجار در منطقه فعلی چاه آبی بوده است که راهزنان در اطراف آن به کاروانها حمله می کردند و چپاول می کردند لذا به آن دزداب می گفتند.

۳- بنا به درخواست تیمسار امان الله جهانبانی در زمان رضاخان بعلت اینکه دزداب نام مطلوبی جهت یک شهر نبوده است دزداب به زاهدان تغییر نام داده شده است.

۴- در سال ۱۲۷۷ هجری شمسی مردی به نام مراد قناتی احداث کرده و در اطراف این قنات و چاه روستایی پدید آمد که دزدان در اطراف آن فعالیت می کردند لذا به آن دزداب می گویند.

زنجان

نام استان:	زنجان	نام قدیم:	شهین
طول جغرافیائی:	۴۸ درجه و ۲۹ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۶ درجه و ۴۰ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۶۶۳ متر	وسعت:	۱۳۸۴۸ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۳۳۰ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

- ۱- نام شهر را از رودخانه زنجان چای گرفته و زنجان نام داده‌اند.
- ۲- زنجان معرب زنگان است.
- ۳- بنای شهر را به اردشیر بابکان داده‌اند و وی این شهر را شهین یعنی شهر شاه نامیده‌اند.
- ۴- زنگ مخفف زرننگ است که به معنی کوهی که بسیار محکم و سخت است که از آن تیر و نیزه می‌سازند.
- ۵- زنگ را سرکوه و قله هم می‌گویند.
- ۶- زنگان محل اسکان بردگان و زنگیان و آنگاه با ورود اعراب معرب شده و به زنجان تغییر شکل داده است.

زواره

نام استان:	اصفهان	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اردستان ۱۵ کیلومتر
ارتفاع از سطح دریا:	۹۷۸ متر		
وجه تسمیه:			

- ۱- زواره معرب اسواره و سواره می‌باشد که به معنی سوار و یا محل سواره نظام است.
- ۲- زواره نام برادر رستم است و چون وی بانی این منطقه بوده است به نام وی نامیده شده است.
- ۳- از دو کلمه زو به معنی دریا و ره به معنی راه که در مجموع راه دریایی است و می‌گویند زواره در کنار دریای ساوه بوده است امروزه بن‌گیره را بندر زواره دانسته‌اند.
- ۴- زواره به معنی آتشکده است و بعلت وجود بقایای آتشکده در مسجد پامنار نامگذاری شده است.
- ۵- بعلت حرکت زوار مشهد از طریق این شهر و جاده آن به زواره یا مکان زوار معروف شده است.

زیدان

نام استان: بوشهر

وجه تسمیه:

۱ - بعلت مدفن زیدبن ثابت و زیدبن ارقم انصاری از صحابه رسول خدا در این منطقه به این نام خوانده

شده است.

۲ - تغییر یافته زیتان است و به معنی روغن است و بعلت اینکه در گذشته یکی از مراکز تولید روغن مرغوبی

بوده است به این نام خوانده شده است.

زوزن

نام استان: خراسان

وجه تسمیه:

۱ - ترکیبی است از دو کلمه زو + زن که به معنی جایگاه خدای طوفان است این شهر از مراکز کهن و

قدیمی شرق ایران محسوب می گردد، علت این نامگذاری را وجود بادهای سهمگین در منطقه ذکر کرده اند.

ساری

نام استان:	مازندران	نام قدیم:	طوسان
طول جغرافیائی:	۵۳ درجه و ۵ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۴۰ متر	وسعت:	۳۹۲۳ کیلومتر مربع
فاصله تازدیدکترین نقطه: تهران ۲۷۷ کیلومتر			
وجه تسمیه:			

۱- علت نامگذاری به طوسان را بانی آن یعنی طوس بن نوذر می دانند.

۲- بنای این شهر را به سارویه پسر فرخان بزرگ از اسپهبدان گاوپاره نسبت می دهند لذا به نام وی ساری نامیدند. سارویه پدر اسپهبد خورشید آخرین فرد خانواده گاوپاره بوده که در جنگ با اعراب شکست خورده و خودکشی کرد.

۳- این محل سارو نام داشته که بمعنی زرده است و علت را وجود درختان پرتغال و انواع میوه ها می دانند. در لهجه ترکی نیز ساری بمعنی زرد می دهد.

ساشند

نام استان: یزد	فاصله تازدیدکترین نقطه: یزد ۱۴۴ کیلومتر
وجه تسمیه:	

۱- هنگامی که شاه عباس از این راه به مشهد مشرف میشد در هر منطقه قنات هایی احداث نموده و چون غالباً آب قنات این صفحات شور بود ولی آب این قنات شیرین برآمد آنرا به ترکی سوغنه نامیدند رفته رفته این کلمه تبدیل به ساغند گردید.

ساوه

نام استان:	مرکزی	وسعت:	۱۰۲۷۹ کیلومتر مربع
طول جغرافیائی:	۵۰ درجه و ۲۰ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۷ درجه و یک دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۹۹۵ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اراک ۱۵۳ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱ - ساوه بر وزن کاوه نام پهلوانی تورانی است که کاموس کشانی نام داشته و او را ساوه شاه گفته تاند و این شهر را از اردوگاه وی دانسته اند.

۲ - نام دریاچه‌ئی بوده که بعلت قرب منطقه به آن به این نام گذاشته اند.

۳ - بعلت وجود معادن طلا و چون به طلای که شکسته و ریزه ریزه ساوه می‌گویند به این منطقه ساوه گفته اند.

۴ - در زمان ساسانیان ایران را به هفت کشور تقسیم کرده بودند و ساوه یکی از این کشورها بود و چون ساوه در مرکز ایران بوده است به نام آن کشور این منطقه را ساوه گفتند.

۵ - ساوه در اصل سد آوه بوده است به معنی سه‌رستاق یا روستای کنار آوه یا آبه بوده است که به‌طور مخفف به مجموع آن ساوه گفته اند.

ساوجبلاغ

نام استان:	تهران	ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۲۵۰ متر
طول جغرافیائی:	۵۰ درجه و ۴۰ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۵ درجه و ۵۷ دقیقه
وجه تسمیه:			

۱ - کلمه هشت‌گرد از دو جزء هشت و گرد به معنی شهر تشکیل می‌گردد اعتقاد بر این است که در گذشته هشت شهر در کنار یکدیگر وجود داشته که از بهم پیوستن آن شهرها هشت‌گرد تأسیس یافته است.

۲ - ساوجبلاغ در زبان ترکی به معنی چشمه‌های سرد است و علت وجود قناتهای دارای آب سرد فراوان

می‌باشد.

سبزوار

نام استان:	خراسان	نام قدیم:	بیهق
طول جغرافیائی:	۵۷ درجه و ۴۳ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۶ درجه و ۱۲ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۹۶۰ متر	وسعت:	۱۹۶۵۱ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه: مشهد ۲۵۳ کیلومتر			
وجه تسمیه:			

- ۱- بیهق معرب بیهه است که بمعنی بهین و بهتر است زیرا بهترین بخشهای نیشابور مرکز استان خراسان بشمار می‌رفته است.
- ۲- سبزوار بمعنی شهر سبز است. این کلمه مرکب از دو جزء سبز و وار می‌باشد که شاید بمناسبت باغهای زیادی که دارد چنین نامیده شده است.
- ۳- بیهق در زبان فارسی به معنی بسیار بخشنده است.

سبلان

نام استان: اردبیل
وجه تسمیه:

- ۱- نام محلی آن ساوالان است که از دو جزء سو و الان تشکیل می‌گردد که به معنی دارای آب است که بمرور زمان به سبلان تغییر نام داده است.

سپیدان

نام استان:	فارس	نام قدیم:	بیضاء
طول جغرافیائی:	۵۱ درجه و ۵۸ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۰ درجه و ۲۱ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۲۲۲۵ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	شیراز ۱۰۰ کیلومتر
وسعت:	۳۳۴۹ کیلومتر مربع		

- ۱- بیضاء از ابیض به معنی سفید مشتق شده است و علت را سفید بودن خاک آن ذکر کرده‌اند.
- ۲- در زمان ورود سپاهیان اسلام به منطقه به علت اینکه دیوارهای قلعه برنگ سفید بوده است به آن بیضاء لقب داده‌اند.
- ۳- سپیدان کلمه‌ای است که تعبیر فارسی بیضاء می‌باشد.

سراوان

نام استان:	سیستان و بلوچستان	نام قدیم:	شستون
طول جغرافیایی:	۶۲ درجه و ۳۵ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۲۷ درجه و ۲۴ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۱۶۵ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	زاهدان ۲۵۲ کیلومتر
وسعت:	۲۵۴۶۴ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱ - اصل کلمه سراوان است به معنی منطقه آب خیز و یا دارای آب فراوان. در سال ۱۳۰۵ هجری شمسی شستون به این نام معروف شده است.

سراب

نام استان:	آذربایجان شرقی	وسعت:	۳۷۷۲ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۴۷ درجه و ۳۴ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۷ درجه و ۵۷ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۶۸۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تبریز ۱۲۹ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱ - سراب به معنی سرا و یاسراه است که به معنی سرآب می باشد و به مرور به سراب تغییر شکل داده است.

سرپل ذهاب

نام استان:	کرمانشاه	نام قدیم:	کاله
وجه تسمیه:			

۱ - از دو بخش سرپل + ذهاب تشکیل میگردد بعلت نزدیکی این شهر به رودخانه زاب به این نام معروف شده است.

سرخ دم

نام استان: لرستان

وجه تسمیه:

۱ - به علت اینکه خاک آن سرخ و قرمز است به آن سرخ دم می‌گویند.

سردشت

نام استان: آذربایجان شرقی

وسعت:

۱۵۱۶ کیلومتر مربع

طول جغرافیائی: ۴۵ درجه و ۳۲ دقیقه

عرض جغرافیائی:

۳۶ درجه و ۹ دقیقه

ارتفاع از سطح دریا: ۱۵۰۰ متر

فاصله تا نزدیکترین نقطه:

اورمیه ۲۵۸ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - کلمه سردشت تغییر یافته نام زرتشت است و اهالی کردستان بر این اعتقاد هستند که این شهر محل تولد

زرتشت بوده است.

سرعین

نام استان: اردبیل

فاصله تا نزدیکترین نقطه: اردبیل ۳۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - سرعین به معنی سرچشمه است و چون دارای آب‌های معدنی فراوانی بوده لذا بدین نام خوانده شده

است.

سروستان

نام استان: فارس

فاصله تا نزدیکترین نقطه: شیراز ۸۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - بعلت داشتن سروهای بسیار زیاد به این نام منسوب شده است.

سقز

نام استان: کردستان
 طول جغرافیائی: ۴۶ درجه و ۱۷ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۳۶ درجه و ۱۴ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۵۰۰ متر
 وسعت: ۸/۸ کیلومتر مربع
 فاصله تانزدیکترین نقطه: سنندج ۱۹۸ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- سه دختر این محل را ساخته‌اند که به ترکی دختر قر می‌شود و در واقع سه قر بوده است که سپس سقز شده است.
- ۲- قوم سکاها به این منطقه آمده و به تجدید بنای این محل پرداختند و به آن نام اسکیت و سپس ساکر دادند و بعد از تحریف سقز گردید.
- ۳- سقز به صمغی است معطر که از درخت بنه می‌گیرند و بعلت رواج این درخت در منطقه بدین نام خوانده شده است.
- ۴- پس از حمله سارگن دوم پادشاه آشور و شکست مآدها در این شهر سکاها ساکن شده و لذا پایتخت خود را به نام ساکر انتخاب کردند اسم سگه - سگزر و سقز نیز از ساکر آن زمان مانده است.

سلطانیه

نام استان: زنجان
 طول جغرافیائی: ۴۸ درجه و ۴۷ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۳۶ درجه و ۲۶ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۷۸۵ متر
 فاصله تانزدیکترین نقطه: زنجان ۳۰ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- منسوب به سلطان محمد خداپسند آدابگر منطقه نام داده‌اند.
- ۲- به این دشت قبلاً قنقواولانگ به معنی شکارگاه شاهین یا چمنزار شاهین می‌گفتند که حکایت از مکانی است جهت گذراندن شکار و ایام تابستان که مورد استفاده سلاطین مغول بوده است.

سلماس

نام استان:	آذربایجان غربی	نام قدیم:	زراوند
طول جغرافیائی:	۴۴ درجه و ۴۶ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۸ درجه و ۱۱ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۳۵۰ متر	وسعت:	۲۸۹۲ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اورمیه ۹۰ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- بعثت وجود مراتع و زمینهای کشاورزی به آن زراوند یعنی ظرف زر و یا منطقه طلایی لقب داده‌اند.

سلیمانیه

نام استان: تهران

وجه تسمیه:

۱- بعثت مورد توجه حکام درگذشته به اصفهانک معروف بوده است.

۲- در سال ۱۳۰۰ عضدالملک به عمران و آبادانی اصفهانک همت گماشت و سپس به نام پسر خود

سلیمان خان آنجا را سلیمانیه نام نهاد

۳- سلیمانیه از مناطق اطراف تهران است.

سمنان

نام استان: سمنان وسعت: ۱۹۹۹۱ کیلومتر مربع
 طول جغرافیائی: ۵۳ درجه و ۲۳ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۵ درجه و ۳۳ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۱۳۸ متر فاصله تانزدیکترین نقطه: تهران ۲۲۸ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- سمنان در اصل سم نان بوده و مشهور است که در زمانی نان شهر به سم آلوده گشته بوده است.
- ۲- زمانی که حضرت رضا (ع) به خراسان میرفته‌اند مردم این شهر برای هر یک از همراهان آن حضرت سه من نان پخته‌اند و بدین ترتیب سه من نان در اثر کثرت استعمال مبدل به سمنان گشت است.
- ۳- سمنان توسط دو تن از پیامبران بنام سیم‌النبی و لام‌النبی فرزندان حضرت نوح (ع) ساخته شده که بعدها به نام سیم‌لام نامیده شد و بر اثر مرور زمان و کثرت استعمال به سمنان تغییر یافته است.
- ۴- می‌گویند ابتدا مردم این شهر قبل از ظهور زرتشت سمنی مذهب بودند و چون مردم این مذهب به مادیات بی‌علاقه بوده و با توجه به اینکه در زبان سمنانی مردم سمنان را سمنی نامیده‌اند لذا بهمین علت سمنان به دیار وارستگان تشبیه گردیده است.
- ۵- سمنان را سمنینا گفته‌اند و بنای آنرا به طهمورث دیوبند داده‌اند و در اثر مرور زمان و کثرت استعمال به سمنان تغییر یافته است.
- ۶- سمنان از کلمه سمن به معنی روغن مشتق شده است زیرا مردم این منطقه گلگه‌دار بوده لذا محصولات دامی و بخصوص روغن در این منطقه تولید می‌شده است لذا منسوب به سمن این محل را سمنان گفته‌اند.
- ۷- سمنان را در ابتدا سکستان یعنی شهر سکاها گفته‌اند که سکستان بعدها سکنان و سپس سمنان شده است.

سمیرم

نام استان: اصفهان وسعت: ۵۲۹۰ کیلومتر مربع
 طول جغرافیائی: ۵۱ درجه و ۳۴ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۱ درجه و ۲۵ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۲۴۶۰ متر فاصله تا نزدیکترین نقطه: اصفهان ۱۶۲ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- چون دارای آب و هوای سرد میباشد لذا نام آنرا سمیرم نهادند زیرا سم بمعنای سرد است و سمیرم بمعنای جای سرد است.
- ۲- بانی آن ناحیه سام بن ارم بوده و سام ارم نام آنجاست و به کثرت استعمال سمیرم شده است.
- ۳- نام ابتدایی آن زمیران به معنای سرد است و جای سرد که بمرور به سمیران و سمیرام و سمیرم تبدیل شده است.
- ۴- بنای شهر را به سمیرامیس ملکه مصر نسبت می دهند لذا به نام وی سمیرام خواندند.
- ۵- بنای شهر را به سام پدر رستم نسبت می دهند.

سنگسر

نام استان: سمنان فاصله تا نزدیکترین شهر: سمنان ۳۰ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- مهدی شهر از نام آخرین امام غایب شیعیان گرفته شده است و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به این نام منسوب شده است.
- ۲- چون در اطراف این محل کوههای سنگی و سخت وجود داشته آنرا سنگسار نامیده اند که به تخفیف سنگسر شده است.
- ۳- در آغاز اسلام این نام را سنگسر بر زبان می رانده اند چه سنگسر و این آبادی از نشیمن های سگان بوده است بنابراین سنگسر تحریف شده سگسر می باشد.
- ۴- این مکان را یکی از مراکز تجمع سکائیان یا قوم کاسی می دانند لذا به آن سگستان و سپس سگسان و سگسر گفته اند.
- ۵- سنگسر به معنی زمین سنگلاخ است و سنگسار نیز می باشد.

سنندج

نام استان:	کردستان	وسعت:	۷۵۷۱ کیلومتر مربع
طول جغرافیائی:	۴۷ درجه	عرض جغرافیائی:	۳۵ درجه و ۱۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۳۷۲	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۵۱۲ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- بعلت قرار گرفتن در دامنه کوه آنرا به کردی سنه گفتند و چون قلعه معتبر و مهمی که از لحاظ نظامی در زمان قدیم دارای اهمیت بسزائی بوده داشته است به سنه دژ معروف شده و کم کم با تحریف نام سنندج بخود گرفته است.

۲- احداث این شهر را به سال ۱۴۰۶ هجری قمری در زمان سلطنت شاه صفی می دانند.

۳- مرکز حکومت سنندج قبلاً در قلعه حسن آباد بوده است.

سوادکوه

نام استان:	مازندران	وسعت:	۲۴۴۱ کیلومتر مربع
طول جغرافیائی:	۵۳ درجه و ۳ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۶ درجه و ۷ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۵۵۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	ساری ۷۰ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- در زمان ساسانیان یکی از منصب‌های عالی دربار پدشخوارگر بوده پدش بمعنای پیش است و خوار از خوردن است و کسی بوده که در حضور شاه و قبل از او خوراک را می خورد و میچشید تا از آلوده به سم نبودن آن اطمینان حاصل کند و ناحیه که حکمرانی آنرا به چنین کسی میدادند آن ناحیه نیز پدشخوارگر نامیده می شد. سوادکوه امروزی نیز قبلاً پدشخوارگر نامداشت و بعد به ترتیب بدشوارگر و حکمران آن بدشوارگر شاه بوده و نام کوهستان آنرا نیز پدشخوار کوه گذاشته اند و سپس اندک اندک فرشواد کوه و بدشوارکوه شده و کلمه فراز ابتدای این کلمه افتاده شواتکوه و سپس سواته کوه و بالاخره سواد کوه شده است.

۲- سواد سیاهی شهر است از دور و چون در پای کوه شهر بنا شده بود و از دور بنظر سیاهی شهر در پای کوه بوده است به آن سوادکوه گفته اند.

۳- سواد کوه نام خود را از کوه سوات که در منطقه می باشد گرفته شده است.

سوسنگرد

نام استان: خوزستان
 نام قدیم: دشت میشان - نهر تیری
 طول جغرافیایی: ۴۸ درجه و ۱۰ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۱ درجه و ۳۳ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۰ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: اهواز ۶۳ کیلومتر
 وسعت: ۵۸۴۴ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

- ۱ - سوسنگرد یا شهر سوسن خود بازمانده نامی ایلامی است که با توجه به کلمه سوسن که مظهر پرستش آناهیتا بوده یادآور دوران پرستش ناهید به روزگار ایلامی و پیش از آن در این سرزمین است و احتمالاً جای یکی از پرستشگاههای ناهید بوده است.
- ۲ - از مناطقی است که به دوران مهرپرستی نسبت داده می‌شود چون کلمه سوسن و یا گل سوسن به نام مادر هستی یعنی آناهیتا می‌باشد. منظور از شهری است که پرستش آناهیتا در آن انجام می‌شده است.
- ۳ - نهر تیری به علت تیره بودن آب رودخانه کرخه نامگذاری شده است.

سولقان

نام استان: تهران
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: تهران ۲۵ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱ - الف و نون در آخر کلمه پسوند مکان و نسبت است باقی کلمه سلوک است و حرف قاف آخر آن نیز بر طبق قاعده تعریف کاف به قاف تبدیل شده است پس اصل کلمه سلوک بوده است و سلوکان نام فارسی کلمه یعنی منسوب به سلوک می‌باشد چنین بنظر می‌رسد که سلوک احتمالاً همان سلوکوس اول معروف به نیکاتر است و از جانشینان اسکندر می‌باشد.
- ۲ - در تواریخ آمده است که سلوکوس در نزدیکی ری شهری ایجاد کرده است که به نام خود سلوکیه گذاشته است.

سیاهکل

نام استان: گیلان

فاصله تا نزدیکترین نقطه: لاهیجان ۲۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- در اصل سیاه کلاه بوده و گویند در زمان سلطنت شاپور ذوالاکتاف سواران دیلمی برای جنگ با سپاهیان رومی حاضر گشته و به علت شجاعت دیلمیان و اسیر نمودن امپراطور از شاپور ذوالاکتاف توقع زیادی کردند و وی نیز از ادای آن حقوق کوتاهی کرده از این جهت سیاه کلاه نام رئیس آن لشکر بوده بالاخره پس از جنگهای زیاد دیلمان را فتح و محل مذکور بنام وی گردید و کم کم سیاه کلاه تبدیل به سیاهکل شد.
- ۲- سیاهکل از دو بخش سیاه + کل تشکیل می گردد و حکایت از تیرگی منطقه و این جایگاه دارد و علت را وجود درختان فراوان و جنگلهای انبوه در منطقه بخصوص ارتفاعات و کوههای آن که بنظر سیاه می رسد لذا به آن سیاهکل می گویند.

سیرجان

نام استان:

کرمان

وسعت:

۱۷۷۹۱ کیلومتر مربع

طول جغرافیایی:

۵۵ درجه و ۴۰ دقیقه

عرض جغرافیایی:

۲۹ درجه و ۲۷ دقیقه

ارتفاع از سطح دریا: ۱۷۳۵ متر

فاصله تا نزدیکترین نقطه:

کرمان ۱۸۱ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- به علت داشتن قناتهای زیاد و از لحاظ وجود معدن و کاریز که در گذشته داشته و چاهها و قنات که به حد وفور هنوز نمایان است آنرا سیرکان نامیدند و سپس اعراب آنرا معرب کرده و سیرجان نامیدند.
- ۲- سیرجان را معرب سیرگان می دانند و بنا را از بناهای اردشیر مدانند و می گویند سیرگان به معنی مکان اردشیر است.
- ۳- سیرجان از بناهای بهمن پادشاه اشکانی است.

سیستان

نام استان: سیستان و بلوچستان

وسعت: ۱۸۱۴۷۰ کیلومتر مربع

وجه تسمیه:

- ۱ - سیستان تغییر یافته نام سکستان است. سیستان را محل زندگی سکاها می‌دانند.
- ۲ - این محل را سجستان نیز گفته‌اند و علت را وجود قبیله‌ای به همین نام می‌دانند
- ۳ - روی ضحاک که در باده‌گساری افراط کرده بود امر داد که شبستان را نزد او گرد آوردند گرشاسب بر آشت و گفت اینجا شبستان ندارد بلکه ضحاک باید بداند این سرزمین را سیورستان (سرزمین مردان) می‌نامند و لغت سیورستان از کثرت استعمال به سیستان تبدیل شده است.

سی سخت

نام استان: کهگیلویه و بویر احمد

فاصله تا نزدیکترین نقطه: یاسوج ۳ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱ - گفته‌اند که چون سی مرد سخت جان از گردنهٔ پربرف دنا در زمستان گذشته و سپس در این منطقه ساکن شده‌اند آنرا سی سخت نامیده‌اند.
- ۲ - سی سخت نام رودی است که از کوه‌های آن منطقه سرچشمه میگیرد و در آن منطقه جاری می‌باشد.
- ۳ - سی سخت بمعنی سنگ سخت و سنگستان است و سی در زبانهای ایرانی بمعنی سنگ است.
- ۴ - در اصل سیم سخت بوده یعنی تختی از نقره که مراد از آن برفهای دائمی دنا بوده است.

سی سنگان

نام استان: مازنداران

فاصله تا نزدیکترین نقطه: نوشهر ۲۷ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱ - می‌گویند زمانی که منوچهر در مقابل افراسیاب مجبور به عقب‌نشینی شده است در جلگهٔ کججور منوچهر برای راه دادن رودخانه و عبور سربازان از جلگه سنگهای جلو رودخانه را برکند لذا به این منطقه سی سنگان لقب داده‌اند.

شادگان

نام استان:	خوزستان	نام قدیم:	دورق
طول جغرافیایی:	۴۸ درجه و ۴۰ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۰ درجه و ۳۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۵ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اهواز ۹۱ کیلومتر
وسعت:	۲۶۹۸ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- دورق معرب سورگ و سورک است که خود کلمه تغییر یافته کلمه سولوک شهر سلوکی است که توسط سولوکوس ساخته شده که ابتدا به سورک و سپس دورگ و آنگاه دورق تبدیل گشته است.

شازند

نام استان:	مرکزی	نام قدیم:	سربند - ادریس آباد
طول جغرافیایی:	۴۹ درجه و ۲۵ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۳ درجه و ۵۶ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۹۲۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اراک ۳۳ کیلومتر
وسعت:	۳۰۵۰ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- با احداث ایستگاه راه آهن که نام کوه نزدیک آنجا را به ایستگاه دادند و شازند نامیده شد ادریس آباد نیز به شازند تغییر داده شده است.

شمیران

نام استان:	تهران	وسعت:	۱۸۵۳ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۵۱ درجه و ۲۶ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۵ درجه و ۴۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۵۰۰ متر		
وجه تسمیه:			

۱- شمی به معنی سرد و ران که در واقع لان بوده گاهی به معنای جا و مکان بکار رفته است و شمیران به معنی سردستان است.

شاهرود

شجره	نام قدیم:	سمنان	نام استان:
۳۶ درجه و ۲۵ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۵۴ درجه و ۵۸ دقیقه	طول جغرافیایی:
سمنان ۱۷۶ کیلومتر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	۱۳۶۶ متر	ارتفاع از سطح دریا:
		سمنان ۱۷۶ کیلومتر	وسعت:
			وجه تسمیه:

۱ - به مناسبت وجود رودشاه که از کوههای اطراف سرچشمه می‌گیرد و در موقع سیلاب دارای آب بوده است لذا شهرکنار آنرا شاهرود گفته‌اند.

۲ - از بناهای محمد صالح خان در زمان فتحعلیشاه قاجار می‌باشد و نام خود را از رودخانه نزدیک خویش گرفته است.

شبستر

ارتفاع از سطح دریا: ۱۴۰۰ متر	آذربایجان شرقی	نام استان:
۳۸ درجه و ۱۱ دقیقه	۴۵ درجه و ۴۱ دقیقه	طول جغرافیایی:
	تبریز ۶۷ کیلومتر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:
		وجه تسمیه:

۱ - ابتدا شاه بستر بوده است که به مرور زمان به شبستر تغییر نام داده است. علت نامگذاری به شاه‌بستر را می‌گویند بخاطر اقامت پادشاهان و حکام در این منطقه و شکار نمودن آنان است.

۲ - از دو بخش شب و بستر به معنی شب ستاره گرفته شده است بعلت وجود آسمان صاف و پر ستاره منطقه به این نام معروف شده است.

۳ - می‌گویند در شمال دریاچه اورمیه رصدخانه‌ای وجود داشته که در این منطقه در هنگام شب ستارگان را رصد می‌نمودند لذا به آن شبستر گفته‌اند.

شورآب

نام استان: خراسان

وجه تسمیه:

- ۱- بعلت شور بودن آب این منطقه به آن شوراب گفته می شود.
- ۲- روستایی بنام شورکاب نیز وجود دارد. در متون بصورت شورک آب درج شده است و می گویند بمناسبت آنکه اندکی آب آن شور است به این نام خوانده می شود.

شوش

نام استان:

خوزستان

ارتفاع از سطح دریا: ۷۱ متر

طول جغرافیایی:

۴۸ درجه و ۱۵ دقیقه

عرض جغرافیایی: ۳۲ درجه و ۱۲ دقیقه

فاصله تا نزدیکترین نقطه: دزفول ۴۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- شوش به لغت قدیم به معنی خوب می باشد بنای این شهر را به هوشنگ پیشدادی نسبت می دهند. می گویند در گذشته دور اهالی منطقه در کبر زندگی می کردند و بعلت اینکه بدستور هوشنگ خانه سازی انجام گرفت به آن شوش یعنی خوب گفته اند.
- ۲- شوش به معنی شاخه های درخت انگور است و بعلت وجود تاکستان در زمان قدیم در این حدود به این نام خوانده شده است.
- ۳- شوش نام خدای بزرگ عیلامیان است لذا به مناسبت اینکه در این منطقه معبدی برای او احداث کرده بودند به نام او نامگذاری شده است.
- ۴- بنای این شهر را به شوش بن سام بن نوح نسبت می دهند لذا منسوب به وی شوش نامیدند.
- ۵- بنای شوش را به سوسن پدر ممنون نسبت داده اند.

شوشتر

نام استان:	خوزستان	وسعت:	۳۵۳۸ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۴۸ درجه و ۵۱ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۲ درجه و ۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۴۳ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اهواز ۹۲ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱ - شوش به معنی خوب و شوشتر به معنی خوبتر است.
- ۲ - نام اصلی شهر شش در بوده است که در واقع منظور شش دروازه است و سپس به شستر و آنگاه به شوشتر تغییر نام داده است.
- ۳ - می‌گویند اصل آن شاه شاتر بوده است که بمعنای شهر شاه بوده است.
- ۴ - روزی هوشنگ پادشاه ایران با جمعی از بزرگان به قصد تفریح و شکار از شوش خارج می‌شود و در کنار رودخانه کارون به راه می‌افتد پس از طی مسافتی صحرای سبز و خرمی توجه وی را جلب می‌نماید و در آن محل توقف کرده و به‌مراهان خود می‌گوید اینجا شوشتر از شوش است شوش به معنی خوب و شوشتر به معنی خوبتر و دستور داد در همان مکان شهر با شکوهی بنا کنند.

شهر بابک

نام استان:	کرمان	وسعت:	۹۷۶۱ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۵۵ درجه و ۹ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۰ درجه و ۸ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۸۴۵ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	کرمان ۲۴۷ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱ - بنای این شهر را بابک پدر اردشیر بابکان مؤسس سلسله ساسانی منسوب می‌دانند لذا به نام وی شهر بابک نامیدند.

شهرضا

نام استان:	اصفهان	نام قدیم:	قمشه
طول جغرافیایی:	۵۱ درجه و ۵۲ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۲ درجه و ۱ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۸۲۵ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اصفهان ۸۲ کیلومتر
وسعت:	۳۸۸۳ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

- ۱ - بنای شهر را به اقوام و طایفه قلغ شاه نسبت می‌دهند و چون این شهر را اقوام شاه ساخته بودند به همین جهت بنام قوم شاه نامیده شد که به تخفیف و بر اثر مرور زمان مبدل به قمشه گردید.
- ۲ - به علت وجود آستان مبارک شاه رضا در شمال شهر به این شهر شهرضا «۱۳۱۴» نام داده‌اند.
- ۳ - کلمه قمشه به معنی مکان پرقات است و دلیل نیز این است که مزارع امروزه نیز توسط قنات مشروب می‌شود.
- ۴ - قمشه تغییر یافته قمشه یا کومه‌شه بوده است کومه به معنی خانه‌ای است از چوب و علف و چون شاهان در این منطقه اطراق کرده به آن کومه‌شه و سپس قم‌شه گفته‌اند.

شهرکرد

نام استان:	چهار محال بختیاری	نام قدیم:	ده کرد
طول جغرافیایی:	۵۰ درجه و ۵۱ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۲ درجه و ۱۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۲۰۶۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۵۵۵ کیلومتر
وسعت:	۳۲۰۳ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

- ۱ - چون طوایف کرد در اینجا زندگی می‌کردند ابتدا به ده کرد و سپس با گسترش آن به شهرکرد نامیده شده است.
- ۲ - ساختمان‌های برای پاسگاه جهت تأمین راه و رفع سایر احتیاجات مسافران در این مکان ساخته شده و چون پاسداران دائمی این پاسگاه را کردها تشکیل می‌داده‌اند و در اطراف آن خانواده‌های آنان تجمع کردند به ده کرد موسوم و بعداً به شهرکرد تغییر نام داده است.

شیراز

نام استان: فارس
 طول جغرافیایی: ۵۲ درجه و ۳۳ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۲۹ درجه و ۳۶ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۵۴۰ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: تهران ۸۹۵ کیلومتر
 وسعت: ۱۰۱۳۵ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

- ۱- شیراز از فرزندان طهمورث دیوبند است که بعلت نام بانی این شهر به نام وی منسوب گردیده است.
- ۲- چون در نزدیک این شهر چراگاههای زیادی بوده و حیوانات شیرده بسیاری داشته از این جهت نام آن را شیراز گفته اند.
- ۳- شیراز از کلمه شیر تشکیل یافته که بعلت نزدیکی به دشت ارژن و داشتن بیشه شیر به این نام خوانده شده است.
- ۴- نام شهر را «شیرازی» که نامی است فارسی می دانند که محل استقرار کارگران تخت جمشید بوده است.
- ۵- می گویند شیراز یعنی شبیه اندرون شیر زیرا از همه نواحی به آنجا خواربار حمل می گردد و از شیراز چیزی به جایی حمل نمی شده است.
- ۶- شیراز در کلمه، گیاهی است که آنرا ریز کرده و با ماست مخلوط کنند و قدری شیر بر آن می ریزند و در مشک یا ظرفی ریخته و چند روزی بگذارند تا ترش گردد و بعد از آن با نان بخورند و بعلت اینکه غذای فوق جزء غذاهای مردم این منطقه بوده به این نام خوانده اند.
- ۷- شیراز را شیر ماست شده آب گرفته می گویند که از غذاهای اصلی چوپانان یعنی ساکنان این دشت بوده است.

شیرکوه

نام استان: تهران

وجه تسمیه:

- ۱- به علت برفگیر بودن قله و پوشیده شدن آن توسط برف که برنگ شیر است به آن شیرکوه می گویند.
- ۲- می گویند قله شبیه شیردرنده ای است که سر بر دست نهاده و خفته است.
- ۳- بعلت صعب العبور بودن و سخت بودن گذشتن از آن به آن شیرکوه لقب داده اند.

صالح آباد

نام استان: ایلام
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: مهران ۵۳ کیلومتر
 ارتفاع از سطح دریا: ۵۸۴ متر
 وجه تسمیه:

- ۱- مقبره امامزاده خاصعلی معروف به صالح از خانواده امام چهارم در این بخش قرار دارد لذا منسوب به وی آنرا صالح آباد می نامند.
- ۲- مقبره امامزاده علی صالح در این بخش قرار دارد لذا منسوب به وی آنرا صالح آباد نام اده اند.

صحنه

نام استان: کرمانشاه
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: کرمانشاه ۶۴ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- معنی کلمه به رنگ چهره و لطافت آن می گویند و بعلت آبادی و خوش آب و هوا بودن منطقه به این نام معروف شده است.
- ۲- صحنه را تغییر یافته نام صدخانیه و سی سر می دانند که تبدیل به سی خانه شده و سپس به صورت سی خانه و سی صحنه و صحنه شده است. صدخانیه به معنی صدچشمه است.

صومعه سرا

نام استان: گیلان
 طول جغرافیایی: ۴۹ درجه و ۱۹ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۷ درجه و ۱۷ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۶- متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: رشت ۲۵ کیلومتر
 وسعت:
 وجه تسمیه:

- ۱- از دو بخش صومعه به معنی دیر و سرا به معنی خانه می باشد و می گویند این نقطه از مراکز مذهبی و رهبانیت در منطقه گیلان بوده است.

طاق بستان

نام استان: کرمانشاه فاصله تا نزدیکترین نقطه: کرمانشاه ۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- به علت وجود سرآب «چشمه» و درختان بسیار به بستان و وجود دو طاق بزرگ و کوچک به طاق بستان معروف گشته است.

طبس

نام استان: خراسان وسعت: ۵۵۴۶۰ کیلومتر مربع

طول جغرافیایی: ۵۶ درجه و ۵۵ دقیقه عرض جغرافیایی: ۳۳ درجه و ۳۶ دقیقه

ارتفاع از سطح دریا: ۶۶۰ متر فاصله تا نزدیکترین نقطه: مشهد ۶۰۲ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- طبس تغییر یافته کلمه طبش می باشد که معنی آن چشمه آبگرم است و علت نامگذاری را وجود آبگرم در منطقه می دانند.

طوق

نام استان: خراسان فاصله تا نزدیکترین نقطه: مشهد ۲۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- بعلت اینکه محل تلاقی راههای مختلف منتهی به مشهد در این منطقه است به این نام خوانده شده است.

طرقبه

نام استان: خراسان فاصله تا نزدیکترین نقطه: مشهد ۱۸ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- از دو کلمه طرق + به یعنی راههای خوب تشکیل شده است و این به آن علت است که راههای این منطقه از دره های سرسبز و خرم عبور می کرده و از نظر امنیتی نیز جهت تردد مردم مشهد بسیار خوب بوده است.

طسوج

نام استان: آذربایجان شرقی

فاصله تا نزدیکترین نقطه: تبریز ۱۰۶ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- طسوج به شهری گفته می شود که دارای دپه‌هایی باشد یا اصطلاحاً دهستان است زیرا استان - رستاق - طسوج از مراحل مختلف مکانهای تجمع بشمار می‌رفته است.
- ۲- طسوج برابر است با طسیگک و این تسیگک و تشیگک یا تش از تقسیمات قبیله است و ایچ و ایگک جای شهر و محل سکونت است و طسوج = تشیگک یعنی جای سکونت تشها که قسمتی از طایفه‌اند.

طوس

نام استان: خراسان

فاصله تا نزدیکترین نقطه: مشهد ۲۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- بعلت اینکه این شهر را از بناهای طوس پسر نوذر می‌دانند به نام وی طوس نامیده‌اند. می‌گویند طوس در زمان کیکاووس عازم جنگ با تورانیان بود لذا این شهر را اردوگاه خود قرار داده و شهری را احداث نموده است که به نام خود طوس خوانده است.

عزآباد

نام استان: یزد فاصله تا نزدیکترین نقطه: یزد ۲۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- به نام بانی آن یعنی عزالدین لنگر که قناتی را نیز در آنجا ساخته است نامگذاری شده است.

عقدار

نام استان: یزد فاصله تا نزدیکترین نقطه: یزد ۲۹۶ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- احداث این شهر را به عقدار از سرهنگان یزدگرد نسبت می دهند لذا به نام بانی آن عقدا نام نهاده اند.

عمارلو

نام استان: گیلان نام قدیم: خرکام

وجه تسمیه:

۱- بعلت کوچ طوائف کرد عمارلو توسط نادر به این نقطه و اسکان این طوائف نام طایفه بر منطقه اطلاق شده و خرکام به عمارلو تغییر نام داده است.

علی آباد

نام استان: مازندران وسعت: ۹۱۲ کیلومتر مربع

طول جغرافیایی: ۵۴ درجه و ۵۲ دقیقه عرض جغرافیایی: ۳۶ درجه و ۵۴ دقیقه

ارتفاع از سطح دریا: ۱۴۰ متر فاصله تا نزدیکترین نقطه: ساری ۱۸۱ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- به علت اسکان خان بزرگ علی محمدخان به علی آباد معروف شده است.

علی صدر

نام استان: همدان

فاصله تا نزدیکترین نقطه: همدان ۷۴ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - علی صدر تغییر یافته کلمه علی سرد یا اعلی سرد است که به معنی خیلی سرد است.

فرحزاد

نام استان: تهران
نام قدیم: برهزاد
وجه تسمیه:

۱- بعثت قرارگرفتن در کنار رودخانه و دامان کوههای شمیران آنرا فرحزاد یعنی کانون فرح و شادمانی معرفی نموده‌اند.

۲- اصل کلمه همان فرهزاد است و فره در زبان پهلوی به معنی شأن و شوکت و عظمت است فرهزاد به مرور به فرحزاد تبدیل شده است.

فریدون شهر

نام استان: اصفهان
نام قدیم: آخوره
طول جغرافیایی: ۵۰ درجه و ۷ دقیقه
عرض جغرافیایی: ۳۲ درجه و ۵۶ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا: ۲۵۳۰ متر
فاصله تا نزدیکترین نقطه: اصفهان ۱۳۹ کیلومتر
وسعت: ۳۱۳۸ کیلومتر مربع
وجه تسمیه:

۱- تغییر یافته نام پرتیکان که به معنی محل با شکوه است و کلمه فریدون نیز به معنی شهر با شکوه و جلال است.

فریمان

نام استان: خراسان
فاصله تا نزدیکترین نقطه: مشهد ۷۵ کیلومتر
طول جغرافیایی: ۵۹ درجه و ۵۱ دقیقه
عرض جغرافیایی: ۳۵ درجه و ۴۲ دقیقه
وجه تسمیه:

۱- از دو کلمه فری + مان تشکیل می‌گردد که فری همان پری است و به معنی پری مانند یا مانند پری است.

۲- واژه‌ای است مرکب از فربا تشدید که ریشه‌ای اوستایی و پهلوی دارد به معنی جلال و شکوه و فری مخفف آفرین از ادات تحسین به معنی ستودن بکار می‌رود مان صیغه امر از فعل ماندن بنابراین فریمان مرکب از دو کلمه فری و مان یعنی با شکوه و جلال بمان معنی می‌دهد.

فسا

نام استان: فارس
 طول جغرافیایی: ۵۳ درجه و ۴۱ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۲۸ درجه و ۵۸ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۳۸۲ متر
 وسعت: ۴۰۲۳ کیلومتر مربع
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: شیراز ۱۶۴ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- فسا از فرزندان طهمورث است و نام این محل از نام او گرفته شده است.
- ۲- از الواح گلی تخت جمشید اینگونه بدست آمده است که سپه یا باشیا شهری آباد بوده است نام سپه یا باشیا بتدریج به فسا تبدیل شده و اعراب آنرا بصورت فسامعرب کرده‌اند که در کل به معنی شهر پارس است.
- ۳- در سابق نام آن پارساگرد بوده که به معنی شهر پارسیان بوده است که مخفف شده به پساو سپس بصورت معرب فساگردیده است.

فلک‌الدین

نام استان: لرستان

وجه تسمیه:

- ۱- در شمالغربی شهر خرم آباد و بر دامنه سفید کوه قرار دارد. مشهور به فلک‌الدین می‌باشد. علت را وجود مقبره‌ای به همین نام که در روستا بوده می‌دانند.

فهلیان

نام استان: فارس

وجه تسمیه:

- ۱- از کلمه فهلو که معرب پهلو و به معنی پهلووان است گرفته شده است و علت را تباری و قدرتی بدنی اهالی منطقه می‌دانند.
- ۲- فهله یا پهله - فهره و فهرج از ریشه کهن بمعنی شهرورستاق و آبادی است.

فیروزآباد

نام استان:	فارس	نام قدیم:	گور
طول جغرافیایی:	۵۲ درجه و ۳۶ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۲۸ درجه و ۵۲ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۳۳۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	شیراز ۱۲۰ کیلومتر
وسعت:	۱۰۷۵۵ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

- ۱- به علت وجود نخجیرگاه و شکارگاه شاهی که گور در آن زیاد بود به گور معروف شده بود.
- ۲- گور را تغییر یافته گرد به معنی شهر می دهند.
- ۳- می گویند عضدالدوله دیلمی جهت شکار به این منطقه آمده و چون کلمه گور به معنی قبر بود و عموماً به آن معنی تشبیه می شد و می گفتند که شاه به گور رفته است دستور داد نام آنرا به فیروزآباد تغییر بدهند این کلمه بعدها معرب گشته و به فیروزآباد تغییر نمود.

فیروزکوه

نام استان:	تهران	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۱۵۰ کیلومتر
طول جغرافیایی:	۵۲ درجه و ۴۶ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۵ درجه و ۴۵ دقیقه
وجه تسمیه:			

- ۱- بنای شهر را به فیروزشاه نسبت می دهند لذا به نام وی فیروز و به علت نزدیکی به کوهستان فیروزکوه لقب داده اند.
- ۲- می گویند محل جنگ و نبرد ایران و توران بوده که چون پیروزی به ایرانیان رسیده است به شادمانی این پیروزی شهری احداث کرده اند که پیروز نامیده شد و بخاطر اینکه کوهها دورادور آنرا احاطه کرده بودند به پیروزکوه و سپس بصورت معرب فیروزکوه شده است.

قائم شهر

نام استان:	مازندران	نام قدیم:	علی آباد - شاهی
طول جغرافیایی:	۵۲ درجه و ۵۱ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۶ درجه و ۲۸ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۴۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	ساری ۲۰ کیلومتر
وسعت:	۶۶۶ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱ - نام این منطقه علی آباد بوده که به مرور بر اثر گسترش شهر در زمان رضاخان به شاهی تغییر نام داده است.

۲ - پس از پیروزی انقلاب به قائم شهر که لقب آخرین امام غایب شیعیان است خوانده می شود.

قائن

نام استان:	خراسان	وسعت:	۱۷۷۲۳ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۵۹ درجه و ۱۲ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۳ درجه و ۴۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۴۴۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	مشهد ۳۸۷ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱ - در اصل گاونین بوده که مخفف گاو آئین می باشد و دلالت بر کشاورز بودن مردمان آن نقطه دارد.

قروه

نام استان:	کردستان	وسعت:	۴۱۸۷ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۴۷ درجه و ۴۸ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۵ درجه و ۱۰ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۷۹۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	سنندج ۸۷ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱ - نام اصلی آن قصلان بوده که به مرور زمان به قروه تغییر یافته است این شهر بدست امان الله خان اردلان

ساخته شده است.

قزوین

نام استان:	تهران	وسعت:	۱۰۹۰۳ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۵۰ درجه	عرض جغرافیایی:	۳۶ درجه و ۱۶ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۲۹۰ متر	فاصله تانزدیکترین نقطه:	تهران ۱۲۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- می‌گویند زمان کسری انوشیروان پادشاه ساسانی هنگام نبرد در این دشت خللی در سپاه کسری ایجاد شد و کسری به زیر دست خود گفت «این کش‌وین» یعنی بدان کنج بنگر و بر اثر این دستور و عمل زیردستان سپاه دشمن شکست خورده و به پاس این پیروزی شهری احداث گردید که کش‌وین نام گرفت.
- ۲- نام کش‌وین یا قزوین بر این ناحیه قرار داده شد و چون در اینجا شهری ایجاد گردید آن را کش‌وین که بمعنای مرز محفوظ است خواندند اعراب پس از معرب کردن آنها قزوین گفتند.
- ۳- نام قزوین را ظاهراً از اسم قوم کاسی گرفته‌اند نام منطقه را کاسپین یعنی محل قوم کاسی گفته‌اند که سپس معرب شده و قزوین نام گرفته است.
- ۴- جهت جلوگیری از حملات اقوام ساکن کوهستان بدستور شاهپور ذوالکثاف دو دژ احداث شده است که دژ بالا و پائین نام داشته و دژ پائین به مرور به دژ پین و دژین و گزوین و سپس کشوین و پس از استیلای اعراب به قزوین تغییر یافته است.
- ۵- قزوین معرب کدوین به معنی جا و مکان انگور است و بعلت دارا بودن تاکستانهای آن ذکر شده است.
- ۶- قزوین را معرب کش‌وین به معنی مرز محفوظ ذکر کرده‌اند و علت را وجود پایگاه نظامی معروف مادها در این منطقه دانسته‌اند.

قصران

نام استان:	تهران	فاصله تانزدیکترین نقطه:	منطقه شمالی و کوهستانی شهر ری باستان
------------	-------	-------------------------	--------------------------------------

وجه تسمیه:

- ۱- قصران جمع قصر است و بعلت کاخها و قصرها ساخته شده فراوان توسط حکام در منطقه به آن معروف شده است.
- ۲- قصران به معنی کوهستان است و نام اصلی آن کوه‌سران بوده که معرب آن قصران شده است.

قصر شیرین

نام استان: کرمانشاه
 وسعت: ۱۹۱۷ کیلومتر مربع
 طول جغرافیایی: ۴۵ درجه و ۳۵ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۴ درجه و ۳۱ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۳۶۰ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: کرمانشاه ۱۹۰ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- می‌گویند در زمان خسرو پرویز به امر وی قصر باشکوهی جهت شیرین با باغات و آب فراوان ساختند در اطراف این باغات رفته رفته شهری کوچک بوجود آمد لذا به علت وجود قصر خسرو پرویز جهت شیرین به نام قصر شیرین معروف شده است کاخ و قصر توسط اعراب ویران گشت.

قلهک

نام استان: تهران
 موقعیت: امروز در شهر تهران قرار دارد
 وجه تسمیه:
 ۱- در گذشته‌های دور این منطقه دارای قلعهٔ مهمی بوده و از آنجا که به قلعه کلاه گفته می‌شد به آن کلاهک و سپس قلاهک و بصورت مخفف قلهک گفته شده است.

قم

نام استان:	تهران	وسعت:	۱۰۹۳۰ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۵۰ درجه و ۵۳ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۴ درجه و ۳۸ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۹۲۸ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۱۴۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱ - بنای قم را به قمسار بن سهراب نسبت می‌دهند لذا به آن منسوب به قمسار قم گفته‌اند.
- ۲ - چون قم در ابتدا جای جمع شدن آب بوده اعراب به آن قم یا قمقمه نام داده‌اند.
- ۳ - در اصل کومه بوده و عبارتی دیگر سرزمین قم قبل از آنکه بصورت شهر در آید محل کوچ گوسفندان و چوپانها محسوب می‌گردیده و کومه‌هایی نیز جهت خود درست می‌کردند این کومه ها کم کم زیاد شده و بصورت ده کوچکی درآمد و به تدریج در اثر مرور زمان و ازدیاد سکنه تبدیل به شهر گشت تا بعد از ظهور اسلام و استیلای عرب به کلمه قم مبدل گشت.
- ۴ - عده‌ای گویند چون ابلیس در این مکان به زانو درآمده و سر تسلیم فرود آورده رسول او را گفت «قم یا ملعون» یعنی برخیز ای ملعون و بدین علت قم را چنین نامیده‌اند.
- ۵ - در ابتدا نام کمیدان و یا کمندان بوده و چهار حرف آنرا بینداختند و بر دو حرف اختصار کردند و گفتند کم و بعد معرب کرده و قم خواندند.
- ۶ - قم در اصل کم بوده و سراسر این جلگه را بهمین نام می‌خواندند و چون اشعرین عرب بودند و شیوه ایشان تحریف و تصرف در صورت الفاظ بیگانه بود کاف را به قاف تبدیل کردند و قم گفتند.
- ۷ - چشمه کب در آن قرار داشت و رودخانه آنرا کب رود گفتند و محل را بمناسبت آن رودخانه کب می‌گفتند که بصورت تحریف آن به قم و قم رود معروف شد.
- ۸ - در زبان عربی به معنی محل جمع شدن آب است و چون آب رودخانه‌ها تیمره وانار و در آن جمع می‌شد و تولید گیاه و سبزه می‌شد به این نام خوانده شد.
- ۹ - روایت است که اهل آن شهر با قائم آل محمد جمع شوند و با او قائم و مستقیم باشند و او را از دل و جان و زبان مدد و نصرت رسانند لذا به آن قم می‌گویند.
- ۱۰ - چون عرب اشعریان به قم آمدند و در اطراف آن به خیمه‌هایی از موی بزول کردند هفت ده ساختند به نامهای ممجان - قزدان - مالون - جمر - سکن - جلینادان - کمیدان چون این هفت ده وسعت یافت و به یکدیگر نزدیک شد به آن کمیدان گفتند و پس از مدتی به اختصار کم و سپس معرب شده قم گفتند.

قمصر

نام استان: اصفهان
فاصله تانزدیکترین نقطه: کاشان ۲۵ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- در اصل قم سر بوده است یعنی محل و مکانی بالاتر از قم که به مرور زمان قمصر شده است و همچنان که کاشان را کاشان قم نامیده‌اند.
- ۲- در اصل کوه سر بوده است یعنی بالای کوه یا درون کوه یا محلی که اطراف و بالای آن کوه است به مرور زمان و با ورود اعراب این کلمه معرب شده و به قم سر و سپس قمصر تبدیل شده است.

قوچان

نام استان: اصفهان
نام قدیم: خوبوشان
طول جغرافیایی: ۵۸ درجه و ۳۰ دقیقه
عرض جغرافیایی: ۳۷ درجه و ۱۷ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا: ۱۲۴۰ متر
فاصله تانزدیکترین نقطه: مشهد ۱۴۵ کیلومتر
وسعت: ۶۸۶۸ کیلومتر مربع
وجه تسمیه:

- ۱- بعلت فراوانی قوچ در منطقه به آن قوچان گفته‌اند.
- ۲- نام منطقه به کوشان معروف بوده است زیرا طایفه کوشانیان «اشکانیان» در این منطقه ساکن بوده‌اند. با ورود اعراب معرب شده و به خوشان و خوبوشان تغییر یافته است.
- ۳- در زمان ناصرالدین شاه قاجار طایفه زعفرانلو به این منطقه کوچ کرده‌اند لذا به آن کوچان و سپس قوچان گفتند.
- ۴- بعلت اینکه مردمی جدی و ساعی و تلاشگر و خوب دارد به آن کوشان و یا خوشان گفته‌اند.
- ۵- در سال ۱۳۱۳ قمری محمد ناصر خان شجاع‌الدوله رئیس طایفه زعفرانلو اراضی فعلی قوچان را بطور رایگان به مردم بخشید و اشخاص را برای ساختمان تشویق نمود چون بنای شهر فعلی قوچان در زمان ناصرالدین شاه قاجار و با کمک محمد ناصر خان زعفرانلو صورت گرفته است به این جهت قبلاً آنرا ناصری گفته‌اند.

- ۶- خوبوشان به شکل خوبوجان و خوچان درآمده است.
- ۷- بعلت اینکه اشک اول این منطقه را بنیان نهاده و یا پایتخت خود قرار داده به نام آساآک یا آشاآک معروف شده است.

قهاب

نام استان: اصفهان

وجه تسمیه:

- ۱- بعلت تأمین آب منطقه توسط کاریز به آن قه + آب و یا قهاب می‌گویند.
- ۲- اهالی این منطقه بعلت خوردن آب کاریز به آن قه + آب و سپس قهاب گفته‌اند.

قهرود

نام استان: اصفهان

فاصله تانزدیکترین نقطه: کاشان ۳۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- بعلت قراگرفتن در سلسله جبال کوه رود اعراب آنرا معرب کرده و قهرود خوانده‌اند.

قصبه

نام استان: خوزستان

فاصله تانزدیکترین نقطه: آبادان ۴۲ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- بعلت اسکان عشیره نصار از ایل کعب شادگان به نام قصبه نصار معروف و بر اثر کثرت استعمال تعریف شده و به قصبه معروف گردید.

قشم

نام استان:

هرمزگان

وسعت:

۱۶۲۸ کیلومتر مربع

طول جغرافیایی:

۵۶ درجه و ۱۶ دقیقه

عرض جغرافیایی:

۲۶ درجه و ۵۷ دقیقه

ارتفاع از سطح دریا: ۱۰ متر

فاصله تانزدیکترین نقطه: بندر عباس ۲۲ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- نام اصلی آن جزیره کشم بوده است که معنی لغوی آن جزیره دراز یا طویل می‌باشد.

کارون

وجه تسمیه:

۱- کلمه کارون تغییر یافته کورنگ است که به گویش بختیاری به معنی کبودرنگ است.

کازرون

نام استان: فارس
 طول جغرافیایی: ۵۱ درجه و ۴۰ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۲۹ درجه و ۳۶ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۸۶۰ متر
 وسعت: ۴۵۴۸ کیلومتر مربع
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: شیراز ۱۵۱ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- می گویند در واقع کوه رزان بوده است که در اثر تحریف کازرون گشته است علت نامگذاری کوه رزان را به علت وفور زر در کوههای اطراف آن می دانند.
- ۲- سه روستا نزدیک بهم نورد - راهبان و دریس است که از بهم پیوستن این سه روستا شهرستان کازرون تشکیل گردیده است.
- ۳- کازرون تغییر یافته نام گازران است مردم این منطقه بعلت اینکه جهت تهیه کتان عموماً پارچه ها را می شسته اند لذا به این نام لقب داده بودند که به مرور گازران تبدیل به گازرون و سپس کازرون گشته است.
- ۴- از نام مکانی در نزدیکی کازرون امروز به نام گازرگاه گرفته شده است که محل گازرکنندگان بوده اند.
- ۵- به آن منطقه کوه رز گفته شده است و رز به معنی انگور و درخت انگور است و لذا به معنی منطقه پوشیده از درخت است.

کاشان

نام استان: اصفهان وسعت: ۹۶۴۷ کیلومتر مربع
 طول جغرافیایی: ۵۱ درجه و ۲۷ دقیقه عرض جغرافیایی: ۳۳ درجه و ۵۹ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۹۵۰ متر فاصله تا نزدیکترین نقطه: اصفهان ۲۰۷ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- کاشان مخفف کی‌آشیان است و علت را وجود چشمهٔ فین می‌دانند که بدستور پادشاهان احداث شده و اطراف آن مسکون گشته است لذا به آن جایگاه و خانهٔ پادشاهان گفته‌اند.

۲- کاشان از کلمهٔ کاشانه گرفته شده است این کلمه به معنی بتخانه و یا معبد و جایگاه جشن و دل‌آزایی است.

۳- کاشان به معنی بت‌خانه است و به معنی نوعی از مسکن است که اسم خاص شهری گردیده است.

۴- بنای شهر را به زبیده خاتون و هارون الرشید خلیفهٔ عباسی نسبت می‌دهند و می‌گویند بدستور وی جهت تعیین نقشهٔ حصار و دیوار شهر جای دیوار را کاه افشانی کردند لذا به آن کاه افشان و به تدریج کاشان گفتند.

۵- کاشان از کلمهٔ کاشو که خدای بزرگ بابلیان بوده است گرفته‌اند و می‌گویند مردم پیرو این خدا بودند لذا به آن کاشو و یا کاشوان و بالاخره کاشان گفته‌اند.

۶- کاشان را از کلمهٔ کاسو یا کاشو گرفته‌اند کاسو قوم و طایفه‌ای است که ساکن این منطقه بود. لذا نام خود را به این منطقه داده‌اند.

۷- قاسان از پسران خراسان و از پادشاهان باستانی است که بانی این شهر می‌باشد لذا منسوب به وی آنرا قاسان و سپس کاسان و کاشان گفته‌اند.

۸- محل ایجاد کاشی و سرامیک و یا خشت پخته لعابدار را در این منطقه می‌دانند لذا به همان نام کاشی اینجا را کاشان گفته‌اند.

۹- منازلی که در تابستان از چوب و نی ساخته‌اند کاشان گفته می‌شود. بعلت هوای گرم و ایجاد اینگونه منازل در تابستان به این ناحیه کاشان گفته‌اند.

۱۰- کاشان از کلمه‌ای سامی به معنی شیشه و چینه «کاشی» گرفته شده است.

۱۱- قاسان نام رودخانه‌ای است که به آن کاسه گفته می‌شد که مرور زمان به کاشان تغییر نام داده است.

کاشمر

نام استان:	خراسان	نام قدیم:	ترشیز
طول جغرافیایی:	۵۸ درجه و ۲۷ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۵ درجه و ۱۱ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۰۵۲ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	مشهد ۲۴۱ کیلومتر
وسعت:	۱۳۲۸۵ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

- ۱- در اصل تراز شش بود. یعنی آبی که بسمت ترشیز آمده در مقسمی بر شش بخش تقسیم می شده از اینرو شش تراز و بعد تراز شش گفته اند سپس مخفف گشته و بشکل ترشیز در آمده است.
- ۲- ترشیز از نام شش تراز گرفته شده است که نام بزرگترین رودخانه منطقه است.
- ۳- نام این شهر از روستایی در ۴۲ کیلومتری کاشمر امروز گرفته شده است زیرا نام آن کاشمر بوده است که بعدها به کاشمر تبدیل شده است.
- ۴- در این محل پارچه های کشمیری بافته می شده است لذا به آن کاشمر گفته و سپس نام محل بر شهر ترشیز گذاشته شده و لذا به آن کاشمر و کاشمر گفته اند.

کاغذکنان

نام استان:	فارس	نام قدیم:	خونج
وجه تسمیه:			

- ۱- به علت اینکه در آنجا کاغذ خوب درست می کردند به این نام معروف شده است.
- ۲- خونج به معنی خانه و محل زندگی است.

کامرانیه

نام استان:	تهران	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	امروز منطقه ای از شهر تهران است
وجه تسمیه:			

- ۱- به علت قرار داشتن عمارت ییلاقی کامران میرزا در آن محل به این نام معروف شده است.

کبودر آهنگ

نام استان: همدان
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۶۷۵ متر
 طول جغرافیایی: ۴۸ درجه و ۴۳ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۵ درجه و ۱۲ دقیقه
 فاصله تانزدیکترین نقطه: همدان ۶۲ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- علت وجود نهرهای متعدد آب و برکه‌های وجود داشته و کبوتران که از هر طرف به این سو و آن سو روان بوده اند لذا کبوتر آهنگ گفته شده است.
 ۲- در زبان ترکی رایج به این محل کورنگ به معنی نهرهای آب می‌گویند.

کرج

نام استان: تهران
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۳۶۰ متر
 وسعت: ۵۸۳۰ کیلومتر مربع
 فاصله تانزدیکترین نقطه: تهران ۳۵ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- کرج به بنا و ساختمانی که در کنار شکافی که رودخانه احداث کرده باشد می‌گویند و به علت اینکه رودخانه شکاف در زمین احداث کرده به اطراف آن کرج گفته‌اند.

کردکوی

نام استان: مازندران
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۳۶۰ متر
 طول جغرافیایی: ۵۱ درجه
 عرض جغرافیایی: ۳۵ درجه و ۴۹ دقیقه
 وسعت: ۵۸۳۰ کیلومتر مربع
 فاصله تانزدیکترین نقطه: تهران: ۳۵ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- بعلت استقرار اکراد و سربازان کرد در این منطقه ابتدا کرد محله و سپس که توسعه یافته است به آن کردکوی گفتند.

کرگانرود

نام استان: مازندران
فاصله تانزدیکترین نقطه: هشتپنر ۱۱ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱- پس از قیام مختار اهالی کرکوک که در سپاه یزید در کر بلا حضور داشتند از انتقام‌گیری مختار وحشت نموده و به این منطقه فرار کرده و محل اسکان آنان را کرگان و سپس به مناسبت عبور رودخانه از آن حوالی به آن کرگانرود لقب داده‌اند.

کرمان

نام استان: کرمان
وسعت: ۴۸۷۹۷ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی: ۵۷ درجه و ۵ دقیقه عرض جغرافیایی: ۳۰ درجه و ۱۷ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا: ۱۷۵۵ متر
فاصله تانزدیکترین نقطه: تهران ۱۰۶۴ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱- اصل کلمه را کرمان گفته‌اند که اعراب آن را جرمان و لاتین به آن ژرمن گفته‌اند. گروهی بر این عقیده هستند که محل زندگی اولیه قوم ژرمن در این ناحیه بوده است و حتی شهداد را پایتخت آنها ذکر کردند.

۲- کرمان را منسوب به کرم هفتواد و کرم مقدس می‌دانند و کرمان به معنی محل و مأوای کرم است.

۳- بنای شهر کرمان را به کرمان بن هیتال بن ارفحشد سام بن نوح نسبت می‌دهند.

۴- بنای کرمان را به کرمان پسر فارس پسر پهلوی و نوه کیومرث نسبت می‌دهند.

۵- کرمان را محل زندگی کریمان پدر نریمان جد رستم می‌دانند لذا منسوب به وی این منطقه را کرمان نام نهادند.

۶- کرمان از دو کلمه کار + مان به معنی محل جنگ و نبرد و یا جایگاه رزمندگان و رزم‌آوران تشکیل می‌گردد.

۷- گواشیر نام دیگر کرمان است که مخفف گور اردشیر است و به معنی شهر اردشیر می‌باشد.

۸- می‌گویند به مناسبت اینکه آغا محمد خان دو هزار نفر را کور کرد این شهر را شهر کوران نام نهادند.

۹- بنای کرمان را به کرمان بن فلوج بن لطنی بن یافث بن نوح نسبت می‌دهند.

کرمانشاه

نام استان: کرمانشاه
 وسعت: ۷۶۶۶ کیلومتر مربع
 طول جغرافیایی: ۴۷ درجه و ۷ دقیقه عرض جغرافیایی: ۳۴ درجه و ۱۹ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۳۲۲ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: تهران ۵۲۵ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- بانی این شهر بهرام چهارم «۳۸۸-۳۹۹ م» پادشاه ساسانی است که مدت‌ها شاه کرمان بوده است و لقب کرمان شاه داشته است می‌دانند به همین لحاظ به آن کرمانشاه گفته‌اند.

کلات

نام استان: خراسان
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: مشهد ۱۲۰ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- هر شهر و حصاری که بر بالای کوه و پشته بلند ساخته باشند کلات باکرات گویند و کلات نادر را ناردشاه افشار آبادان ساخته و عمارتی بنام خورشید به فرمان وی در آنجا بنا شده که اکنون مشرف بر خرابی است.

کنار پیر

نام استان: خوزستان
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: شوشتر ۱۵ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- کنار همان سدر است و به علت وجود درختان تنومند کنار گهنسال به این نام خوانده می‌شود.

کندوان

نام استان: آذربایجان شرقی
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: تبریز ۵۲ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- کند به معنی ده و اووان به معنی سنگ است لذا به آن ده سنگی گفته‌اند.

کنگ

نام استان: هرمزگان
فاصله تا نزدیکترین نقطه: بندر عباس ۲۶۵ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱- کنگ عمارت عالی و باشکوه را گویند و چون در زمان قدیم در مابین بنادر خلیج فارس دارای عمارات بهتر و مطلوبتر بوده است به این نام معروف شده است.

کنگاور

نام استان: کرمانشاه
نام قدیم: قصرالصوص
طول جغرافیایی: ۴۷ درجه و ۵۷ دقیقه
عرض جغرافیایی: ۳۴ درجه و ۳۰ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا: ۱۴۶۷ متر
فاصله تا نزدیکترین نقطه: کرمانشاه ۹۶ کیلومتر
وسعت: ۵۹۶ کیلومتر مربع
وجه تسمیه:

۱- کنگ در زبان فارسی عمارت عالی و باشکوه است و کنگاور یعنی به خوبی مانند کنگ است.
۲- پس از ورود سپاهیان اعراب در کنار عمارات کنگور این سپاهیان مورد دستبرد و دزیده شدن اسبهای خود قرار گرفته‌اند لذا به آن قصرالصوص یا قصر دزدان گفته‌اند.

کوشک دشت

نام استان: تهران
فاصله تا نزدیکترین نقطه: تهران ۲۱ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱- همان لواسان کوچک است که به دلیل قرار گرفتن کوشک خلیفه و کوشک علی کامه به این نام معروف شده است.

کوچصفهان

نام استان: گیلان

نام قدیم:

فاصله تا نزدیکترین نقطه: رشت ۲۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- اردشیریه در سفر شاه عباس به گیلان به علت زیبایی و سرسبزی کوچک اصفهان لقب گرفت و به مرور

زمان به کوچصفهان تغییر نام داد.

کوهبنان

نام استان: کرمان

فاصله تا نزدیکترین نقطه: کرمان ۱۶۸ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- به علت وجود ارتفاعات و اینکه مرز ایالت کرمان بوده است به دستور حاکم کرمان نگاهبانانی بر روی

کوه گماشته شده‌اند لذا به این محل کوه بانان یعنی نگاهبانان کوه و به مرور کوهبنان لقب داده‌اند.

۲- کوهبنان به معنی کوهستان است و تغییر یافته کلمات کونبات - کهستان - کستان - کوهستان است.

کوهپایه

نام استان: اصفهان

فاصله تا نزدیکترین نقطه: اصفهان ۲۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- کوهپایه همان قهپایه عربی است که به معنی محکم و استوار می‌باشد. علت را قرار گرفتن در دامنه کوه

و حفاظ بودن شهر می‌دانند.

کهگیلویه و بویر احمد

مرکز: یاسوج

وسعت: ۱۴۲۶۱ کیلومتر مربع

وجه تسمیه:

- ۱- کهگیلویه به معنی کوه گیلو می‌باشد و بویر احمد اشتقاق از کلمه طایفه باوی و کلمه بوابمعنی پشت بام و سقف جام و یاریشه آن از کلمه مرکبى - ره - مد یعنی چشمه‌ای که در راه ماد واقع است.
- ۲- گیلویه نام یکی از مردم اصطخر است که در این منطقه ساکن شد لذا این سرزمین را به نام او خوانده‌اند.
- ۳- کوه گیلویه به معنای کوه شاهان است و یا کوهستان کیان.
- ۴- گیلویه به معنی زالزالک وحشی است و علت را وجود زالزالک فراوان در منطقه می‌دانند.

کوشه علیا

وجه تسمیه:

- ۱- کوشه مخفف کوشک است به معنی قصر و کاخ و علیا به معنی بالا و یاده می‌باشد لذا کوشه علیا یعنی قصر بالا.

که ویگار

نام استان: کردستان

فاصله تا نزدیکترین نقطه: بانه ۱۸ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- به معنی گذرگاه کبک است و چون دارای کبک فراوان می‌باشد به این نام خوانده شده است.

کیش

نام استان:	هرمزگان	وسعت:	۹۱ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۵۴ درجه	عرض جغرافیایی:	۲۶ درجه و ۳۶ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۴۵ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	بندر عباس ۳۰۰ کیلومتر
وجه تسمیه:			

- ۱- ساکنین اولیه این جزیره از شهر باستانی کیش در بابل می‌باشند و می‌گویند تعدادی از اهالی آن شهر به این جزیره کوچ کرده و در این جزیره سکنی گزیده‌اند.
- ۲- می‌گویند پسر بیوه فقیری موسوم به قیس از شدت فقر و تنگدستی با گربه خود سوار کشتی شده به هندوستان می‌رود بدلیل وجود بیماری طاعون موش در آن دیار زیاد گشته بود لذا پسر گربه خود را بکار برده و بدین صورت خلعت و انعام می‌یافت سپس به سیراف برگشته مادر و برادران را به جزیره‌ای برد و در آنجا ساکن گردیدند لذا به نام وی آنجا را قیس گفته که به زبان فارسی کیش می‌باشد.
- ۳- بنای آنرا به قیس بن عماره نسبت می‌دهند لذا قیس گذاشته و سپس کیش شده است.
- ۴- در فارسی کیش به معنی ترکش یا جعبه تیر است و چون جزیره مخروطی شکل و شبیه ترکش می‌باشد به نام کیش خوانده می‌شود.

گاماسیاب

وجه تسمیه:

۱- گام به معنی بزرگ و مای به معنی ماهی و سی آب یعنی رودخانه بزرگ لذا نام گاماسیاب به معنای رودخانه ماهیهای بزرگ است.

گچساران

نام استان: کهگیلویه و بویر احمد
 نام قدیم: دوگنبدان
 طول جغرافیایی: ۵۰ درجه و ۴۶ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۰ درجه و ۲۶ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۷۲۰ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: یاسوج ۱۳۱ کیلومتر
 وسعت: ۳۶۲۱ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

- ۱- گچ که به معنای گچ است و ساران نیز پسوند تشبیه است لذا به معنی شیه گچ می باشد و علت را وجود زمینها و خاک سفید منطقه یا وجود معادن گچ در اطراف شهر می باشد.
- ۲- دوگنبدان به معنی دوبنای مرتفع می باشد و علت را وجود دو تپه و یا کوه در اطراف این شهر می دانند.
- ۳- از دو کلمه گچ و ساران یا همان گچسا تشکیل شده است که به معنی گچ خیز یا محلی که به رنگ و شیه گچ و سفید است و این به علت رنگ خاک محل فوق می باشد.

گچسر

نام استان: تهران
 نام قدیم: کرج ۶۵ کیلومتر
 طول جغرافیایی: ۵۱ درجه و ۱۹ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۶ درجه و ۶ دقیقه
 وجه تسمیه:

- ۱- از دو جزء گچ و سر تشکیل یافته است که سر به معنی رأس و دماغه و کوه است و چون در این محل معدن گچ فراوان است به آن گچ سر یا کوه گچ گفته اند.

گرگان

نام استان:	مازندران	نام قدیم:	استرآباد
طول جغرافیایی:	۵۴ درجه و ۲۶ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۶ درجه و ۵۰ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۶۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	ساری ۱۳۷ کیلومتر
وسعت:	۲۸۸۵ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- استر به معنی قاطر و چهارپا است و می‌گویند محل قرق اسب و استر گرگین میلاد حاکم مازندران بوده است لذا به آن استرآباد لقب داده‌اند.

۲- استر به معنی ستاره است و مربوط به دورانی است که ستارگان مورد توجه قرار می‌گرفتند و لذا در این مکان رصدی وجود داشته که به نام ستارگان، ستاره‌آباد معروف بوده است.

۳- بنای شهر را به گرگین میلاد نسبت داده‌اند لذا به آن گرگان گفته‌اند که گرگان از گرگین گرفته شده است.

۴- بنای شهر را به استر زن خشایار شاه نسبت می‌دهند لذا به آن استرآباد گفته‌اند.

۵- نام آن شهر را به یونانی زادراکار تا گفته‌اند که از دو واژه زادرا و کارتا ترکیب شده است زادرا مصحف ساترا یعنی ستاره و کارتا به معنی آباد است.

۶- هیرگان از ویرگان تعریف شده است و ویرگانا در فرس قدیم به معنی گرگ است و می‌گویند در اوایل سلطنت سلاطین کیان چون اهالی هیرگانی تابع سلطنت کیان بودند از سلاطین مازندران تمکین نمی‌نمودند بنابراین اهالی مازندران از روی استخفاف آنها را گرگان گفته و شهر گرگان به همین مناسبت نام یافته است.

گیلان غرب

نام استان:	کرمانشاه	وسعت:	۱۸۲۷ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۴۵ درجه و ۵۵ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۴ درجه و ۸ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۸۱۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	کرمانشاه ۱۵۳ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- داشتن آب و هوای شبیه گیلان همراه با سرسبزی و خرمی منطقه و به واسطه واقع شدن در غرب کشور به گیلان غرب معروف شده است.

گرمسار

نام استان:	سمنان	نام قدیم:	خوار - قشلاق
طول جغرافیایی:	۵۲ درجه و ۱۸ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۵ درجه و ۱۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۸۴۶ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	سمنان ۱۱۸ کیلومتر
وسعت:	۸۶۹۹ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

- ۱ - به معنی محلی با هوای گرم است. نام قدیم آن قشلاق است که به معنی گرمسیر می‌باشد.
- ۲ - در گذشته دور به آن خوار گفته می‌شده است که خوار به معنی درخشیدن و از نامهای خورشید و ماه است و به علت وجود گرمای مناطق کویری و حاشیه آن به معنی درخشندگی است و گرمای زیاد، نام امروزه گرمسار نیز همان معنی قدیم را تداعی می‌کند.
- ۳ - خوار به معنی سرزمین خورشید درخشان و یا ماه تابان نام نهاده شده است و اسم فعلی گرمسار نیز تا اندازه‌ای با این معنی و مفهوم مطابقت دارد زیرا هوای رقیق بدون رطوبت در شب باعث درخشندگی نور ماه و وجود ستارگان و در روز درخشندگی خاص آفتاب است لذا به آن خوار گفته‌اند.

گلپایگان

نام استان:	اصفهان	وسعت:	۱۵۹۹ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۵۰ درجه و ۴۷ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۳ درجه و ۲۷ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۸۳۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اصفهان ۱۹۰ کیلومتر
وجه تسمیه:			

- ۱ - گلپایگان را در اصل ورد پایگان گفته‌اند که ورد گل سرخ و پات به معنی نگهبان است و به خاطر وجود باغات گل در منطقه به این نام معروف شده است.
- ۲ - بنای این شهر را به همای دختر بهمن نسبت می‌دهند شهر بنا شده را سفره نام گذاشته و بعدها دختری به نام گلپای آن را مرمت کرده لذا به آن گلپایگان نام داده‌اند.
- ۳ - اصل کلمه را ورتپا تگان به معنی شهر یا سرزمین ورتپات بوده که یکی از اسامی ایرانیان است و به تدریج ورتپات تبدیل به وردپات و وردپاذ و گردپاز و گلپاد و سرانجام گلپای شده است و گان دیگر به معنی مکان است.

گلستان کوه

نام استان: اصفهان

فاصله تا نزدیکترین نقطه: خوانسار ۸ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - به علت وجود گلستانهای فراوان و گلهای قرمز لاله گون «لاله سرنگون» به این نام خوانده شده است.

گمیشان

نام استان: مازندران

فاصله تا نزدیکترین نقطه: بندر ترکمن ۱۸ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - به علت وجود گاومیشهای زیاد در منطقه به آن گاومیش و سپس به صورت مخفف گمیش و به علت وجود تپه‌های زیاد به آن گمیش تپه گفته‌اند.

۲ - چون در تپه‌های این محل ترکمانان سکه‌های نقره‌ای پیدا می‌کرده‌اند لذا آن را گمیش تپه یعنی تپه نقره‌ای نام داده‌اند.

۳ - می‌گویند روزی پسر پادشاه خزر از دریا بیرون آمده و اتفاقاً بر روی تپه‌ای گاومیش زیبایی را دیده و تصمیم به گرفتن آن می‌کند ولی گاومیش از دست وی فرار می‌کند پسر پادشاه تصمیم می‌گیرد که برای گرفتن این گاومیش دام بگستراند با عدم موفقیت در این کار از پدر خود کمک می‌خواهد و بنا به دستور وی دریا بالا آمده و تپه را فرا می‌گیرد و مقدار تخم درختان جنگلی بر تپه می‌ریزد. تپه از درختان زیبا و سبز پوشیده می‌شود و علف نرم و با طراوتی بر زمین می‌روید با این حیله گاومیش به چنگ پسر پادشاه خزر در می‌آید و وی را کشته و پاره پاره کرده و در این محل دفن می‌کنند پس از این ماجرا گروهی از طایفه کاسین‌ها در آنجا اقامت کرده و شهر گاومیش تپه را بنا می‌کنند.

گوراب

نام استان: گیلان

وجه تسمیه:

۱ - گوراب در لغت به معنی شهرک و روستای مرکزی و پای ارک است و به مناطقی اطلاق می‌شده است که تختگاه فرمانروا و معرن آب باشد به مانند گوزاب ملایر و گوزاب زر میخ و غیره در گیلان.

گناباد

نام استان: خراسان
 وسعت: ۹۷۱۵ کیلومتر مربع
 طول جغرافیایی: ۵۸ درجه و ۴۱ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۴ درجه و ۲۱ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۱۰۵ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: مشهد ۲۸۴ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- بنای شهر را به گیو پسر گودرز از سرداران ایرانی در شاهنامه نسبت می دهند لذا این شهر را منسوب به وی گیو آباد نام نهاده اند که به مرور زمان به گناباد تغییر یافته است.

۲- گون نام گیاهی که از آن کیترا می گیرند و چون در اطراف این شهر گون فراوان است به آن گون آباد گفته اند که به تحریف به گناباد تغییر یافته است.

۳- علت وجود منازل گنبددار که در کویر و مناطق گرمسیری ساخته می شده است به آن گنبد آباد و سپس گناباد گفته اند.

۴- به آن گن آباد گفته اند گن به معنی قنات عمیق است لذا گن آباد یعنی منطقه ای که دارای قناتهای عمیق است.

۵- گناه آباد بوده است می گویند این محل جهت تبعید گناهکاران احداث شده است لذا به صورت مخفف گناباد نوشته اند.

۶- به آن گون آباد گفته اند در ترکی گون به معنی خورشید است و به علت درخشندگی خورشید به این نام معروف شده است.

۷- اعراب به آن جنابد گفته اند.

گنبد کاووس

نام استان: مازندران
 نام قدیم: جرجان - گنبد قابوس
 طول جغرافیایی: ۵۵ درجه و ۱۰ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۷ درجه و ۱۵ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۴۵ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: ساری ۲۳۰ کیلومتر
 وسعت: ۱۵۶۴۳ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

۱- به علت وجود آرامگاه قابوس بن وشمگیر به آن گنبد کاووس گفته اند.

لار

نام استان:	فارس	نام قدیم:	لاد
طول جغرافیایی:	۵۴ درجه و ۱۷ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۲۷ درجه و ۱۴ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۸۰۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	شیراز ۳۵۸ کیلومتر
وسعت:	۲۷۰۰۰ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- لار تحریف شده لاد است. لاد به معنی قلعه و دژ است و احتمال می‌دهند که یکی از قلاع مهم منطقه پارس بوده است.

لاله چین

نام استان:	همدان	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	همدان ۲۵ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- همراه با حمله مغول به ایران گروهی از اهالی این منطقه به زور و با به میل خود به چین رفته و در مراجعت صنعت سفالگری را همراه خود آورده‌اند لذا به محل استقرار آنها لعل چینی و لاله چینی یا لاله‌چینی و در نهایت لاله چین گفته‌اند.

۲- لالچین در لغت به معنی ظروف سفالی است و به علت تولید ظروف سفالین در این منطقه به این نام معروف شده است.

لاهیجان

نام استان:	گیلان	وسعت:	۱۴۲۸ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۵۰ درجه	عرض جغرافیایی:	۳۷ درجه و ۱۲ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۲ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	رشت ۴۱ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- بنای شهر را به لاهج بن سام بن نوح نسبت می‌دهند لذا به آن لاهیجان گفته‌اند.

۲- لاه به معنی پارچه ابریشمی سرخ است و لاهیجان در اصل لاهیگان بوده است یعنی شهر ابریشم در زبان پهلوی نیز لاهیجان به مکان ابریشم معنی شده است لاهیگان را نیز به معنی جای ابریشم بافان گفته‌اند.

لردگان

نام استان:	چهار محال بختیاری	نام قدیم:	لردجان
طول جغرافیایی:	۵۰ درجه و ۴۵ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۲ درجه و ۲۵ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۷۰۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	شهر کرد ۱۷۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- لردگان در لغت به معنی محل و مکان زندگی لرها می‌باشد.

لشکرک

نام استان:	تهران	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۱۰ کیلومتر
------------	-------	--------------------------	------------------

وجه تسمیه:

۱- لشکرک در لغت به معنی لشکرگاه و محل استقرار لشکر است.

لنجان

نام استان:	اصفهان	نام قدیم:	زرین شهر - ریز
طول جغرافیایی:	۵۱ درجه و ۲۳ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۲ درجه و ۲۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۷۰۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اصفهان ۴۱ کیلومتر
وسعت:	۱۴۹۳ کیلومتر مربع		

وجه تسمیه:

۱- لنج به معنی سدر و گیاه نوشته شده است و لنجان به معنی منطقه پر از گیاه است.

۲- به علت وجود کشتزارهای گندم و شالیزارهای برنج و باغهای سرسبز و خرم به آن زرین شهر گفته‌اند.

۳- شهر ریز کهن به علت وجود زاینده رود که به زرین رود معروف بوده است به زرین شهر تغییر نام

داده است.

لنگرود

نام استان: گیلان
 وسعت: ۱۸۸ کیلومتر مربع
 طول جغرافیایی: ۵۰ درجه و ۱۰ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۲۷ درجه و ۱۱ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۲۱ - متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: رشت ۵۶ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱ - لنج رود بوده است که به معنی گیاه کنار رود است لذا بعدها که ج به گک تبدیل شده به لنگرود معروف شده است.

۲ - لنجرود بوده و به معنی رودخانه‌ای که محل توقف لنج‌ها و کشتی‌ها است می‌باشد.

۳ - لنگرود بوده که به معنی لنگرگاه کنار رودخانه است که بعدها به طور خلاصه لنگرود شده است.

۴ - می‌گویند اردوگاه تیمور لنگک در گیلان بوده است و به علت اقامت وی در این محل آنرا لنگرود گفته‌اند.

لواسان

نام استان: تهران
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: تهران ۳۸ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱ - لواسان ترکیبی است از لو و اسان و لغت اخیر از کلمه آسدن در پهلوی به معنی برآمدن و سرزدن خورشید اشتقاق دارد و لواسان به معنی تیغه کوهی که خورشید از آن سر می‌زند.

۲ - لواس به معنی روباه است به علت کثرت روباه در این منطقه بدین نام شهرت یافته است.

۳ - لواسه به معنی کف دست و ناو است و این بخش را ناو شکل می‌دانند لذا به آن لواسان یعنی گود گفته‌اند.

ماربین

نام استان: اصفهان

وجه تسمیه:

۱- در نزدیکی منطقه آتشگاه اصفهان قرار دارد هنگامی که از بلای کوه آتشگاه به جلگه نگاه کنیم رودخانه زاینده رود را مانند ماری با پیچ و خم فراوان می بینیم به همین جهت آنجا را ماربین گفته اند.

ماسوله

نام استان:

گیلان

ارتفاع از سطح دریا: ۱۰۵۰ متر

فاصله تا نزدیکترین نقطه: فومن ۳۶ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- چون مختار به خونخواهی قاتلان امام حسین (ع) شتافت گروهی از ساکنان موصل و کرکوک فرار کرده و اهالی موصل به این محل آمده و لذا به محل اسکان آنان موصله و سپس ماسوله گفته اند.

۲- منطقه فوق محل اجتماع طرفداران سالوک معلم بوده است لذا کلمه ماسوله را ترکیبی از کلمه سالوک معلم می دانند

۳- در زبان پهلوی باستان ماه و س

وله بوده که ماه به معنی ماه و سوله به معنی کوچک و به معنی سرزمین ماه کوچک است.

ماکو

نام استان:

آذربایجان غربی

وسعت:

۷۰۲۰ کیلومتر مربع

طول جغرافیایی:

۴۴ درجه و ۳۰ دقیقه

عرض جغرافیایی:

۳۹ درجه و ۱۸ دقیقه

ارتفاع از سطح دریا: ۱۶۳۴ متر

فاصله تا نزدیکترین نقطه: ارومیه ۲۸۴ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- به علت وجود دو کوه عظیم اطراف ماکو و به این علت که مردم این منطقه در شبها اکثراً ماه را نمی دیدند و سراغ ماه را از یکدیگر می گرفتند و اصطلاحاً می گفتند ماه کو و به مرور زمان به ماکو تغییر داده شده است.

ماهان

نام استان: کرمان
فاصله تا نزدیکترین نقطه: کرمان ۴۲ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- بنای ماهان را به یکی از شاهزادگان سلسله ماد به نام ماهان داده‌اند.
- ۲- از بناهای ماهان بن کاکلی سردار عرب است لذا به نام وی ماهان نامیده شده است.
- ۳- به علت زیبایی منطقه و بیلاقی بودن آن به ماه تشبیه شده است لذا به آن ماهان گفته‌اند.

ماهشهر

نام استان: خوزستان
طول جغرافیایی: ۴۹ درجه و ۱۳ دقیقه
عرض جغرافیایی: ۳۰ درجه و ۳۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا: ۳ متر
فاصله تا نزدیکترین نقطه: اهواز ۱۵۱ کیلومتر
وسعت: ۷۲۸۵ کیلومتر مربع
وجه تسمیه:

- ۱- معشور از کلمه عشر به معنی گمرک گرفته شده است.
- ۲- در سال ۱۳۴۴ معشور به ماه شهر تغییر نام داده است.
- ۳- علت نامگذاری می‌گویند این شهر به مانند ماه زیباست لذا به آن ماه شهر می‌گویند.

ماهیدشت

نام استان: کرمانشاه
فاصله تا نزدیکترین نقطه: کرمانشاه ۲۵ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- می‌گویند این دشت قبلاً بصورت دریایی بوده که تعداد زیادی ماهی از آن صید می‌شده است و با عقب‌نشینی آب دشت فوق از زیر آب خارج شده و به ماهیدشت معروف گشته است.

محلات

نام استان:	مرکزی	وسعت:	۲۱۳۳ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۵۰ درجه و ۳۰ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۳ درجه و ۵۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۷۸۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اراک ۱۱۵ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- در تواریخ آمده است که دو روستا به نامهای و هرکان علیا و سفلی وجود داشته که در میانه آن آتشکده مهر جشسف قرار داشته است که هم اکنون حسینیه آقاخان بجای آن ساخته شده است از پیوستن این دو محله شهر محلات ایجاد شده است.

مراغه

نام استان:	آذربایجان شرقی	نام قدیم:	افرازه رود
طول جغرافیایی:	۴۶ درجه و ۱۶ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۷ درجه و ۲۴ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۴۵۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تبریز ۱۳۲ کیلومتر
وسعت:	۵۳۸۸ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- مراغه از مراغم گرفته شده است و علت را وجود غروبهای غم انگیز می دانند که هر تازه واردی آنرا حس می کند لذا به این نام شهرت یافته است.

۲- مراغه را از کلمه مراوا یا ماراوا گرفته اند و از این جهت می توان آنجا را جایگاه ماد دانست و قدمت این شهر را به دوره ماد نسبت داده اند.

۳- مراغه را از شهرهای احداث شده توسط ماراغا اسقف نسطوری دانسته اند لذا به نام وی محل را مراغه نام گذاشته اند.

۴- مراغه را اشتقاق از کلمه مرغ دانسته اند که در زبان عربی به معنی چراگاه است و چون چراگاه اسبان ماد بوده است به این نام خوانده شده است.

۵- مراغه به معنی به خاک غلتیدن و موضعی که چهارپایان در آنجا به خاک می غلتند را مراغه می گویند. می گویند که مراغه محل بخاک غلتیدن چهارپایان مروان بن محمد والی ارمنستان بوده است.

مروند

نام استان:	آذربایجان شرقی	وسعت:	۴۶۴۰ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۴۵ درجه و ۴۶ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۸ درجه و ۲۶ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۳۳۴ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تبریز ۶۸ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- مرند را تغییر یافته نامهای باستانی ماندآگارانا و یا موروندا که شهرهای دایر در منطقه بوده است می‌دانند.
- ۲- مرند را در لغت ارمنی به معنی دفن یا دینه می‌دانند و لذا می‌گویند محل دفن حضرت نوح (ع) است.
- ۳- بنای شهر رابه دختری ارمنی به نام ماریا نسبت داده‌اند لذا شهر را ماریا و سپس و آنگاه مرند نام گذاشته‌اند.

مروودشت

نام استان:	فارس	وسعت:	۶۱۵۵ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۵۲ درجه و ۵۰ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۸ درجه و ۲۶ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۵۹۵ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	شیراز ۵۷ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- مرو به معنی چمن است که در اصل به صورت مرغ بوده و مرغزار همان مروودشت است که محلی است پوشیده از مرتع و چمن.

مریوان

نام استان:	کردستان	نام قدیم:	شاه آباد
طول جغرافیایی:	۴۶ درجه و ۱۰ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۵ درجه و ۳۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۳۲۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	سندج ۱۲۶ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- به علت فراوانی مار در منطقه معروف به ماریوان بوده که به مرور زمان به مریوان تغییر نام داده شده است.

۲- گروهی اعتقاد دارند که مریوان تغییر یافته کلمه ریوند است به معنی دارنده جلال و شکوه و علت را وجود ارتفاعات و زیبایی منطقه گفته‌اند لذا منسوب به ریوند به آن مریوان گفته‌اند.

۳- به دستور ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۸۲ هجری قلعهای در این منطقه ایجاد شده است که از سال ۱۲۸۶ به آن شاه آباد نام گذاشته‌اند.

مسجد سلیمان

نام استان:	خوزستان	وسعت:	۶۹۸۶ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۴۹ درجه و ۱۷ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۱ درجه و ۵۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۲۶۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اهواز ۱۴۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- بنابر روایات حضرت سلیمان هنگام سفر به دیوان دستور داد برای نماز گذاردن وی مسجدی احداث نمایند دیوان مسجدی را از سنگ بر بالای بلندی احداث کردند و سلیمان آنگاه در این مسجد نماز گذارد و به آن گفتند مسجد سلیمان امروزه بر بالای شهر بر روی کوه اثری باستانی وجود دارد که به سرمسجد معروف است.

مشکین شهر

نام استان:	اردبیل	نام قدیم:	خیابو
طول جغرافیایی:	۴۷ درجه و ۴۱ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۸ درجه و ۲۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۳۹۵ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اردبیل ۱۰۷ کیلومتر
وسعت:	۳۴۹۰ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- خیابو در زبان پهلوی به معنی سرزمین آبهای فراوان است و به علت جاری بودن نهرهای فراوان به این نام معروف شده است.

۲- نام اصلی این شهریشکین بوده که از نام خاندان حاکم در منطقه در قرن هشتم هجری مأخوذ شده است.

۳- مشکین گرجی حاکم منطقه اورامی بوده لذا این شهر را به نام وی پشگین و سپس مشکین خوانده‌اند.

مشهد

نام استان:	خراسان	نام قدیم:	سناباد - نوغان
طول جغرافیایی:	۵۹ درجه و ۳۷ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۶ درجه و ۱۶ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۹۸۵ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۹۲۴ کیلومتر
وسعت:	۲۷۴۸۷ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- اسم مکان است به معنای جای شهادت، در گذشته به آن مشهدالرضا (ع) گفته می‌شده است یعنی مکان

شهادت رضا (ع) که بعدها به صورت مختصر مشهد نام گذاشته شده است. علت را شهادت حضرت ثامن

الائم (ع) در این منطقه و دفن وی در این مکان است.

مغان

نام استان:	اردبیل	وسعت:	۵۴۸۴ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۴۸ درجه و ۳ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۹ درجه و ۱ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۱۰۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اردبیل ۱۲۲ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- قبیلهٔ مغان اولین قبیله‌ای است که به زرتشت گرائیدند همه ساله مغان دین زرتشت در این دشت جهت مذاکرات و انجام مراسم مذهبی گرد می‌آمدند لذا به این محل دشت مغان و به مرکزیت آن شهر مغان نام دادند.

ملایر

نام استان:	همدان	نام قدیم:	دولت آباد
طول جغرافیایی:	۴۸ درجه و ۴۹ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۴ درجه و ۱۷ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۷۵۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	همدان ۸۶ کیلومتر
وسعت:	۳۲۶۳ کیلومتر مربع		

وجه تسمیه:

۱- ترکیبی است از دو واژهٔ مال + آیر که مال در زبان لری به معنی خانه و آیر نیز به معنی آتش است و در مجموع معنای سرزمین آتش است و علت را جود آتشگاهی از ازمه قدیم می‌دانند.

۲- ملایر ترکیبی است از دو کلمه مال و آیر که مال به معنی خانه و آیر تحریفی است از کلمه آریا لذا به معنی خانه و سرزمین آریائیان می‌باشد.

۳- شاهزاده دولت فرزند فتحعلیشاه قاجار اقدام به احداث شهری در این محل نمود که بعدها در زمان برادرش علی میرزا ملقب به شیخ الملوک توسعه یافت لذا به نام شاهزاده دولت این شهر را دولت آباد نامیدند.

۴- در دورهٔ مادها در این منطقه با روشن کردن آتش بر روی تپه‌ها و کوهها اخبار را به سایر مناطق می‌رساندند و از این رو این منطقه را مل آگر به معنی تپهٔ آتش یا تپه‌های آتش می‌نامیدند و به مرور زمان به صورت ملایر تغییر شکل داده است.

مند

نام استان: بوشهر

وجه تسمیه:

- ۱ - نام مند از رودخانه مند گرفته می‌شود. مند را مخفف ماند یا مانه گفته‌اند و علت را اینگونه بیان نموده‌اند که این رودخانه به علت اینکه در زمین هموار و کم شیب جاری است لذا به نظر می‌رسد که آب رودخانه از حرکت باز ایستاده است یعنی مانده است.
- ۲ - رودخانه مند و زمینهای اطراف از نظر کشاورزی ارزش قابل ملاحظه‌ای ندارند لذا به نام ماندستان نامیده شده که بعدها به صورت مخفف مند گفته‌اند.

منیریه

نام استان: تهران

فاصله تا نزدیکترین نقطه: از مناطق شهر تهران است

وجه تسمیه:

- ۱ - آبادی منطقه را به منیر السلطنه مادر کامران میرزا پسر ناصرالدین شاه نسبت می‌دهند لذا منسوب به وی منیریه نام دادند.

مهاباد

نام استان:

آذربایجان غربی

نام قدیم:

ساوجبلاغ مگری

طول جغرافیایی:

۴۵ درجه و ۴۳ دقیقه

عرض جغرافیایی:

۳۶ درجه و ۴۶ دقیقه

ارتفاع از سطح دریا: ۱۳۴۰ متر

فاصله تا نزدیکترین نقطه: ارومیه ۱۳۷ کیلومتر

وسعت:

۵۶۰۰ کیلومتر مربع

وجه تسمیه:

- ۱ - ساوجبلاغ به معنی چشمه‌های سرد است و به علت اینکه آبادانی بدست حیدرخان عسکری بوده است به نام وی ساوجبلاغ مگری نامگذاری شده است.
- ۲ - مه + آباد به معنی شهر بزرگ یا آبادی بزرگ است.

مهران

نام استان: ایلام
 نام قدیم: منصور آباد
 طول جغرافیایی: ۴۶ درجه و ۱۰ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۳ درجه و ۷ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۵۵ متر
 فاصله تانزدیکترین نقطه: ایلام ۱۰۰ کیلومتر
 وسعت: ۴۰۲۹ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

۱- مهران از دو بخش مه + ران به معنی جای بزرگ یا آبادی بزرگ است زیرا مه به معنی بزرگ و ران نیز پسوند مکان است.

۲- بنای این شهر را به خاندان بزرگ مهران نسبت می‌دهند این خاندان که در نزدیکی ری در روستای مهران «سه‌راه ضرابخانه» امروزه ساکن بودند بعدها در نزدیکی تیسفون نیز بنای شهری را ریخته و این شهر را آباد کرده‌اند از این خاندان به بهرام چوبین - شاپور رازی و سیاوخش بن مهران مرزبان ری در زمان حمله اعراب می‌توان اشاره نمود.

مهرجرد

نام استان: یزد
 وجه تسمیه:
 فاصله تانزدیکترین نقطه: یزد ۵۰ کیلومتر

۱- بنای مهرجرد را به مهرنگار دختر انوشیروان نسبت داده‌اند این شهر در ابتدا مهرگرد نام گرفت و به مرور زمان به مه‌ری جرد تبدیل شده است.

مهریز

نام استان: یزد
 وسعت: ۱۲۸۸۳ کیلومتر مربع
 طول جغرافیایی: ۵۴ درجه و ۲۷ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۱ درجه و ۳۵ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۴۸۰ متر
 فاصله تانزدیکترین نقطه: یزد ۳۰ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- مهریز را مخفف مهریزد می‌دانند و می‌گویند این شهر از شهرهای مقدس زرتشتیان بوده لذا به آن مهریزد گفته‌اند که به صورت مخفف مهریز گشته است.
- ۲- از دو قسمت مه + ریز تشکیل یافته است مه به معنی بزرگ و ریز نیز به معنی ریزش است و به علت آب و هوای خوب و نعمات بسیار به آن می‌گویند.

مهنه

نام استان: خراسان
 فاصله تانزدیکترین نقطه: تربت حیدریه ۴۸ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- مهنه از دو قسمت مه + نه تشکیل می‌شود مه به معنی بزرگ و نه به معنی شهر است و به معنی شهر بزرگ است.

میان‌دوآب

نام استان: آذربایجان غربی
 وسعت: ۵۰۱۰ کیلومتر مربع
 طول جغرافیایی: ۴۶ درجه و ۶ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۶ درجه و ۵۸ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۳۱۴ متر
 فاصله تانزدیکترین نقطه: ارومیه ۱۵۷ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- به علت قرار گرفتن این شهر در میان دو رود پرآب سیمینه‌رود و زرینه‌رود به این نام خوانده می‌شود.

میانه

نام استان:	آذربایجان شرقی	نام قدیم:	گرمرو
طول جغرافیایی:	۴۷ درجه و ۴۲ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۷ درجه و ۲۰ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۱۰۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تبریز ۱۶۴ کیلومتر
وسعت:	۶۱۵۶ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- به علت قرار گرفتن این شهر در بین شهرهای زنجان و اردبیل به این نام معروف شده است.

میبد

نام استان:	یزد	ارتفاع از سطح دریا:	۱۰۹۰ متر
طول جغرافیایی:	۵۴ درجه	عرض جغرافیایی:	۳۲ درجه و ۱۳ دقیقه
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	یزد ۴۶ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- بنای این شهر را به میبدار از سرهنگان یزدگرد داده‌اند لذا منسوب به وی آنجا را میبد نام نهاده‌اند.

۲- روایت است که شاه موید فرزند قباد بر اثر بیماری و بنا به درخواست پزشکی هندی از شهر بیرون برده شده بود و در این منطقه چون بیماری وی کاهش یافت و حال وی رو به بهبودی گرائید به دستور قباد شهری احداث کردند نام آنرا مویدگرد گذاشتند که به مرور زمان به میبد تغییر نام داده است.

میگون

نام استان:	تهران	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۳۵ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- میگون تغییر یافته کلمات میگان - میغان و مغگان است که به معنی مکان و محل مغان است.

۲- علت نامگذاری مغگان را تجمع مغان منطقه قصران در این نقطه می‌دانند.

میناب

نام استان:	هرمزگان	نام قدیم:	هرمز
طول جغرافیایی:	۵۷ درجه و ۴ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۲۷ درجه و ۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۴۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	بندرعباس ۱۰۴ کیلومتر
وسعت:	۱۱۳۰۳ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- میناب را مخفف میان آب گفته‌اند به علت نزدیکی به دریا و وجود رودهایی در قسمت بالای این شهر به میان آب و سپس میناب تغییر داده شده است.

مینو

نام استان:	خوزستان	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	آبادان ۲ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- این جزیره به علت سرسبزی و خرمی به بهشت تشبیه شده است لذا به آن مینو گفته‌اند.
 ۲- به علت قرار گرفتن در رودخانه اروند رود به میون + او «لهجه خوزستانی» معروف شده است. که به مرور زمان تغییر نام به مینو داده است.

مینو دشت

نام استان:	مازندران	نام قدیم:	کبود جامه - حاجی لر
طول جغرافیایی:	۵۵ درجه و ۲۳ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۷ درجه و ۱۴ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۸۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	ساری ۲۳۷ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- کبود جامه به علت وجود درختان که باعث می‌شود بنظر برسد زمین لباس تیره به تن کرده است، نام‌گذاری شده است.

۲- کبود جامه از طوایفی است که در این منطقه ساکن بوده، همیشه لباس تیره می‌پوشیدند.

۳- حاجی لر نام طایفه ترکمن ساکن این منطقه می‌باشد.

۴- مینو دشت به علت اینکه این دشت سرسبز و خرم به مانند بهشت است نام‌گذاری شده است.

نائین

نام استان:	اصفهان	وسعت:	۳۵۵۱۹ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۵۳ درجه و ۵ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۲ درجه و ۵۲ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۵۴۵ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اصفهان ۱۴۲ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- بانی این شهر را نائن از فرزندان نوح می‌دانند لذا منسوب به آن نائین گفته‌اند.
- ۲- نائین قومی از یهود است که پس از آزادی آنها به وسیله کوروش و خروج آنها از بابل به داخل ایران در محل فعلی شهری ساخته و بیاد قریه نزدیک بیت المقدس اینجا را نائین نامیده‌اند.
- ۳- نائین از کلمه نی و نای گرفته شده است و به علت وجود دریاچه ساوه در گذشته‌های دور در اطراف این محل نیزارهای وسیع بوده است لذا به آن نائین گفته‌اند.

نجف آباد

نام استان:	اصفهان	وسعت:	۴۱۶۲ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۵۱ درجه و ۲۲ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۲ درجه و ۳۸ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۶۵۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اصفهان ۲۹ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- سال ۱۰۲۲ هجری قمری شاه عباس اول صفوی تصمیم می‌گیرد که مقداری پول و جواهرات جهت توسعه حرم مطهر حضرت امیر (ع) به نجف بفرستند از آنجا که شیخ بهایی با خروج این میزان پول و جواهرات مخالف بود به نزد شاه رفته و اعلام می‌نماید که دیشب در خواب حضرت امیر (ع) را زیارت نمودم و به من امر فرمودند که نجف را به جواهرات شما احتیاجی نیست جواهرات ارسالی را صرف ساختمان شهری بنام نجف آباد در نزدیک اصفهان بنمائید این اظهارات شیخ بهایی را شاه عباس قبول کرده و امر به ساختمان این شهر می‌نماید و به نام نجف آباد خوانده می‌شود.

نطنز

نام استان:	اصفهان	نام قدیم:	بلیدق - وشاق
طول جغرافیایی:	۵۱ درجه و ۵۴ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۲ درجه و ۳۲ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۶۵۰ متر	فاصله تانزدیکترین نقطه:	اصفهان ۱۳۱ کیلومتر
وسعت:	۳۲۱۰ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

- ۱- نام قدیم آن بلیدق بوده که به معنی بلده کوچک یا شهر کوچک است نسبت به کاشان و اردستان.
- ۲- نام دیگر آن وشاق بوده که منسوب به نام حاکم شهر وشاق نامیده شده است.

نفت سفید

نام استان: خوزستان
وجه تسمیه:

- ۱- به علت جاری بودن چشمه که نفتی بیرنگ از آن می جوشد آنرا نفت سفید نامیده اند.

نقده

نام استان:	آذربایجان غربی	نام قدیم:	سلدوز
طول جغرافیایی:	۴۵ درجه و ۲۲ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۶ درجه و ۵۱ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۳۵۰ متر	فاصله تانزدیکترین نقطه:	اورمیه ۸۵ کیلومتر
وسعت:	۲۰۰۰ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

- ۱- نام اصلی آن ده نقی بوده که به صورت نغده و سپس نقده درآمده است این کلمه از کلمات فارسی باستان است.
- ۲- سلدوز از دو قسمت سول به معنی پرآب و دوز به معنی هموار است و این بخاطر داشتن زمینهای هموار کشاورزی و آب زیاد منطقه است.

نور

سولده	نام قدیم:	مازندران	نام استان:
۳۶ درجه و ۳۸ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۵۲ درجه و ۲ دقیقه	طول جغرافیایی:
ساری ۱۱۴ کیلومتر	فاصله تانزدیکترین نقطه:	۲۲ - متر	ارتفاع از سطح دریا:
		۲۹۷۴ کیلومتر مربع	وسعت:
			وجه تسمیه:

- ۱ - نام این شهر از رودخانه نور مشتق شده و نام رود به علت صافی و شفافیت آب آن می باشد که نور در آن منعکس و یا ساطع می گردد.
- ۲ - سولده از ترکیب سول به معنی پر آب و ده می باشد که به معنی ده پر آب می باشد.

نوشهر

ده نو - حبیب آباد	نام قدیم:	مازندران	نام استان:
۳۶ درجه و ۳۹ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۵۱ درجه و ۳۳ دقیقه	طول جغرافیایی:
ساری ۱۶۳ کیلومتر	فاصله تانزدیکترین نقطه:	۲۰ - متر	ارتفاع از سطح دریا:
		۳۶۹۵ کیلومتر مربع	وسعت:
			وجه تسمیه:

- ۱ - نام این روستا ابتدا حبیب آباد بوده که بعدها به ده نو و سپس با ایجاد اسکله و توسعه شهری به نوشهر تغییر نام داده است.
- ۲ - علت نام گذاری به حبیب آباد را آبادانی های حبیب الله خلعتبری می دانند لذا منسوب به وی حبیب آباد نام گذاشته اند.

نهاوند

نام استان:	همدان	وسعت:	۱۶۵۷ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۴۸ درجه و ۲۲ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۴ درجه و ۱۲ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۶۶ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	همدان ۱۵۲ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- بنای این شهر را به حضرت نوح نسبت می‌دهند و می‌گویند نامش نوح آوند بوده است یعنی پایتخت نوح می‌باشد لذا حاء به ها بدل شده و نوح آوند به نهاوند تغییر یافته است.
- ۲- از دو کلمه نه + آوند تشکیل یافته است به معنی شهر آوند و آوند را ظروف سفالین می‌گویند و چون در آن شهر ظرف سفالی زیاد است به این نام معروف شده است.
- ۳- نهاوند مرکب از دو کلمه نها به معنی پیش و وند پسوند مکان است که به معنی ایستادن و واقع شدن و نهاده می‌باشد و نهاوند یعنی شهر یا آبادی یا قلعه ایستاده در پیش رو و آنرا به نزدیکی به همدان نام گذاشته‌اند.

نهبندان

نام استان:	خراسان	ارتفاع از سطح دریا:	۱۱۸۵ متر
طول جغرافیایی:	۶۰ درجه و ۲ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۱ درجه و ۳۲ دقیقه
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	مشهد ۶۹۹ کیلومتر		

وجه تسمیه:

- ۱- مرکب از دو کلمه نه + بندان است و به منطقه‌ای اطلاق شد که حدفاصل دو روستای نه و بندان را می‌گویند.
- ۲- منطقه از مناطق سیل خیز جنوب خراسان محسوب می‌گردد لذا جهت جلوگیری از سیل بندهای مختلفی ایجاد شده است لذا به آن نه‌بندان یعنی شهر سدها گفته شده است.

نیاوران

نام استان: تهران

وجه تسمیه:

- ۱- نام قدیم آن کردوی است و کردوی نام برادر بهرام چویننه از پادشاهان ساسانی است وی از حکام شهر ری بوده است.

نیور

نام استان: اردبیل ارتفاع از سطح دریا: ۱۵۵۰ متر

فاصله تانزدیکترین نقطه: اردبیل ۳۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- نیور در لغت به معنی رنگ کردن لباس است و علت نامگذاری را آن می‌دانند که این منطقه از مراکز نگارین کردن جامه بوده است.
- ۲- به معنی رخشان و درخشان است و به خاطر آب و هوای تمیز که باعث درخشندگی خورشید می‌شده است به این نام معروف شده است.

نیریز

نام استان: فارس وسعت: ۱۰۳۴۷ کیلومتر مربع

طول جغرافیایی: ۵۴ درجه و ۲۰ دقیقه عرض جغرافیایی: ۲۹ درجه و ۱۲ دقیقه

ارتفاع از سطح دریا: ۱۶۱۰ متر فاصله تانزدیکترین نقطه: شیراز ۲۲۲ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- در زمان هخامنشیان نای‌ذی بوده است که به معنی کارگاه اسلحه‌سازی است که به این منطقه اطلاق می‌شده است و در واقع اسلحه‌خانه هخامنشی بوده است و نای‌ذی به مرور زمان به نیریز تبدیل شده است.
- ۲- به علت وجود نيزارهای فراوان در اطراف این شهر و به خصوص اطراف دریاچه به مرور زمان نيزار به نيريز تبدیل شده است.
- ۳- در فرس باستان ريز به معنی نيزه است این شهر را از مراکز تولید نيزه ایران باستان گفته‌اند.

نیشابور

نام استان:	خراسان	نام قدیم:	ابرشهر
طول جغرافیایی:	۵۸ درجه و ۵۰ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۶ درجه و ۱۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۲۵۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	مشهد ۱۳۷ کیلومتر
وسعت:	۹۳۱۸ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- به علت وجود تیره‌ای از طوایف چادرنشین پارت ابرشهر نام داشت که به معنی شهر برجسته و ممتاز است.

۲- نیشابور تغییر یافته کلمه نیوشاهپور است و به معنی شاهپور نیک و رادمرد است.

۳- نشاپور به معنی شهر شاهپور است زیرا نه به معنی شهر و شاهپور نیز نام بانی آن می‌باشد.

نیک شهر

نام استان:	سیستان و بلوچستان	نام قدیم:	گه
طول جغرافیایی:	۶۰ درجه و ۱۳ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۲۶ درجه و ۱۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۴۵۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	چاه بهار ۱۲۰ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- نام قدیم آن گه بوده که در بلوچی نیکو معنی می‌دهد بعداً نام آن از گه به نیک شهر تبدیل شده است.

۲- از معدود شهرهای منطقه است که دارای آب و هوای بسیار خوب و سرسبز و خرمی می‌باشد. لذا به

آن نیک شهر به معنی شهر خوب لقب داده‌اند.

هراز

نام استان: مازندران

وجه تسمیه:

۱- هراز از دو کلمه هرابرز تشکیل شده که به مرور زمان مخفف گشته است و به صورت هراز در آمده است. هر به معنی کوه و برز به معنی بالا و بلند و بزرگ است و در مجموع کوه بلند داشته است.

هرمز

نام استان:

هرمزگان

وسعت: ۶۶ کیلومتر مربع

فاصله تانزدیکترین نقطه: بندرعباس ۱۸ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- نام بندری بوده در کنار خلیج فارس که به بانی آن یعنی هرمز ساسانی نسبت داده شده است. تنگه هرمز نیز نام خود را از آن گرفته و به علت نزدیکی این جزیره با تنگه به همین نام خوانده شده است.

هریس

نام استان:

آذربایجان شرقی

وسعت: ۱۸۷۸ کیلومتر مربع

طول جغرافیایی: ۴۷ درجه و ۶ دقیقه

عرض جغرافیایی: ۳۸ درجه و ۱۴ دقیقه

ارتفاع از سطح دریا: ۱۸۰۰ متر

فاصله تانزدیکترین نقطه: اهر ۵۹ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- هریس به معنی منطقه مرتفع می باشد زیرا هر به معنی کوه و یس نیز مخفف مکان است لذا هریس یعنی منطقه مرتفع و یا کوهستانی.

هشتپیر

نام استان:	گیلان	نام قدیم:	تالش
طول جغرافیایی:	۴۸ درجه و ۵۵ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۷ درجه و ۴۸ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۵۰ متر	فاصله تانزدیکترین نقطه:	رشت ۱۱۰ کیلومتر
وسعت:	۳۶۷۲ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- به علت وجود کاخ هشت درب و با توجه به اینکه در زبان تالشی به درب = بر گفته می شود به هشت بر و سپس به مرور زمان به هشت بر تغییر یافته است.

۲- تالش نام قومی از اهالی گیلان است و به محل سکونت آنان تالش گفته می شود.

۳- تالش در لغت گل خیز است زیرا تول به معنی گل و ش نیز نسبت می باشد لذا به معنی گل و ش است.

هشترود

نام استان:	آذربایجان شرقی	وسعت:	۶۲۴۰ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۴۷ درجه و ۴ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۷ درجه و ۲۸ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۶۶۰ متر	فاصله تانزدیکترین نقطه:	تبریز ۱۳۱ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- چون هشت رودخانه از کوههای سهند در این ناحیه سرچشمه می گیرد به نام هشترود نامیده می شود.

هفت شهیدان

نام استان:	خوزستان	فاصله تانزدیکترین نقطه:	مسجد سلیمان ۳۶ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- در این روستا امامزاده ای قرار گرفته که مدفن هفت تن از اولاد حضرت امام موسی کاظم (ع) می باشد این هفت تن به دستور عمال بنی عباس در این محل به شهادت رسیده و در همین جا مدفون گردیده اند لذا به این جهت نام این دهکده هفت شهیدان خوانده شده است.

هفتگل

نام استان: خوزستان
فاصله تانزدیکترین نقطه: رامهرمز ۴۳ کیلومتر
طول جغرافیایی: ۴۹ درجه و ۳۲ دقیقه
عرض جغرافیایی: ۳۱ درجه و ۲۶ دقیقه
وجه تسمیه:

۱- یکی از روسای طایفه لرکی بنام حاجی گرگعلی روزی از نزدیکی کوهی می‌گذشت ۷ نفر راهزن سرراه او را گرفتند حاجی همگی آنها را از پای درآورد و بر روی گور آنها هفت سنگ چیدند و آنرا هفت تپه یا هفت گل نامیدند.

همدان

نام استان: همدان
نام قدیم: هگمتانه
طول جغرافیایی: ۳۴ درجه و ۴۸ دقیقه
عرض جغرافیایی: ۴۸ درجه و ۳۴ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا: ۱۸۵۰ متر
فاصله تانزدیکترین نقطه: تهران ۳۳۶ کیلومتر
وسعت: ۱۳۰۶۲ کیلومتر مربع
وجه تسمیه:

- ۱- همدان را از بناهای همدان بن سام بن نوح می‌دانند لذا منسوب به وی همدان نام گذاشتند.
- ۲- هگمتانه به معنای بازار مکاره است زیرا این منطقه محل برگزاری بازار بزرگ قبایل ماد بوده است.
- ۳- کلمه همدان را وارونه کلمه نادمه به معنی دوست داشته شده و محبوب می‌دانند.
- ۴- هگمتانه به معنای محل تجمع است و از دو واژه هنگ به معنی جاو متا به معنی تجمع است.
- ۵- همدان تغییر یافته کلمه امدانه می‌باشد و امدانه به معنی مکان مادها می‌باشد کلمه آمادای نیز همین معنی را می‌دهد.

هندیجان

نام استان: خوزستان

فاصله تا نزدیکترین نقطه: ماهشهر ۷۶ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- نام این شهر از رودخانه هندیان که از بین شهر می گذرد گرفته شده است.
- ۲- هندیجان معرب کلمه هندیگان به معنی جای هندی است.
- ۳- می گویند در گذشته های دور گروهی از هندیان به این منطقه هجوم آورده و در جنگ با ایرانیان شکست خوردند و لذا مکان جنگ ایران و هند را هندیگان نام گذاشته اند.
- ۴- تجار ریو اردشیر با هندوستان رابطه بازرگانی داشته اند و لذا تعدادی از این هندیان که به ایران آمده اند در محل کنونی مسکن گزیده لذا به نام آنان هندیگان یعنی مکان و محل هندوان نام گذاری شده است.

هویزه

نام استان: خوزستان

فاصله تا نزدیکترین نقطه: سوسنگرد ۱۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- هویزه به معنی اهواز کوچک است و منسوب به قوم هوز می باشد این شهر را دومین مرکز اقامت قوم هوز می دانند که از اهواز نیز کوچکتر است.

ياسوج

نام استان: کهگیلویه و بویر احمد
 طول جغرافیایی: ۵۱ درجه و ۳۶ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۰ درجه و ۴۰ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۸۷۰ متر
 فاصله تازدیگترین نقطه: تهران ۱۱۵۳ کیلومتر
 وسعت: ۴۴۵۲ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

- ۱- یاسیج و یاسیگک و ایگک به معنی جا، مسکن، شهر و آبادی است پس یاسیج محل و مسکن و مأوی یاس است.
- ۲- یاس نام قبیله و مردمان ساکن منطقه است لذا به آن یاسیج یعنی جای یاس ها گفته اند.
- ۳- یاسیج معرف سرزمینی است که گل یاس فراوان دارد.
- ۴- یاسیج از کلمه تسینگ و طسیگک و طسوج گرفته شده است که یکی از تصمیمات قبیله است و به معنی جایگاه شهر و محل سکونت است و ایج و ایگک جای سکونت و قسمتی از طایفه تسیج و تسینگ می گویند.

یزد

نام استان: یزد
 طول جغرافیایی: ۵۴ درجه و ۲۲ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۱ درجه و ۵۳ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۲۱۰ متر
 فاصله تازدیگترین نقطه: تهران ۶۷۷ کیلومتر
 وسعت: ۷۰۳۳ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

- ۱- کته به معنی زندان و یا شهر کوچک است و منسوب به زندان اسکندر است.
- ۲- از ایزد گرفته شده است و به معنی شهر خدا و یا شهر مقدس است این شهر در نزد زرتشتیان مقدس است.
- ۳- از یزدگرد گرفته شده است زیرا بنای شهر را به یزدگرد ساسانی نسبت می دهند.
- ۴- یزد لغتی است مشتق از یزدان و معنی لغوی آن به معنی پاک و مقدس و فرخنده و درخور آفرین آمده و ذات خدا هم به این نام نامیده شده یزد یعنی آفریننده خویها و پاکها و شهر خدا و شهری که درخور آفرین آمده است.

یزدخواست

نام استان: فارس

فاصله تانزدیکترین نقطه: آباده ۷۳ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- یزدخواست بوده یعنی خداخواست یا خداداد است به معنی شهری که بنا به خواست خدا احداث

شده است.

۲- چون این شهر بنا به درخواست یزدگرد ساخته شده به نام یزدخواست معروف گردیده است.

یوسف آباد

نام استان: تهران

فاصله تانزدیکترین نقطه: از محلات و مناطق تهران است

وجه تسمیه:

۱- میرزا یوسف مستوفی الممالک در دوره قاجاریه در شمیران اماکنی را آباد نمود لذا نام خود را بر

قسمتی از آن منطقه گذارد که به یوسف آباد معروف گشت. همچنین منطقه حسن آباد را به نام پدر خود میرزا

حسن مستوفی الممالک نام گذاری کرد.

نام قدیم برخی از شهرهای ایران

نام هر منطقه ریشه در اعتقادات فرهنگی و مذهبی مردم آن منطقه دارد و طبیعتاً تغییر یا تحریف آن نام نیز به دلایل خاص سیاسی اتفاق می‌افتد. در ذیل نام قدیم و جدید برخی از شهرهای میهن عزیزمان ارائه می‌گردد تا راهگشای محققین و علاقمندان باشد.

نام قدیم شهر	استان	نام جدید شهر
عبادان	خوزستان	آبادان
محلّه شیرازی	فارس	آباده
آدریان	تهران	آدران
دهخوارقان	آذربایجان شرقی	آذر شهر
شاه پستند	مازندران	آزادشهر
کوچان	گیلان	آستانه اشرفیه
ابرتیجان	مرکزی	آشتیان
مبارک آباد - بهلودژ	مازندران	آق قلعه
محمودآباد	مازندران	آمل
ابرکوه	یزد	ابرقو
اوهر - پدیه	زنجان	ابهر
سلطان آباد - عراق	مرکزی	اراک
باران پیروز	اردبیل	اردبیل
اصطهبانات	فارس	استهبان
میان آباد - مهرجان	خراسان	اسفراین
اسپنژان	سمنان	اسفنجان
هارون آباد - شاه آباد - مندلی	کرمانشاه	اسلام آباد
اشتاد	لرستان	اشترینان
جی - یهودیه	اصفهان	اصفهان
کلیل	فارس	اقلید
صالح آباد	خوزستان	اندیمشک
رضائیه - گیلزان	آذربایجان غربی	اورمیه
ارسباران - قراچه داغ	آذربایجان شرقی	اهر

ناصری	خوزستان	اهواز
مالمیر	خوزستان	ایذه
پوره - فهره	سیستان و بلوچستان	ایرانشهر
حسین آباد والی - اریوجان	ایلام	ایلام
مامطیر - بارفروش	مازندران	بابل
مشهدسر	مازندران	بابلسر
جانکی	خوزستان	باغ ملک
بهروژه	کردستان	بانه
بیژن گرد	خراسان	بجنورد
دشتستان	بوشهر	برازجان
مشیز	کرمان	بردسیر
اوجان	آذربایجان شرقی	بستان آباد
هرفته	یزد	بفرافر
فنج	سیستان و بلوچستان	بمپور
بندر پهلوی	گیلان	بندرانزلی
بندر شاه	مازندران	بندر ترکمن
دیله	بوشهر	بندر دیلم
گمبرون	هرمزگان	بندر عباس
سیراف	بوشهر	بندر طاهری
بندر حسن کیاده - فرح ناز	گیلان	بندر کیاشهر
ریشهر - لیان	بوشهر	بندر بوشهر
جنابه	بوشهر	بندر گناوه
چمن	همدان	بهار
ارجان	خوزستان	بهبهان
خرگوران - آسیاب سره - اشرف	مازندران	بهبشهر
زرین کمر - گروس	کردستان	بیجار
بندر شاهپور - خور موسی	خوزستان	بندرامام خمینی

اورامان	کرمانشاه	پاوه
عرب ماکو	آذربایجان غربی	پلدشت
خانه	آذربایجان غربی	پیرانشهر
سیاه‌دهن - ضیاء‌آباد	زنجان	تاکستان
باخزر	خراسان	تایباد
شینز	آذربایجان غربی	تخت سلیمان
زام - جوزجان - سعدآباد	خراسان	ترت جام
آهنگران - زاوه	خراسان	ترت حیدریه
رستم‌دار - شمسوار	مازندران	تنکابن
رودآور	همدان	تویسرکان
چنارستان	تهران	تهران
ارغیان	خراسان	جاجرم
زورآباد	خراسان	جنت‌آباد
گهرم	فارس	جهرم
سبزواران	کرمان	جیرفت
میانده	گیلان	چابکسر
رادکان	خراسان	چناران
ماه‌نشان - قیدار	زنجان	خدابنده
شاهپور خواست	لرستان	خرم‌آباد
بیان - محمره	خوزستان	خرمشهر
فرح‌آباد	مازندران	خزرآباد
خزعل‌آباد	خوزستان	خسروآباد
خسروشاه	آذربایجان شرقی	خسروشهر
هروآباد - فیروزآباد	اردبیل	خلخال
کمره	مرکزی	خمین

همایون شهر - سده - مارین	اصفهان	خمینی شهر
دشتی	بوشهر	خورموج
خیوه	آذربایجان غربی	خوی
دارابگرد	فارس	داراب
صدرروازه	سمنان	دامغان
ایورد - خاوران - محمدآباد	خراسان	درگز
سیمره - بدره	ایلام	دره شهر
دژپل	خوزستان	دزفول
خلجستان	چهارمحال بختیاری	دستگرد
دم آویزه	لرستان	دلفان
کهنه ده	مازندران	دودانگه
بلادشاپور	کهگیلویه و بویر احمد	دهدشت
میرانشاه	کردستان	دیواندره
سخت سر	مازندران	رامسر
خلف آباد	خوزستان	رامشیر
چهارشنبه بازار	گیلان	رضوان شهر
هوسم - کوتم	گیلان	رودسر
رغه	تهران	ری
نیمروز - نصرت آباد	سیستان و بلوچستان	زابل
دزداب	سیستان و بلوچستان	زاهدان
زرقان	فارس	زرگان
شهین	زنجان	زنجان
اسفندقه	کرمان	ساردوئیه
طوسان	مازندران	ساری
متل قو	مازندران	ساقی کلایه

سبزوار	خراسان	بیهق
سپیدان	فارس	بیضاء
سراوان	سیتان و بلوچستان	شستون
سرپل ذهاب	کرمانشاه	کاله - حلوان
سعادت آباد	هرمزگان	حاجی لر
سعادت شهر	فارس	سعادت آباد
سعید آباد	سمنان	امیرآباد
سلطانیه	زنجان	کنگرلند
سلماس	آذربایجان غربی	زراوند - شاهپور - دیلمقان
سنندج	کردستان	کردکوک
سوسنگرد	خوزستان	دشت میشان - نهر تیری
شادگان	خوزستان	دورق - فلاحیه
شازند	مرکزی	سریند - ادریس آباد
شاهرود	سمنان	شجره - ولی آباد
شمیران	تهران	تجریش
شوط	آذربایجان غربی	شاه آباد
شهداد	کرمان	خبیص
شهرضا	اصفهان	قمشه
شهرکرد	چهارمحال بختیاری	ده کرد
شهریار	تهران	علیشاه عوض
صائین دژ	آذربایجان غربی	شاهین دژ
طبس	خراسان	گلشن
طارم سفلی	زنجان	سپردان
طارم علیا	زنجان	جورزق
طالقان	تهران	شهرک

عمارلو	گیلان	خرکام
فردوس	خراسان	تون
فریدون شهر	اصفهان	آخوره
فیروز آباد	فارس	گور
قائم شهر	مازندران	علی آباد - شاهی
قروه	کردستان	ئیلاق - هکلان
قره آغاج	آذربایجان	چهاراویماق
قوچان	خراسان	ناصری - خوبوشان
کازرون	فارس	بلدالعتیق
کاشمر	خراسان	ترشیز
کاغذکنان	فارس	خونج
کردکوی	مازندران	کردمحلہ
کردیان	فارس	قطب آباد
کرمان	کرمان	گواشیر
کلاله	مازندران	کوکلان
کوچصفهان	گیلان	اردشیریه
کوهپایه	اصفهان	ویر
لار	فارس	لاد
لاریجان	مازندران	رینه
لالجین	همدان	لعل چینی
لاهیجان	گیلان	ریه
لردگان	اصفهان	لردجان
لنجان	اصفهان	ریز - فلاورجان - زرین شهر
لنگرود	گیلان	راه پشته
لواسانات	تهران	کلندوک
ماکو	آذربایجان غربی	شاوارشان

ماهشهر	خوزستان	معشور
ماهیدشت	کرمانشاه	نسا
مراغه	آذربایجان شرقی	افرازه رود
مریوان	کردستان	شاه آباد
مشکین شهر	اردبیل	اورامی - خیاو
مشهد	خراسان	سناباد
ملایر	همدان	دولت آباد
ممسنی	فارس	نورآباد
مهاباد	آذربایجان غربی	ساوجبلاغ مگری
مهدی شهر	سمنان	سنگسر
مهران	ایلام	منصورآباد
میانه	آذربایجان شرقی	میانج - گرم رود
میناب	هرمزگان	هرمز
مینودشت	مازندران	کبودجامه - حاجی لر
نرماشیر	کرمان	فهرج
نطنز	اصفهان	بلیدق - وشاق
نقده	آذربایجان غربی	سلدوز
نور	مازندران	سولده
نوشهر	مازندران	خواجهک - حبیب آباد - ده نو
نهبندان	خراسان	شوسف
نیشابور	خراسان	ابر شهر
نیک شهر	سیستان و بلوچستان	گه - قصر قند
هشتر	گیلان	تالش
هشترود	آذربایجان شرقی	سراسکند - آذران
هشتگرد	تهران	ساوجبلاغ
هفتگل	خوزستان	طوف سفید
همدان	همدان	اکباتان - حکمتانه
یزد	یزد	کته

منابع و مأخذ

- | | |
|----------------------------------|---------------------------|
| آتشکده اردستان | ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی |
| آثار باستانی آذربایجان | سیدجمال ترابی طباطبائی |
| آثار باستانی آذربایجان | عبدالعلی کارنگ |
| آثار باستانی و تاریخی لرستان | حمید ایزدپناه |
| آثار تاریخی سمنان | محمدعلی مخلصی |
| اترکنامه | رمضانعلی شاکری |
| تربت پاکان | مدرسی طباطبائی |
| سرزمین قزوین | پرویز ورجاوند |
| آثار تاریخی کاشان و نظنز | حسن نراقی |
| آثار ملی اصفهان | ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی |
| سیستان | جی پی تیت |
| دیار شهریاران | احمد اقتداری |
| شهرهای ایران | محمد یوسف کیانی |
| تاریخ اجتماعی کاشان | حسن نراقی |
| تاریخ جدید یزد | احمدبن حسین بن علی |
| تاریخ جغرافیائی خوزستان | سیدمحمدعلی امام شوشتری |
| تاریخ گیلان و دیلمستان | ظهورالدین مرعشی |
| تاریخ طبرستان | ظهورالدین مرعشی |
| چالوس | جواد نوشین |
| خوزستان و کهگیلویه و ممسنی | احمد اقتداری |
| دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران | عبدالحسین سعیدیان |
| ابنیه تاریخی اصفهان | لطف الله هنرفر |
| راهنمای شهرستانهای ایران | ابراهیم اصلاح |
| ری باستان | حسین کریمان |
| سیراف | غلامرضا معصومی |
| مازندران | عباس شایان |
| مراغه | یونس مروارید |
| بادگزارهای یزد | ایرج افشار |

مسعود گلزاری	کرمانشاهان و کردستان
عبدالحسین نمجیری	جغرافیای تاریخی شهرهای ایران
فمی تفرشی	ساوه
احمد رنجبر	خراسان بزرگ
حسن شهیدی	چهارسو
محمود متدین	تاریخ کرمان
احمد اقتداری	آثار شهرهای باستانی سواحل خلیج فارس و دریای عمان
بابا صفری	اردبیل در گذرگاه تاریخ
علی اکبر دهخدا	فرهنگ نامه دهخدا
جلال الدین طهرانی	فارس نامه ابن بلخی
هل. رایینو	از آستارا تا آستارا آباد
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس	استان فارس
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان	استان همدان
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان	استان کرمان
میراث فرهنگی آذربایجان شرقی	فهرست آثار و ابنیه تاریخی آذربایجان
میراث فرهنگی آذربایجان شرقی	فهرست آثار و ابنیه تاریخی اردبیل

نام هر منطقه ریشه در اعتقادات فرهنگی و مذهبی
مردم آن منطقه دارد و طبیعتاً تغییر یا تحریف آن
نام نیز به دلایل خاص سیاسی اتفاق می افتد.



انتشارات گلگشت

آدرس: ناصرخسرو کوچه حاج نایب باستان خاتمی

تلفن ۳۹۹۱۷۵

قیمت: ۸۰۰